

فرهنگ هزار واژه نظامی
مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح

بهار ۱۳۹۲

عنوان و پدیدآور : فرهنگ هزار واژه نظامی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۷۶ - ۱۳۹۱)

(دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح) بهار ۱۳۹۲

مشخصات نشر :

مشخصات ظاهری :

شابک :

وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا

موضوع : علوم نظامی - اصطلاح‌ها و تعبیرها

موضوع : علوم نظامی - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی

موضوع : علوم نظامی - واژه‌نامه‌ها - فارسی

شناسه افزوده : ستاد کل نیروهای مسلح ، دفتر واژه‌گزینی نظامی

رده بندی کنگره :

رده بندی دیویی :

شماره کتابخانه ملی :



فرهنگ هزار واژه نظامی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۷۶ - ۱۳۹۱)

به کوشش : دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح

ناشر : ستاد کل نیروهای مسلح ، دفتر واژه‌گزینی نظامی

ناظر علمی : فرهنگستان زبان و ادب فارسی

ویراستار : سید اسماعیل افتخاری

بازخوانی : مسعود اسفندیاری

صفحه‌آرایی :

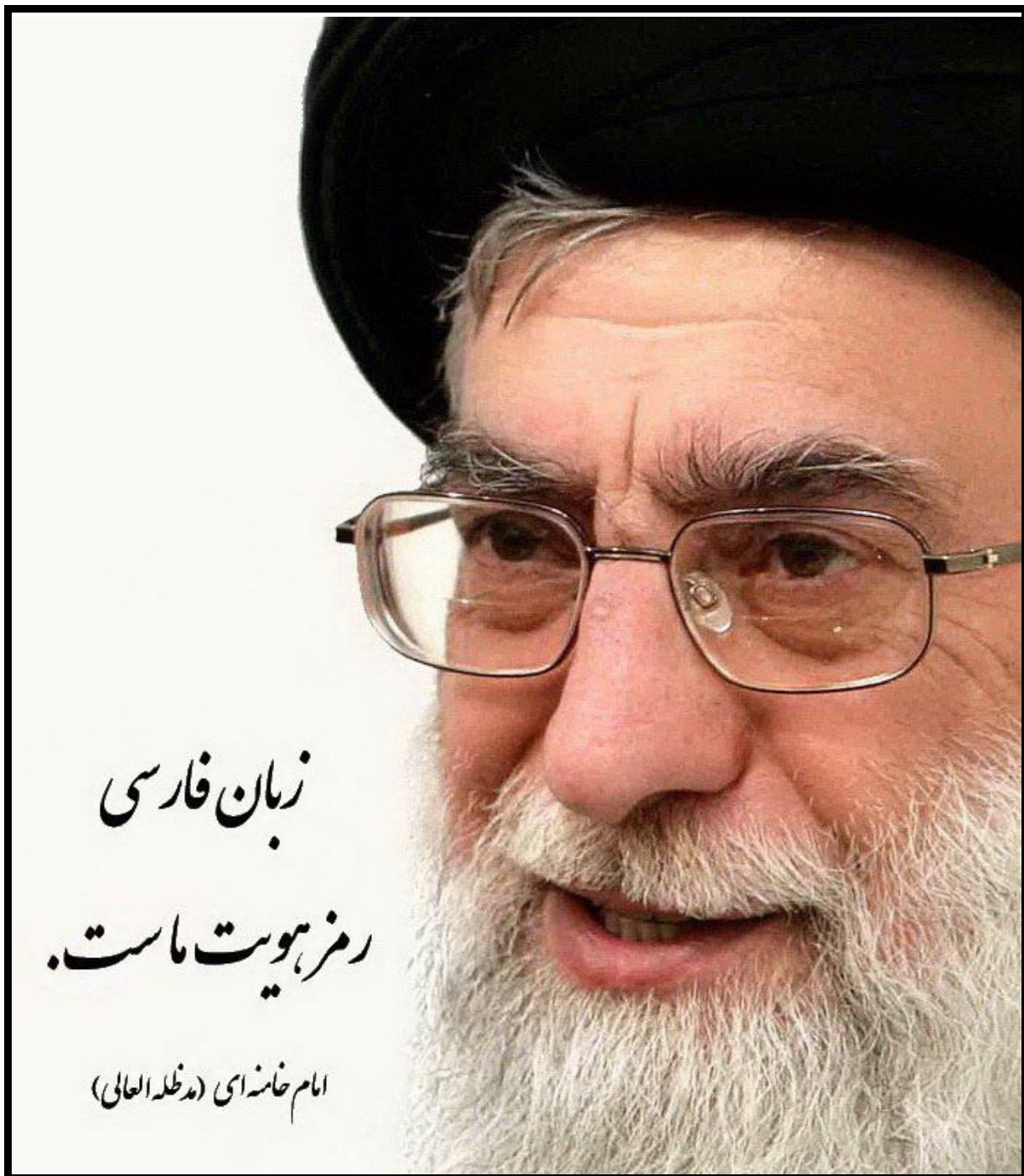
لیتوگرافی ، چاپ و صحافی :

شابک :

شمارگان : ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ : اول

کلیه حقوق این اثر به دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح تعلق دارد.



زبان فارسی

رمز، هویت ماست.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	برگهٔ ابلاغ
.....	اعضا گروه واژه‌گزینی نظامی
.....	پیشگفتار
.....	مقدمه
.....	پیام رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی
.....	روند واژه‌گزینی نظامی
.....	نشانه‌های اختصاری
.....	فهرست توصیفی واژه‌ها با ترتیب الفبای فارسی
.....	فهرست واژه‌ها با ترتیب الفبای انگلیسی
.....	قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی ، عناوین و واژه‌های بیگانه
.....	اصول و ضوابط واژه‌گزینی
.....	فهرست منابع

مجموعهٔ پیش‌رو در بردارندهٔ کلمات و اصطلاحات مصوّب
دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح تا پایان سال
۱۳۹۱ شامل افزون‌بر هزار واژه و اصطلاح است که پس از
بررسی‌های کارشناسانه و فنی به تصویب شورای عالی
فرهنگستان زبان و ادب فارسی رسیده است و براساس اختیارات
تفویضی فرمانده معظم کل قوا (مدظله‌العالی) به نیروهای مسلح
ابلاغ می‌گردد.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
سرلشکر بسیجی دکتر سید حسن فیروزآبادی

اعضای گروه واژه‌گزینی نظامی

دریاداردوم مهرداد آل احمد، استاد محمدرضا آهنی، سرهنگ محمدحسن احمدی، سرهنگ مهرداد ارکانی، سرهنگ شهید اکبر استیری، سرهنگ مسعود اسفندیاری، استاد سیداسماعیل افتخاری، سرهنگ ربیع انگاره، سرهنگ ابراهیم بادپا، سرهنگ محمد باقری، سرهنگ غلامحسین بیابانی، سرهنگ کوروش پاک‌فر، آقای محسن پورجمع مقدم، آقای عسکر پورغفاری بُشری، سرهنگ قدرت‌الله پیرزادفر، خلبان سیدمحمود تدین، سرهنگ داوود جشان، سرهنگ خلبان نیک‌بخش حبیبی، سرهنگ سیاوش حسن‌آبادی، سروان محمدحسین حقیقت، ناخدا سوم جواد داداش‌زاده، نواسالاریکم پاسدار سیدکریم رستگار، مرحوم سرتیپ محمود رستمی، سرهنگ سیدهادی رضایت، سرهنگ حسین رضایی، سرهنگ عباسعلی رفعت‌پناه، سرتیپ‌دوم غلامرضا زندیان، خانم لیلا ساری‌گل، مهندس شهریار سلامی، سرتیپ‌دوم حمید سلطانی، سرهنگ داوود شفیع‌ی،

سرهنگ ميربهزاد طاهري، آقاي مرتضي عابدي يارندي، سرهنگ سيدرضا عظيمي،
ناخدایکم عباس علائي، سرتیپ دوم داوود غياثي راد، استاد سهراب فاضل، سرهنگ دکتر
سيروس فخري، سرهنگ ناصر فرشچي، آقاي غلامحسين فریدوني، سرهنگ امير قدسي،
آقاي خداداد كفایي، سرهنگ اسدالله کيا، سرهنگ سورج گلشنی، سرتیپ دوم بيژن مرادي،
سرهنگ حسين محمدي، سرهنگ محسن محمدي، سرهنگ سيدمجتبي مرئي، سرهنگ
ابراهيم مسلمي، سرهنگ مصطفى مضروب، دريادار دوم عطاءالله مقدمي خمامي، مهندس
سيدعلي مليح، سرتیپ دوم دکتر حسين نواده توپچي، ناخدای دوم مرتضي واشقاني،
سرهنگ دوم حسين ولي تويسرکاني، سرهنگ حسين هاتفي اردکاني، سرهنگ احمدرضا
هدايتي، سرهنگ محمد يکه دهقان

کارشناسان فرهنگستان زبان و ادب فارسي در گروه نظامي:

دکتر بابک بيات، آقاي محمود ظريف، آقاي ابوالفضل زرنیخی، آقاي محمدرضا حسيني،
آقاي سيد حميد حسني

پشگفتار

هزارواژه نام عمومی فرهنگ هایی تخصصی است که از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر می‌شود. ممارست طولانی در کار واژه‌گزینی که به یافتن و ساختن ده‌ها هزار واژه فارسی در برابر لغات و اصطلاحات بیگانه انجامیده است، گروه واژه‌گزینی را قادر ساخته تا دفترهایی با بیش از هزار واژه مصوب در بعضی از رشته‌های علمی انتشار دهد.

امید است انتشار این دفترها دسترسی استادان و پژوهشگران و نویسندگان و مترجمان هر رشته را به معادل‌های فارسی و لغات و اصطلاحات بیگانه همان رشته آسان‌تر سازد و الگویی به دست آنان دهد تا خود نیز به همین سبک و سیاق واژه‌گزینی کنند. همچنین امید است با انتشار هزارواژه‌ها، پاسداری از زبان فارسی در عرصه علم و فناوری و اهتمام به یافتن معادل‌های فارسی به صورت یک فرهنگ درآید تا همگان به یاری فرهنگستان بشتابند.

فرهنگستان آرزومند است روزی فرارسد که زبان فارسی، زبان علم شود و این آرزوی محالی نیست. بی‌گمان اگر بخواهیم می‌توانیم، چنان‌که تاکنون، خواسته‌ایم و توانسته‌ایم.

غلامعلی حداد عادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

و مدیر گروه واژه‌گزینی

اسفند نودویک

مقدمه

از زبان به‌عنوان شالوده‌ی هویت فرهنگی یاد می‌شود و انسان‌ها با توجه به ماهیت و امکانات زبان خویش، هویت خود را از جهان هستس درمی‌یابند. زبان، حلقه‌ی اتصال و وسیله‌ی تعامل بین انسان‌ها محسوب می‌شود و در بستر همین زبان است که تفکر و اندیشه پویا می‌شود و پرندۀ احساس به پرواز درمی‌آید. زبان ملاک اصلی هویت در فرهنگ ملی هر کشور است و تضعیف یا تغییر زبان خواه‌ناخواه منجر به تضعیف و دگرگونی هویت فرهنگی جامعه می‌شود. بخشی از فرآیند استعماری هویت‌زدایی جوامع مستلزم نفوذ زبانی و در نهایت تسخیر زبان است که عموماً با شیوه‌های غیرمستقیم و نامحسوس صورت می‌پذیرد. سلطه‌جویان جهانی در طول زمان با آگاهی از اهمیت چیرگی فرهنگی و زبانی درصدد آن بوده‌اند که به شیوه‌ای نامرئی، زبان، فرهنگ، جهان‌بینی، تفکر، سنت‌ها، آداب و رسوم و اعتقادات خویش را به سایر جوامع تسری دهند

و با هدف توسعه سیطره (هژمونی) فرهنگی، فرایند هویت‌زدایی را با بهره‌برداری از ابزار مؤثری به نام «زبان» کامل کنند.

مهاجمان جنگ نرم و سلطه‌جویان جهانی با آگاهی از اهمیت سیطره (هژمونی) فرهنگی و زبانی از یک‌سو سعی در گسترش چیرگی نظامی و تسلط به کشورها و دسترسی به دارایی‌های ملی کشورها دارند و از سوی دیگر در تلاشند با استفاده از همه ابزارهای علمی، هنری و رسانه‌ای و به‌کارگیری شیوه‌های غیرمحسوس و ناپیدا، زبان، فرهنگ، منابع معنوی و گنج‌های تمدنی آنها را نیز به تاراج ببرند. بسیاری از جوامع تحت نفوذ به دلیل ضعف فرهنگی و روانی، بر این سلطه استعماری گردن می‌نهند و رفته‌رفته استفاده از مؤلفه‌های فرهنگی بیگانه از جمله عناصر زبان خارجی، طبیعی‌تر از به‌کارگیری واژه‌های خودی جلوه می‌نمایند؛ به‌گونه‌ای که حتی بسیاری از نخبگان جامعه تحت نفوذ، با اشغال زبان خودی توسط عناصر زبانی بیگانه موافقت و همراهی می‌کنند و این استحاله فکری و فرهنگی را نشانه نوعی پیشرفت می‌پندارند. ادامه روند این سلطه ناپیدا، مسخ زبانی را در پی دارد که این نکته مهم یکی از اهداف اصلی جنگ نرم است.

دفتر واژه‌گزینی نظامی طبق اساسنامه مشخص با هدف مقابله با این هجوم زبانی گسترده و همچنین به منظور حفظ اصالت، تقویت و گسترش زبان فارسی و تأمین نیازهای روزافزون علمی، فنی و عملیاتی نیروهای مسلح در حوزه زبان، با ترکیبی از نمایندگان نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سازمان بسیج مستضعفین و با حضور نمایندگان فرهنگستان زبان و ادب فارسی و همچنین با بهره‌گیری از توان علمی گروه‌های کارشناسی و هیئت‌های فنی مرکب از استادان دانشگاه و متخصصان نظامی برای حفظ کیان زبان فارسی در گستره نیروهای مسلح تلاش می‌کند.

مجموعهٔ پیش‌رو در بردارندهٔ افزون بر هزار واژه و اصطلاح نظامی در حوزه‌های عمومی، مشترک و تخصصی است که از ابتدای برپایی این دفتر تا سال ۱۳۹۱ به تصویب گروه واژه‌گزینی نظامی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی رسیده است.

دفتر واژه‌گزینی نظامی همچون گذشته با همکاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی در روندی منظم و مستمر با بهره‌گیری از تمام توان علمی و اجرایی خویش، درصدد واژه‌یابی، معادل‌گزینی، تصویب کلمات و اصطلاحات نظامی و تدوین روش‌های بهینهٔ اصلاح و تقویت امور مرتبط با زبان فارسی در نیروهای مسلح کشور است.

دفتر واژه‌گزینی نظامی

ستاد کل نیروهای مسلح

بهار ۱۳۹۲

پیام رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

جناب آقای دکتر غلامعلی حداد عادل به نخستین همایش

واژه‌گزینی نظامی (۱۳۸۹/۲/۲۵)

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در همان حال که با پیشرفت در دانش و فنون نظامی و ساختن و به‌کارگرفتن سلاح‌ها و تجهیزات جدید، عزم و اراده خود را برای دفاع از مرزهای میهن اسلامی و حفظ استقلال کشور استوار کرده‌اند، در نگاهبانی از زبان فارسی که رمز هویت ملی ما ایرانیان است نیز عزم و اراده‌ای استوار دارند.[. . .]

حقیقت این است که در جهانی که همواره در حال توسعه است، زبان هم باید در حال توسعه باشد، و آلا لاغر و پژمرده می‌شود و می‌میرد. در دنیای امروز، در حوزه نیروهای مسلح، هم روش‌ها و آموزش‌ها و هم ابزارها و جنگ‌افزارها، روزبه‌روز نو می‌شود و نامی نو می‌طلبد و زبانی نو می‌خواهد. خوشبختانه ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با هدایت رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و با درایت مدیران آگاه خود، به‌درستی به این حقیقت وقوف یافته و به «واژه‌گزینی نظامی» همت گماشته است و بی‌گمان این همت و کار و تلاش را مضاعف خواهد کرد.

مزیتی که آشکارا در نیروهای مسلح وجود دارد این است که وقتی واژه‌های فارسی در برابر واژه‌های بیگانه به‌تصویب می‌رسد، از سوی ستاد کل نیروهای مسلح به همه واحدهای ستاد و صف در سراسر کشور ابلاغ می‌شود و بی‌چون و چرا لازم‌الاجرا می‌گردد و به علت وجود همین سلسله مراتب در فرماندهی، در اندک مدتی کاربردی وسیع پیدا می‌کند و از طریق نیروهای مسلح به رسانه‌ها و عموم مردم نیز انتقال می‌یابد. نمونه روشنی از این فرآیند رواج دو واژه خوش‌آهنگ و خوش‌معنای «بالگرد» به جای «هلیکوپتر» و «رزمایش» به جای «مانور» در زبان فارسی امروز است. [..]

همچنین مجموعه واژه‌گزینی نظامی توانسته است به زبانی که می‌توان آن را «زبان فارسی نظامی» نامید دست پیدا کند و همین امر راه را برای آینده باز و هموار خواهد ساخت. فرهنگستان زبان و ادب فارسی به حکم وظیفه قانونی و ملی خود از آغاز تأسیس تا به امروز با دفتر واژه‌گزینی نظامی همکاری داشته و از این پس نیز با انگیزه‌ای بیشتر بدین همکاری ادامه خواهد داد.

اینجانب وظیفه خود می‌دانم از ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه دفتر واژه‌گزینی نظامی آن، که در پاسداری از زبان فارسی، پافشاری و استواری دارد، سپاسگزاری نمایم و برای همه نیروهای مسلح از خداوند در دفاع از استقلال و سربلندی همه‌جانبه ایران اسلامی طلب توفیق کنم.

رند واژه‌گزینی نظامی

الف) روش‌های واژه‌یابی و انجام واژه‌گزینی نظامی

فرایند واژه‌گزینی دفتر واژه‌گزینی نظامی برابر اساسنامه و تفویض اختیار ، شامل ترکیبی از روند واژه‌گزینی فرهنگستان زبان ادب و فارسی و دفتر واژه‌گزینی نظامی به شرح ذیل است:

۱- ارائه پیشنهاد واژه از طریق هجده نفر نماینده معرفی شده از طرف نیروهای نظامی و وزارت دفاع یا کارگروه‌های متشکل از خبرگان نظامی

الف) تأیید نماینده توسط دفتر مطابق اساسنامه شرایطی دارد که ابلاغ شده است.

ب) روند مشخص فعالیت نمایندگان در امر واژه‌گزینی نظامی به صورت کامل تعریف شده است.

ج) پیشنهادهای اصلاحی برای بهبود و کیفیت بخشی فعالیت نمایندگان نیروها در گروه واژه‌گزینی نظامی به صورت مستمر گردآوری می شود.

۲- معرفی و پیشنهاد واژه‌ها از طریق کارگروه‌های تخصصی واژه‌گزینی در قالب کاربرگه (کارگروه تخصصی زمینی ، کارگروه تخصصی هوایی ، کارگروه تخصصی دریایی ، کارگروه تخصصی انتظامی ، کارگروه تخصصی راهبردی ، کارگروه تخصصی تأمین اجتماعی ، کارگروه تخصصی حفاظت اطلاعات ، کارگروه تخصصی بسیج مستضعفین و کارگروه واژگانی ویژه)

۳- ممیزی و پالایش کلمات و معادل واژه‌ها و اصطلاحات نظامی در گروه کارشناسی واژه‌گزینی نظامی طی روندی مشخص

۴- مطرح شدن واژه‌ها و اصطلاحات کارشناسی‌شده در گروه واژه‌گزینی نظامی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با حضور نماینده فرهنگستان و نمایندگان نظامی و تصویب یا رد واژه

۵- طرح واژه یا اصطلاح نظامی همراه ویژگی‌های معنایی ، دستوری و کاربردی در شورای عالی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با حضور رئیس فرهنگستان ، مسئول دفتر واژه‌گزینی نظامی و کارشناسان فرهنگستان و دفتر واژه‌گزینی نظامی در قالب کاربرگه‌هایی حاوی همه اطلاعات لازم

(ب) اولویت‌های واژه‌گزینی نظامی

۱- واژه و اصطلاح باید نظامی باشد یا در حوزه تخصصی علوم نظامی قرار داشته باشد. (به‌طور طبیعی با کاهش تعداد واژه‌های عمومی نظامی ، واژه‌های تخصصی نظامی در اولویت واژه‌گزینی قرار می‌گیرند.)

۲- واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه باید از جانب نیروها و کارشناسان خبره نظامی معرفی شود.

۳- واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه باید در حوزه عمومی یا تخصصی علوم نظامی و انتظامی و در زمره اولویت‌ها باشد.

۴- واژه‌های معرفی شده باید تا حد ممکن از واژه‌های پرمصرف و کاربردی نیرو یا سازمان نظامی باشد ، هرچند واژه تخصصی رایج در یک حوزه نظامی ممکن است برای حوزه‌های دیگر نظامی کاملاً ناشناخته ، غیررایج یا غیرضروری به نظر برسد.

۵- در مواردی که در ترجمه‌ها احتمال خروج از استانداردهای رایج وجود دارد یا مواردی از ناهماهنگی در گزینش صحیح معنا توسط مترجمان مشاهده شود ، باهدف استانداردسازی یا تثبیت اصطلاح تخصصی ، از بین معادل‌های گوناگون موجود در فرهنگ‌های لغات تخصصی مورد تأیید فرهنگستان ، کلمه یا اصطلاح برتر گزینش ، تصویب و ابلاغ می‌شود.

۶- کلمات و اصطلاحات متنوع در نیروهای نظامی (ارتش ، سپاه ، ناجا و وزارت دفاع) باید یکنواخت‌سازی و استانداردسازی شوند.

۷- واژه‌های تخصصی و عمومی غیرنظامی در حوزه مسئولیتی دفتر واژه‌گزینی نظامی قرار ندارد.

ج) تأکید بر کاربردی بودن واژه‌های مصوب نظامی

۱- دفتر واژه‌گزینی نظامی به‌لحاظ سازمانی موظف است در امر واژه‌گزینی ، اصول رایج در فرهنگستان زبان و ادب فارسی را رعایت کند و از این حیث ، مطابق روش فرهنگستان عمل کند که اصول علمی و روند و سازوکار خاص خود را دارد.

۲- تعداد واژه‌های نظامی عمومی و پرکاربرد زیاد نیست و اغلب آنها تا به حال معادل‌گزینی شده‌اند.

۳- به‌دلیل تخصصی و فوق تخصصی شدن علوم نظامی ، میزان کاربرد واژه‌های تخصصی تنها برای متخصصان همان رشته محرز است و خارج از حوزه آن رشته ، کاربرد ندارد.

۴- استانداردسازی واژه‌ها و اصطلاحات نظامی برای نیروهای مسلح بسیار ضروری است و به دقت و سرعت ارتباطات در حوزه‌های نظامی (علمی و عملیاتی) می‌افزاید. برای انجام این وظیفه دفتر واژه‌گزینی نظامی همواره درصدد تثبیت واژه و اصطلاح برتر از بین کلمات معادلی است که به صورت ناهماهنگ، در بین نیروها و سازمان‌های نظامی و در حوزه‌های تخصصی رواج دارد. به‌عنوان نمونه برای اصطلاح **asymmetric warfare** معادل‌های مختلفی چون جنگ ناهمتراز، جنگ نامتقارن و جنگ ناهمگون رواج داشت که برای یکنواخت‌سازی و تثبیت این اصطلاح، دفتر واژه‌گزینی پس از بحث و بررسی و نظرسنجی‌های لازم «جنگ ناهمگون» را به تصویب رساند.

۵- یکی از وظایف اصلی نمایندگان نیروها در گروه واژه‌گزینی نظامی معرفی واژه‌های بیگانه رایج در نیرو یا سازمان متبوع است. تصویب واژه یا اصطلاح نظامی تخصصی نه‌چندان رایج نظامی که ممکن است در مواردی نادر توسط دفتر انجام شود، به‌علت معرفی، پیشنهاد و دفاع از ضرورت معادل‌گزینی برای واژه توسط نماینده نیرو یا سازمانی است که این واژه را معرفی کرده است.

(د) کلمات با ریشه عربی و موضوع واژه‌گزینی نظامی

اثرپذیری زبانی به‌تبع اثرپذیری فرهنگی رخ می‌دهد و ورود تعداد فراوان کلمات عربی در زبان فارسی که از گذشته دور آغاز شد، محصول پذیرش همه‌جانبه فرهنگ اسلام توسط مردم ایران بوده است. از یک‌سو رویکرد گسترده ایرانیان به اسلام و زبان قرآن که همانا زبان عربی است و از سوی دیگر تقدس این دین الهی، زبان عربی را برای ایرانیان از شمول بیگانه بودن خارج ساخت و به این ترتیب بدون مانع خاصی کلمات و اصطلاحات زبان عربی به زبان فارسی راه یافت.

از همین روست که فرمانده معظم کل قوا (مدظله‌العالی) در تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۱ در دیدار با مدیران و مسئولان بخش‌های خبری صدا و سیما فرموده‌اند:

«امروز هر چه که در زبان ماست (تقریباً شصت درصد زبان ما و چهل درصد از عربی آورده‌ایم)، متعلق به ماست و به قول مرحوم آل احمد: «زبانی که من با آن حرف می‌زنم، زبان من است.» مثلاً بگوییم «حرف» عربی است و آن را تلفظ نکنیم! نه، این طور نیست، «حرف» فارسی است و ما با هم حرف می‌زنیم.»

همچنین فرمانده معظم کل قوا در تاریخ ۷۰/۹/۱۸ در دیدار با اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما نیز فرموده‌اند:

«من از آن آدم‌هایی نیستم که معتقد باشم چون کلمه عربی است، باید آن را کنار گذاشت؛ نه، کلمه عربی است، اما به قول مرحوم آل احمد جزو زبان من است.»

علاوه بر این رئیس محترم ستاد کل نیروهای مسلح سردار سرلشکر دکتر سید حسن فیروزآبادی نیز در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۱۰ در گردهمایی واژه‌گزینی نظامی در این مورد فرمودند:

«ما قصد نداریم کلمات عربی را بیگانه بدانیم ... یک زمانی شاه مأموریت داشت دین اسلام را حذف کند؛ برای همین اقدام به حذف کلمات عربی می‌کردند.»

با توجه به ملاحظات مورد اشاره، دفتر واژه‌گزینی نظامی به تبعیت از فرهنگستان زبان و ادب فارسی در پی عربی‌زدایی از زبان فارسی نیست؛ اگرچه وظیفه دارد غیراز واژه‌سازی برای کلمات وارداتی انگلیسی و سایر زبان‌های بیگانه، حتی برای کلمات عربی دشوار و کلمات و اصطلاحات عربی که به‌تازگی وارد زبان فارسی شده‌اند یا در معرض ورود قرار دارند، روند واژه‌گزینی و معادل‌سازی بهینه را دنبال کند.

نباید فراموش کرد که در مورد کلمات وارداتی از زبان‌های بیگانه مثل انگلیسی و فرانسه شرایط متفاوتی حاکم است ، زیرا این زبان‌ها به هیچ روی مورد اقبال فرهنگی قرار نداشته و ندارند و ورود اجباری کلمات آنها ناشی از نفوذ سیاسی یا پیشرفت‌های علمی و صنعتی صورت گرفته در آن کشورهاست.

اگرچه ما ناگزیریم تا رسیدن به مرزهای دانش و تأمین روند پویایی صحنه‌های علمی و صنعتی کشور به شکل گسترده‌ای از زبان انگلیسی استفاده کنیم ، ولی نمی‌توان انکار کرد که زبان انگلیسی زبان رایج دشمن شمرده می‌شود ، در حالی که زبان عربی زبان دین و قرآن است.

نشانه‌های اختصاری

صورت اختصاری واژه بیگانه	abbr.	صورت اختصاری	اخت.
مترادف واژه بیگانه	syn.	مترادف	مت.
توضیح	*	صورت کوتاه شده	ص.ک

**فهرست توصیفی واژه‌ها
با ترتیب الفبای فارسی**

آ، ا

amphibious

آب‌خاکی

ویژگی عملیات و ادوات و تجهیزات و نفراتی که توأمان توانایی عمل در دریا و خشکی را دارند

hydrofoil

آب‌سُر

شناوری تندرو که پس از رسیدن به سرعت مشخص با استفاده از باله‌ها یا تیغه‌هایی که از زیر آن بیرون می‌آید، بدنه‌اش از سطح آب بلند می‌شود

battery

آتشبار

یگانی راهکنشی و اجرایی در واحدهای توپخانه که در یگان‌های پیاده و سایر رسته‌های نظامی معادل گروهان است

cease fire

آتش‌بس

وضعیتی که در آن مبادلهٔ آتش بین دو نیروی متخاصم به‌طور موقت پایان داده شود

weapons tight

آتش‌به‌احتیاط!

فرمانی مربوط به واپایی سلاح که نشان‌دهندهٔ وضعیتی است که در آن با سامانه‌های سلاح تنها باید به هدفی که متخاصم شناخته شود شلیک کرد

weapons free

آتش به اختیار!

فرمانی مربوط به واپایی سلاح که نشان دهنده وضعیتی است که در آن با سامانه‌های سلاح باید به هدفی که غیر خودی یا ناشناس شناخته شود شلیک کرد

weapons hold

آتش به فرمان!

فرمانی مربوط به واپایی سلاح که نشان دهنده وضعیتی است که در آن سامانه‌های سلاح باید در دفاع از خود و در اجرای دستور رسمی شلیک کنند

continuous fire

آتش پایدار

آتشی که با آهنگ یکنواخت و بدون هیچ توقفی برای تنظیم یا تصحیح آتش اجرا می‌شود

distributed fire

آتش پخشیده

آتشی که در منطقه هدف پخش می‌شود تا بیشترین کارایی را در پی داشته باشد

grazing fire

آتش تراش

آتشی که تقریباً موازی با سطح زمین اجرا می‌شود و مرکز مخروط آن از یک متری سطح زمین تجاوز نمی‌کند

friendly fire

آتش خودی

آتشی که بر اثر آن نیروهای خودی به صورت اتفاقی یا اشتباهی کشته یا زخمی شوند

**on-call fire,
on-call**

آتش درخواستی

آتش طرح‌ریزی شده‌ای که با درخواست یگان‌های پشتیبانی شونده بر روی هدف‌های معین اجرا می‌شود

suppressive fire

آتش سرکوب

آتشی که سامانه سلاح دشمن یا اطراف آن را نشانه می‌رود تا عملکرد آن را تحت الشعاع قرار دهد

prearranged fire

آتش طرح‌ریزی شده

آتشی که از پیش برنامه‌ریزی و علیه اهداف یا منطقه هدف مشخص در زمان تعیین شده و برای مدت معین اجرا می‌شود

searching fire

آتش غلتان

آتشی که با تغییر پی‌درپی ارتفاع لوله توپ، در عمق مواضع دشمن اجرا می‌شود

fire for effect, FFE

آتش مؤثر

حجم آتشی که باید به سمت هدف اجرا شود تا نتیجه مطلوب به دست آید

formation

آرایش

ترتیب قرار گرفتن تعدادی از یگان‌های نظامی به شکلی ویژه برای انجام یا آمادگی انجام مأموریتی خاص

electronic order of battle, EOB

آرایش رزمی الکترونیکی

وضعیت استقرار سامانه‌های الکترونیکی دشمن

radar order of battle, ROB

آرایش رزمی راداری

وضعیت استقرار سامانه‌های راداری دشمن

operational testing

آزمایش عملیاتی

ارزیابی پیوسته‌ای که در مورد افراد عملیاتی یا وضعیت‌های عملیاتی برای اعتبارسنجی و اعتمادسنجی آنها انجام شود

crime laboratory

آزمایشگاه تشخیص جُرم

سازمانی علمی که با آزمایش مواد به‌دست‌آمده از صحنه جُرم و افراد مظنون به یافتن مجرمان و تخمین زمان وقوع جُرم کمک می‌کند

accelerated-life test

آزمون عمر شتاب‌یافته

نوعی آزمون عملیاتی که در آن با ایجاد شرایط غیرعادی موجب خرابی سامانه یا جزئی از آن می‌شوند تا کارکرد آن را پیش از راه‌اندازی ارزیابی کنند

strategic vulnerability

آسیب‌پذیری راهبردی

تأثیرپذیری شدید مؤلفه‌های حیاتی مربوط به قدرت ملی یک کشور در نتیجه توانمندی و اقدامات تحمیلی کشورهای دیگر؛ این تأثیرپذیری ممکن است به عوامل سیاسی و جغرافیایی و اقتصادی و اطلاعاتی و اجتماعی و علمی و نظامی مربوط شود

damage tolerant

آسیب‌تاب

ویژگی هر نوع سازه پروازی که پس از بروز خرابی همچنان می‌تواند فشارهای معمول را تحمل کند

countermeasures

آشکارکنندگی پادکنش

detectability

میزان توانایی یک سامانه راداری در آشکار کردن پادکنش هنگامی که در معرض آن قرار می‌گیرد

hangar

آشیانه

محل سرپوشیده‌ای برای استقرار کوتاه‌مدت و نیز تعمیر انواع نظامی و غیرنظامی هواگرد و لوکوموتیو و واگن و جز آن

dart

آماج

هدفی تمرینی و هوایی که به وسیله هواگرد در منطقه تیراندازی ضد هوایی قرار می‌گیرد و پدافند زمین به هوا و هواگرد آن را هدف قرار می‌دهند

logistics

آماد

علم طرح‌ریزی و جابه‌جایی و نگهداری نیروها عمدتاً شامل طراحی و توسعه و فراهم‌سازی و انبارش و انتقال و توزیع مواد و اقلام؛ جابه‌جایی و تخلیه و بستری کردن نیروها در صورت لزوم؛ فراهم‌سازی و ساخت و نگهداری و جابه‌جایی تجهیزات و ارائه خدمات

operational readiness, OR

آمادگی عملیاتی

توانایی یک واحد یا کشتی یا سامانه تسلیحاتی در انجام مأموریت یا کاری که برای آن برنامه‌ریزی یا طراحی شده است

joint logistics

آمد مشترک

علم و فن طرح‌ریزی و اجرای عملیات آمادی توسط فرمانده مشترک نیروهای کشور

common battlespace picture,

آوردنمای مشترک

common battlespace view,

common battlespace display

سامانه‌ای شامل اطلاعات به اشتراک گذاشته شده همه عوامل درگیر در وضعیت اضطراری صحنه عملیات که هم‌زمان مرجع قابل دسترسی برای تک تک عوامل درگیر درباره آخرین وضعیت و چگونگی پیشرفت عملیات است

battlefield visualisation

آوردنمایی

تجسم تحولات صحنه رزم با سامانه‌های رایانه‌ای

battle rhythm

آهنگ نبرد

سرعت یا الگو یا مراحل فرایند سامانمندی که یک فرمانده برای طراحی و اجرای یک نبرد در نظر می‌گیرد

field manual

آیین‌نامه رزمی

آیین‌نامه‌ای حاوی اطلاعاتی درباره آموزش و هدایت و طرح‌ریزی و اجرای عملیات نظامی و همچنین ارائه مطالبی درباره آموزه و راهکنش و روش‌ها و فنون نظامی

technical manual

آیین‌نامه فنی

متنی حاوی جزئیات طرز کار یک وسیله، نظیر مشخصات فنی و دستورالعمل بهره‌برداری و تعمیر و نگهداری آن

pilot house

اتاق سکان

اتاق یا جایگاهی در سازه پل فرماندهی برای هدایت شناور

fingerprint

اثر انگشت

خطوط و شیارهای خاص انگشتان دست یا پا که به هنگام لمس کردن اشیا بر روی آنها باقی می‌ماند و در افراد مختلف تفاوت دارد

whorl fingerprint, whorl

اثر انگشت پیچشی

نوعی اثر انگشت که حداقل دارای دو دلتاست و در مقابل هریک از دلتاها حداقل یک خط مدور وجود دارد
مت. پیچشی

loop fingerprint, loop

اثر انگشت حلقه‌ای

نوعی اثر انگشت که خطوط آن از یک طرف وارد می‌شود و پس از گردش حول محوری فرضی و عبور از مقابل دلتا از همان طرفی که وارد شده است خارج می‌شود
مت. حلقه‌ای

arch fingerprint, arch

اثر انگشت کمانی

نوعی اثر انگشت که خطوط آن از یک طرف وارد می‌شود و به صورت قوس یا کمان از طرف دیگر خارج می‌شود
مت. کمانی

kill probability

احتمال انهدام

میزان احتمال تخریب یک هدف

concealment

اختفا

پنهان ساختن چیزی برای حفاظت در برابر عملیات دیدبانی یا مراقبت دشمن

jamming

اختلال

ایجاد نشانک‌های غیرمطلوب در دستگاه گیرنده یا مختل شدن ارتباط به وسیلهٔ امواج مزاحم که سبب کم شدن اثر دستگاه‌های مخابراتی و ردیابی امواج شود

home-on-jam

اختلال پویی

امکانی در برخی موشک‌ها که آنها را قادر می‌سازد با استفاده از نشانک اختلال ارسال شده از هدف، آن را شناسایی و سپس به آن اصابت کنند

jam resistant

اختلال تاب

ویژگی افزاره یا سامانه‌ای که در برابر اختلال اثرپذیر نیست یا اثرپذیری آن ناچیز است

stand-off jamming

اختلال دورایست

اختلالی که در خارج از بُرد مؤثر رادار هدف ایجاد می‌شود

sweep jamming

اختلال روبشی

اختلالی که با عقب‌وجلو کشیدن باند باریکی بر روی باند نسبتاً وسیعی از بسامدهای فعال ایجاد می‌شود

barrage jamming

اختلال سدی

اختلال الکترومغناطیسی هم‌زمان در بخش گسترده‌ای از باندهای بسامد دشمن

burnthrough

اختلال گذری

در جنگ الکترونیکی، رسیدن به نقطه‌ای که در آن میزان پژواک هدف، قوی‌تر از نشانک اختلال دریافتی باشد

jammer

اختلالگر

وسیله‌ای که برای ایجاد نشانک‌های غیرمطلوب در دستگاه گیرنده یا مختل کردن ارتباط به کار می‌رود

stand-off jammer

اختلالگر دورایست

مجموعه‌دستگاهی که برای ایجاد نشانک‌های غیرمطلوب در دستگاه گیرنده دشمن به‌منظور مختل کردن ارتباط او به کار می‌رود؛ این دستگاه را هواپیمای جنگ الکترونیکی حمل می‌کند

sweep jammer

اختلالگر روبشی

دستگاه فرستنده جنگ الکترونیکی که با ارسال پی‌درپی امواج نامطلوب در باند نسبتاً وسیعی از بسامدهای فعال، در گیرنده‌های دشمن اختلال ایجاد می‌کند

barrage jammer

اختلالگر سدی

دستگاه اختلالگر الکترونیکی در سامانه جنگ الکترونیکی که با پخش امواج نامساعد به‌صورت گسترده، باند وسیعی از بسامدهای گیرنده‌های دشمن را مختل می‌کند

spot jammer

اختلالگر نقطه‌ای

وسیله‌ای برای ایجاد اختلال که تمام توان آن در یک عرض باند باریک متمرکز می‌شود؛ این اختلالگر می‌تواند اطلاعات مربوط به زاویه و مسافت را در رادارها از بین ببرد و مکالمات و سایر نشانک‌های مدوله‌شده را در گیرنده‌های ارتباطی نامفهوم سازد

spot jamming

اختلال نقطه‌ای

ایجاد اختلال در مسیر یا بسامدی خاص

strategic warning

اخطار راهبردی

اخطار پیش از شروع عمل تهدیدآمیز

army

ارتش

سازمان نظامی کل یک کشور

operational readiness evaluation

ارزیابی آمادگی عملیاتی

ارزیابی توانایی عملیاتی و کارایی یک واحد یا بخشی از آن

logistic assessment

ارزیابی آمادی

ارزیابی پشتیبانی آمادی واقعی و بالقوه برای هدایت عملیات نظامی در صحنه نبرد یا در کل کشور یا در یک منطقه یا در هر جای دیگر

area assessment

ارزیابی منطقه

گردآوری پیوسته اطلاعات در خلال عملیات به دستور فرمانده که ممکن است اطلاعات پیشین را تأیید، تکمیل، تصحیح یا رد کند

torpedo

اژدر

سلاح انفجاری زیرآبی خودحرکتی که بر روی اهداف سطحی یا زیرسطحی نشانه‌گیری می‌شود و گاهی توانایی جست‌وجوی اهداف را نیز دارد

torpedo launcher

اژدرافکن

وسیله‌ای در کشتی یا هواگرد یا زیردریایی که اژدر را به سمت هدف پرتاب می‌کند

camouflage

استتار

استفاده از مواد طبیعی یا الکترونیکی یا مصنوعی برای پوشاندن افراد یا تجهیزات یا مکان‌های راهکنشی با هدف فریب دشمن

deployment

استقرار

قرار گرفتن نیروها با آرایش ویژه در مناطق عملیاتی

information sharing

اشتراک اطلاعات

تبادل اطلاعات بین جمع‌آوری‌کنندگان و تحلیلگران و مصرف‌کنندگان برای ارتقای امنیت ملی
مت. مشارکت اطلاعاتی

military occupation

اشغال نظامی

وضعیتی که در آن سرزمینی تحت واپایش مؤثر نیروهای مسلح بیگانه است

active defense principles

اصول پدافند عامل

اصول شناخته شده‌ای که براساس آن نیرویی در مقابل آفند نیروی متجاوز اقدامات و آرایش پدافندی انجام می‌دهد

passive defense principles

اصول پدافند غیرعامل

اصول شناخته شده‌ای که براساس آن برای دفاع و حفاظت در مقابل اقدامات تجاوزگرانه اقدامات پدافندی غیرعامل صورت می‌گیرد

principles of war

اصول جنگ

اصولی که کاربرد به موقع و مؤثر آنها در میدان جنگ تأثیر بسزایی در پیروزی داشته باشد

open-source intelligence

اطلاعات آشکار

اطلاعاتی حاوی ارزش اطلاعاتی بالقوه که در دسترس عموم قرار دارد

security intelligence

اطلاعات امنیتی

اطلاعات مربوط به تهدیدهای امنیتی علیه یک کشور یا حکومت آن که از داخل یا خارج جمع‌آوری می‌شود

priority intelligence

اطلاعات اولویت‌دار

اطلاعاتی که انتظار می‌رود در طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری یک فرمانده در نظر گرفته شود و اولویتی مشخص داشته باشد

basic intelligence

اطلاعات پایه

اطلاعاتی که مرجع طرح‌ریزی‌ها و مبنای پردازش اطلاعات بعدی است

imagery intelligence

اطلاعات تصویری

اطلاعات حاصل از بررسی علمی عکس‌های تهیه شده توسط حسگرهای فرسرخ و لیزر و الکترواپتیک و رادار

current intelligence

اطلاعات جاری

اطلاعاتی که حاکی از وضعیت جاری در سطح راهبردی یا راهکنشی است

critical intelligence

اطلاعات حیاتی

اطلاعاتی بسیار مهم که مستلزم توجه فوری فرمانده است

strategic intelligence

اطلاعات راهبردی

اطلاعات مورد نیاز برای تکوین راهبرد و سیاست و طرح و عملیات نظامی در سطوح ملی یا صحنه عملیات

tactical intelligence, TACINTEL

اطلاعات راهکنشی

اطلاعاتی که برای طرح‌ریزی و سازماندهی و اجرای عملیات راهکنشی لازم است

departmental intelligence

اطلاعات سازمانی

اطلاعاتی که هر اداره یا سازمان دولتی برای انجام وظایف خود به آن نیاز دارد

photographic intelligence, PHOTINT

اطلاعات عکسی

مجموعه اطلاعات حاصل از تفسیر عکس که برای بهره‌برداری اطلاعاتی طبقه‌بندی و ارزشیابی می‌شود

operational intelligence

اطلاعات عملیاتی

اطلاعات پردازش‌شده‌ای که برای طرح‌ریزی و اجرای پیکارها و عملیات عمده در جهت اهداف راهبردی در مناطق عملیاتی یا صحنه‌های عملیات مورد نیاز است

all-source intelligence

اطلاعات فراگیر

مجموعه اطلاعات امنیتی که از منابع مختلف به دست آمده است

peace enforcement

اعمال صلح

به کارگیری نیروهای نظامی یا تهدید به استفاده از آنها که معمولاً برای کسب اقتدار بین‌المللی و مجبور ساختن کشورها به تابعیت از فرمان‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل در جهت حفظ نظم و صلح جهانی صورت می‌گیرد

materiel readiness

افزار آمایی

امکان دستیابی یک سازمان نظامی به افزارگان مورد نیاز برای پشتیبانی از فعالیت‌های زمان جنگ یا شرایط پیش‌بینی نشده از قبیل امداد رسانی در زمان بحران یا در هنگام وقوع حوادثی چون سیل و زلزله و سایر موارد اضطراری

materiel

افزارگان

اقلام مورد نیاز، مانند تانک و قطعات یدکی، برای تجهیز و عملیاتی کردن و نگهداری و پشتیبانی فعالیت‌های نظامی در جهت اهداف اداری یا رزمی

electronic warfare officer, EWO

افسر جنگ الکترونیکی

افسر مسئول طرح‌ریزی و آماده‌سازی و هماهنگ کردن فعالیت‌ها و تمام امور عملیاتی مرتبط با جنگ الکترونیکی که در ستاد عملیاتی انجام وظیفه می‌کند

liaison officer

افسر رابط

افسری که وظیفه او ایجاد درک مشترک و وحدت عمل میان یگان‌های مختلف نیروهای نظامی یا نیروهای انتظامی و دیگر سازمان‌هاست

air liaison officer

افسر رابط هوایی

افسری که وظیفه او ایجاد درک مشترک و وحدت عمل میان یگان‌های مختلف هوایی است

tactical air officer, afloat

افسر هوایی راهکنشی

افسر هوایی تحت فرماندهی نیروی آب‌خاکی که برنامه‌ریزی همه مراحل مشارکت هوایی عملیات آب‌خاکی و عملیات پشتیبانی هوایی نیروها را در مسیر و در داخل منطقه هدف هماهنگ می‌کند

camouflage measures

اقدامات استتاری

اقداماتی که نیروهای خودی انجام می دهند تا با استفاده از مواد طبیعی یا مصنوعی، افراد یا مواضع راهکنشی خود را از دیدبانی دشمن حفظ کنند و بدین ترتیب باعث گمراهی و سردرگمی دشمن شوند

directed-energy protective measures

اقدامات حفاظت پرتوی

بخشی از جنگ پرتوی شامل اقداماتی از قبیل حفاظت از تجهیزات و تأسیسات و کارکنان خودی برای تضمین استفاده مؤثر نیروها از طیف الکترومغناطیسی ای که در معرض تهدید سلاح و دستگاه‌های پرتوی قرار دارد

off-the-shelf item

اقلام آماده

وسایلی که مطابق با استانداردهای تجاری ساخته شده است و برای مصارف نظامی نیاز به تغییر کاربری ندارد

critical item

اقلام حیاتی

تسلیمات یا موادی که از لحاظ نظامی اهمیت ویژه دارند، ولی موجودی آنها اندک است

total asset visibility, TAV

امکانات نمایی

ارائه اطلاعات به‌هنگام و دقیق درباره موقعیت و تحرکات و وضعیت و هویت واحدها و نفرات و تجهیزات و تدارکات نیروهای خودی

security studies

امنیت پژوهی

مبحثی در روابط بین‌الملل درباره مفهوم امنیت و موضوعات راهبردی در سیاست‌گذاری خارجی و اثر آن بر ساختارها و فرایندهای سیاست بین‌الملل

intelligence cycle security

امنیت چرخه اطلاعات

اقدامات لازم برای حفاظت از فرایند تبدیل اطلاعات خام به اطلاعات معتبر برای استفاده مصرف‌کنندگان به‌منظور پیشگیری از دسترسی و آگاهی دشمن از این فرایندها

human-in-control

انسان فرمان

ویژگی سامانه‌ای که برای شروع و توقف و خاتمه فعالیت به فرمان انسان نیاز داشته باشد

live scan

انگشت‌نگاری خودکار

ثبت الکترونیکی اثر انگشت بدون نیاز به کاغذ و جوهر

immediate kill

انهدام آنی

نابودی بی‌درنگ هدف پس از اصابت نابودگر به آن

kill enhancement device

انهدام افزا

افزاره‌ای که توانمندی تخریبی موشک رهگیر را افزایش می‌دهد

انهدام به فرمان ← سامانه انهدام به فرمان

hard kill, firm kill

انهدام سخت

تخریب فیزیکی سلاح یا سامانه با به‌کارگیری فنون ضدالکترونیک یا بمب یا موشک

no nuclear kill

انهدام غیرهسته‌ای

انهدام با تسلیحات غیرهسته‌ای

assured kill

انهدام قطعی

به کار گرفتن مجموعه راهکارهایی که آسیب به دشمن را به حداکثر می‌رساند

thermal kill¹

انهدام گرمایی

نابودی هدف از طریق ایجاد حرارت زیاد درونی، تاحدی که اجزای ساختاری هدف از کار بیفتد

**soft kill,
functional kill**

انهدام نرم

ایجاد اختلال موقت در تجهیزات و سامانه‌های هدف برای کاهش شدید کارایی آنها

site

ایستگاه

محل استقرار مجموعه‌ای از سلاح و جنگ افزار و رادار که توان عملیاتی مستقل دارد

launching site

ایستگاه پرتاب

سکوی پرتاب موشک مستقر بر روی زمین یا کشتی که از آنجا موشک به سمت هدف هدایت می‌شود و می‌تواند به صورت متحرک یا محمول هوایی باشد

hardened site

ایستگاه مقاوم

ایستگاهی که برای حفاظت آن در مقابل سلاح‌های متعارف معمولاً در زیر پوششی از سنگ یا بتن ساخته می‌شود

ب

windward, windside

بادسو

آن سمت از شیء که رو به باد است

poncho

باران‌گیر

نوعی بارانی بدون آستین و ضدآب و یکپارچه با شکافی در وسط برای عبور سر

warload

بار رزمی

سلاح‌های یک‌بارمصرف (expendable weapons) و مخازن سوخت و سامانه‌های جنگ الکترونیکی نصب‌شده در بیرون هواگرد

free drop

بارریزی آزاد

ریختن تجهیزات یا امکانات از هواگرد بدون استفاده از چتر

high velocity drop

بارریزی پرسرعت

نوعی بارریزی که در آن سرعت سقوط بیشتر از ۳۰ پا یعنی تقریباً ۹ متر در ثانیه است

low velocity drop

بارریزی کم‌سرعت

نوعی بارریزی که در آن سرعت سقوط از ۳۰ پا یعنی تقریباً ۹ متر در ثانیه تجاوز نکند

loadmaster

بارناظر

فردی در نیروی هوایی که برای حمل محموله صلاحیت برنامه‌ریزی دارد و بر بارگیری و تخلیه بار نظارت می‌کند

overhaul

بازآماد

تعمیر و آماده‌سازی هر وسیله با پیاده کردن قطعات اصلی و فرعی، شامل بازدید و قطعه‌گذاری و تراشکاری و تعمیر موتور که به سوار کردن و بستن قطعات و بازدید نهایی ختم می‌شود

checkout

بازبینی

مجموعه‌ای از آزمایش‌های منظم کارکردی و عملیاتی و واسنجی برای تعیین وضعیت سامانه سلاح یا اجزای آن

corner reflector

بازتابه چندوجهی

شیئی که به نسبت اندازه فیزیکی خود، بازتاب راداری بیش از حد انتظار دارد

barrier

بازدار

موانعی که برای تقلیل سرعت یا توقف هواگرد بر روی باند پرواز یا ناو هوایمابر ایجاد شود

information denial

بازداری اطلاعاتی

جلوگیری از دسترسی سامانه اطلاعاتی دشمن به اطلاعات مؤثر از طریق القای اطلاعات غلط به سامانه‌های پردازش اطلاعات وی

aircraft arrestment

بازداری هوایما

توقف واپایش شده هوایما با ابزارهای بیرونی

politico-military gaming

بازی‌سازی سیاسی - نظامی

شبیه‌سازی یک موقعیت با به‌کارگیری عوامل سیاسی و نظامی و اجتماعی و روان‌شناختی و اقتصادی و علمی

aircraft arresting cable

بافهٔ بازدار هواپیما

بافه/ کابلی مخصوص که برای کاهش سرعت هواپیما در هنگام نشستن در عرض باند، در مسیر فرود هواپیما، نصب می‌شود

مت. کابل بازدار هواپیما

heliborne

بال‌برد

جابه‌جایی نیرو به‌وسیلهٔ بالگرد

helicopter

بالگرد

وسیله‌ای پرنده با یک یا دو پرهٔ بزرگ چرخنده که می‌تواند به‌طور عمودی به هوا بلند شود و به حالت ایستاده در هوا بماند

airstrip

باند اضطراری

بانندی با تجهیزات ابتدایی و گاه امکانات سوخت‌گیری، معمولاً در مناطق دورافتاده

air mobility division, AMD

بخش تحرک هوایی

بخشی در مرکز عملیات هوایی که مسئولیت طرح‌ریزی و هماهنگی و واگذاری مأموریت به یگان‌ها و مدیریت مأموریت تحرک هوایی را بر عهده دارد

strategic estimate

برآورد راهبردی

ارزیابی عواملی در سطح وسیع که بر تعیین مأموریت‌ها و اهداف و راهکارهای راهبردی تأثیر می‌گذارد

logistic estimate of the situation

برآورد وضعیت آمادی

ارزیابی منظم عوامل آمادی

space parity

برابری فضایی

وضعیتی که در آن هیچ‌یک از نیروهای متخاصم در واپایش عرصه فضا به دیگری برتری ندارد

battle dress

برپوش

لباس نظامی کوتاه که بالاتنه را می‌پوشاند و در کمر جمع می‌شود

information superiority

برتری اطلاعاتی

برتری در حوزه اطلاعات که اجرای عملیات را بدون تعارض مؤثر دشمن ممکن می‌سازد

air superiority

برتری هوایی

برتری در رزم هوایی به نحوی که نیروی متخاصم نتواند خللی جدی در روند عملیات هوایی و عملیات دیگر نیروهای همسو ایجاد کند

range¹

بُرد

۱. فاصله افقی بین سلاح و هدف ۲. مسافتی تقریبی که در آن فرستنده رادیو کارایی داشته باشد ۳. اندازه یا مسافتی که محل عملیات یا منطقه چیزی را محدود کند ۴. مسافتی که خودرو بتواند با بیشترین بار خود با استفاده از سوختی که در مخزن دارد طی کند

burnthrough range

بُرد اختلال‌گذری

فاصله‌ای که در آن یک رادار می‌تواند هدف‌ها را از طریق تداخل بیرونی شناسایی کند

stand-off range

بُرد دورایست

فاصله‌ای خارج از بُرد درگیری سامانه راداری و موشکی دشمن که از آنجا به اختلال یا پرتاب موشک اقدام می‌شود

range

بُرد عملیاتی

فاصله‌ای که یک وسیلهٔ زمینی، همراه با محموله، با استفاده از سوخت مخزن یا مخازن خود می‌تواند برود و بازگردد

clutter

برفک

آنچه در نتیجهٔ بازتاب امواج از اجسامی غیر از هدف بر روی صفحهٔ رادار ظاهر شود

fingerprint card

برگ انگشت‌نگاری

برگی مقوایی برای ثبت و نگهداری آثار انگشتان دو دست

movement schedule

برنامهٔ جابه‌جایی

برنامه‌ای که برای پایش یا ردگیری محموله یا کارکنان یا ملزومات جابه‌جایی تنظیم می‌شود

guarded frequencies

بسامدهای حفاظت‌شده

بسامدهای مورد استفادهٔ سامانه‌های دشمن که نیروهای خودی از آنها بهره‌برداری اطلاعاتی می‌کنند

taboo frequencies

بسامدهای ممنوع

بسامدهای مورد استفادهٔ گروهی از نیروهای خودی که، به دلیل اهمیت آن، سایر نیروهای خودی باید از تداخل در آن پرهیز کنند

breechblock

بستار

وسیله‌ای برای مسدود کردن عقب لولهٔ توپ یا هویتر بعد از خرج‌گذاری

bomb

بمب

جنگ‌افزاری حاوی یک مادهٔ منفجرهٔ شیمیایی یا میکربی یا هسته‌ای که معمولاً با هواگرد پرتاب می‌شود

بمبافکن دوربرد

fire bomb

بمب آتش‌زا

بمبی پرشده با مخلوطی از بنزین ژلاتینی شده و مجهز به یک چاشنی

pattern bombing

بمباران الگومند

فروریختن یکنواخت بمب براساس الگویی خاص به منظور حمله نظام‌مند به منطقه هدف

**loft bombing,
toss bombing**

بمباران کمانی

نوعی بمباران که در آن هواپیمای حامل بمب در ارتفاع پایین به هدف نزدیک می‌شود و در هنگام بالا رفتن، بمب‌های خود را در نقطه‌ای از پیش تعیین شده بر روی هدف می‌ریزد

carpet bombing

بمباران منطقه‌ای

فروریختن پی‌درپی تعداد زیادی بمب در یک منطقه با محدوده مشخص به طوری که به تمام قسمت‌ها صدمه وارد شود

notice bomb

بمب اعلامیه‌ای

بمبی حاوی اوراق تبلیغاتی که از هواگرد پرتاب می‌شود

**intermediate-range bomber
aircraft**

بمبافکن بینابرد

هواپیمای بمبافکنی که مجموع وزن ناخالص و محموله بمب آن برای شعاع عملیاتی ۱۸۵۰ تا ۳۷۰۰ کیلومتر طراحی شده است

long-range bomber aircraft

بمبافکن دوربرد

هواپیمای بمبافکنی که مجموع وزن ناخالص و محموله بمب آن برای شعاع عملیاتی بیش از ۴۴۳۰ کیلومتر طراحی شده است

electromagnetic bomb

بمب الکترومغناطیسی

بمبی که تأثیرات مخربی بر فرستنده‌ها و گیرنده‌های با بسامد پایین دارد

scatter bomb

بمب پاشان

بمبی با ظرفی سبک که با مادهٔ آتش‌زا و یک خرج متلاشی‌کننده پر می‌شود و هنگامی که با چیزی برخورد می‌کند منفجر می‌شود؛ انفجار خرج تلاش ظرف بمب را منفجر و مواد آتش‌زا را در منطقه‌ای وسیع پراکنده می‌کند

delayed action bomb

بمب تأخیری

بمبی مجهز به ماسورهٔ تنظیم‌شده که خرج را در زمانی معین و بعد از تماس با هدف منفجر می‌کند

para bomb

بمب چتردار

بمبی با تجهیزات ویژه و چتری که پس از پرتاب از هواگرد به‌طور خودکار باز می‌شود

cluster bomb

بمب خوشه‌ای

بمبی شامل تعداد زیادی بمب‌های کوچک که در هنگام فرود در منطقهٔ وسیعی پراکنده می‌شوند و دارای زمان انفجار متغیر هستند

photoflash bomb

بمب درخشی

مواد آتش‌زایی که از هواگرد پرتاب می‌شود و با ایجاد نور زیاد امکان عکس‌برداری در شب را فراهم می‌سازد

improvised explosive device, hand-made bomb, IED

بمب دست‌ساز

افزاره‌ای انفجاری که خارج از مراکز اسلحه‌سازی با استفاده از مواد شیمیایی زیان‌بار یا مرگ‌بار یا آتش‌زا ساخته می‌شود

high power microwave Bomb, HPM bomb

بمب ریزموج پُرتوان

بمبی که باعث اختلال کامل امواج مخابراتی و رادیویی، اعم از کوتاه یا بلند، می‌شود

depth bomb

بمب زیرآبی

بمبی با ماسوره‌های هیدرواستاتیکی (hydrostatic) که با فشار آب در عمق عمل می‌کند و علیه هدف‌های زیرآبی به کار می‌رود

time bomb

بمب ساعتی

بمبی که بر اثر اتصال به یک مدار الکتریکی، با ایجاد جرقه از طریق چاشنی، مواد منفجره داخل آن در زمانی معین منفجر می‌شود

chemical bomb

بمب شیمیایی

بمبی حاوی یک عامل شیمیایی مانند گاز جنگی یا پرده دود یا ماده آتش‌زا

thermobaric bomb

بمب گرمافشاری

نوعی بمب که ابتدا به کمک یک خرج کوچک، ابری از غبار انفجاری ایجاد می‌کند و سپس آن را با خرج دوم محترق می‌سازد

bomb rack

بمب‌گیره

وسیله‌ای مکانیکی که در مقر بمب به هواگرد وصل می‌شود تا خلبان به وسیله آن، بمب را پرتاب کند

napalm bomb

بمب ناپالم

بمبی محتوی نوعی ترکیب مایع، ترجیحاً بنزین با اکتان ۸۰ و یکی از پودرهای ام ۱ یا ام ۲ یا ام ۹، که پس از پرتاب و برخورد به هدف، ماده ژلاتینی تولید می‌کند و با شعله و حرارت زیاد می‌سوزد

neutron bomb

بمب نوترونی

بمبی که بر اثر انفجار سریع، مقادیر زیادی نوترون و مقدار کمی ذرات آلفا و اشعه گاما از آن رها می‌شود

hydrogen bomb

بمب هیدروژنی

بمبی که از یک بمب اتمی و مجموعه‌ای از عناصر سبک تشکیل شده است و در آن از شکافت عناصر سبک به عنوان منبع انرژی استفاده می‌شود

run aground

به گل نشستن

برخورد کردن کشتی به کف دریا یا صخره به نحوی که به طور دائم یا موقت از حرکت بازماند

aground

به گل نشسته

ویژگی کشتی‌ای که به گل نشسته است

aircraft modification

بهینه‌سازی هواگرد

تغییر در مشخصات فیزیکی یک هواگرد از طریق ایجاد تغییر در مشخصات تولید آن یا تغییر اقلام تولیدشده قبلی

پ

پادکال ← پادکنش الکترونیکی

پادکال انهدام سخت ← پادکنش الکترونیکی انهدام سخت

پادکال تابشی ← پادکنش الکترونیکی تابشی

پادکال عامل ← پادکنش الکترونیکی عامل

پادکال غیرعامل ← پادکنش الکترونیکی غیرعامل

پادکال مخرب ← پادکنش الکترونیکی مخرب

پادگش اُپتیکی ← پادکنش شکنی اُپتیکی

countermeasures

پادکنش

شاخه‌ای از فنون نظامی که در آن با به‌کارگیری از تجهیزات و فنون خاص، کارایی عملیاتی فعالیت‌های دشمن را کاهش می‌دهند

optical countermeasures, OCM

پادکنش اُپتیکی

بخشی از جنگ اطلاعات، شامل به‌کارگیری حسگرهای لیزری و تجهیزات فرسرخ و تجهیزات تلویزیونی و حسگرهای فرابنفش و طیف‌سنج و تجهیزات فراطیفی (hyperspectral) و چندطیفی (multispectral) و فریبگرها

communication countermeasures

پادکنش ارتباطی

هر اقدام سطح بالا از نظر فنی و اهداف و نتایج نظیر رهگیری و جست‌وجو که برای شناسایی و مکان‌یابی سامانه و تجهیزات ارتباطی دشمن و ایجاد اختلال و سردرگمی در آن یا کژاطلاع‌رسانی به آن طراحی شده باشد

electronic countermeasures, ECM

پادکنش الکترونیکی

بخشی از جنگ الکترونیکی، شامل اقداماتی برای کاهش استفاده مؤثر دشمن از طیف الکترومغناطیسی یا جلوگیری از آن

اخته. پادکال

مت. حمله الکترونیکی

electronic attack, EA

پادکنش الکترونیکی مخرب

hard-kill electronic countermeasures

پادکنش الکترونیکی انهدام‌سخت

نوعی پادکنش الکترونیکی که در آن از سلاح‌های انهدام‌سخت برای انهدام هدف استفاده می‌کنند

اختص. پادکال انهدام‌سخت

radiated electronic countermeasures

پادکنش الکترونیکی تابشی

نوعی پادکنش در جنگ اطلاعات شامل تابش یا بازتابش انرژی الکترومغناطیسی در طیف بسامد رادیویی برای جلوگیری یا کاهش استفاده مؤثر دشمن از طیف الکترومغناطیسی یا آسیب‌رسانی مؤثر به حسگرها یا سامانه او

اختص. پادکال تابشی

active electronic countermeasures

پادکنش الکترونیکی عامل

به‌کارگیری اختلال الکترونیکی عامل (active electronic jamming) برای جلوگیری از استفاده دشمن از طیف الکترومغناطیسی یا کاهش میزان آن

اختص. پادکال عامل

passive electronic countermeasures

پادکنش الکترونیکی غیرعامل

آن بخش از پادکنش الکترونیکی که با دریافت یا فرست نشانه ارتباط دارد

اختص. پادکال غیرعامل

lethal electronic countermeasures

پادکنش الکترونیکی مخرب

نوعی پادکنش الکترونیکی که در آن از سامانه‌های انهدام‌سخت مانند موشک‌های ضدرادار و سلاح‌های پرتوی استفاده می‌کنند

اختص. پادکال مخرب

پادکنش پدافند موشک پرتابشی مهمات فرعی

پادکنش پدافند موشک پرتابشی مهمات فرعی

**submunition ballistic missile
defence countermeasure,
submunition BMD
countermeasures**

نوعی پادکنش شامل فنون غلبه بر پدافند موشکی پرتابشی از طریق کلاهک چندگانه‌ای که موشک در انتهای مسیر پرواز پراکنده می‌کند
/خت. پداموپ مهمات فرعی

پادکنش پوشش پدافند موشک پرتابشی

**shrouding ballistic
missile countermeasures,
shrouding BMD
countermeasures**

نوعی پادکنش شامل فنون شناساگریزی در ارتفاع بالا برای کاهش سطح مقطع راداری کلاهک بازورود (re-entry) موشک یا برای پنهان‌سازی کلاهک در ابری از خاشه

**optical-counter
countermeasures**

پادکنش شکنی اُپتیکی

بخشی از جنگ اطلاعات شامل اقداماتی برای مقابله با پادکنش اُپتیکی / نوری دشمن
مت. پادگش اُپتیکی
optical CCM

**electronic counter-
countermeasures**

پادکنش شکنی الکترونیکی

بخشی از جنگ الکترونیکی شامل اقداماتی برای تضمین استفاده مؤثر نیروهای خودی از طیف الکترومغناطیسی در زمانی که دشمن به جنگ الکترونیکی اقدام کرده است

ECCM

/خت. پادگشال

infrared countermeasures, IRCM

پادکنش فروسرخ

اقداماتی که برای مقابله با حسگرها و سلاح‌های فروسرخ انجام شود

pre-emptive infrared countermeasures, pre-emptive IRCM

پادکنش فروسرخ پیش‌گیرانه

نوعی پادکنش فروسرخ در هواگردها که در آن اختلال‌گرهای فروسرخ فعال می‌شوند و در جایی که احتمال مواجهه با موشک فروسرخ وجود داشته باشد منور فریب‌دهنده نیز پرتاب می‌شود

directional infrared countermeasures, DIRCM

پادکنش فروسرخ سمتی

نوعی پادکنش که در آن از اختلال فروسرخ سمتی پر قدرت استفاده می‌کنند

reactive infrared countermeasures

پادکنش فروسرخ واکنشی

نوعی پادکنش فروسرخ که در آن اختلال‌گرهای فروسرخ فعال می‌شوند و در هنگام نزدیک شدن موشک فروسرخ، منور فریب‌دهنده پرتاب می‌شود

coherent directed infrared countermeasures, CDIRCM

پادکنش فروسرخ هدایتی همدوس

نوعی پادکنش فروسرخ سمتی که در آن نور تابیده شده رنگ یا طول موج یکسان دارد و همه فوتون‌ها همدوسی فازی دارند

surgical countermeasures

پادکنش گزینشی

فرایند حلقه‌بسته عملیات الکترومغناطیسی علیه سامانه الکترونیکی دشمن از طریق سامانه متحرک دورفرمان جنگ الکترونیکی

**trajectory ballistic
missile defence**

پادکنش مسیر پدافند موشک پرتابشی

**countermeasures,
trajectory BMD
countermeasures**

نوعی پادکنش که در آن پرتاب موشک با بُرد بیشینه انجام نمی‌شود تا امکان کاهش یا افزایش مسیر حرکت وجود داشته باشد

**navigation
countermeasures, NAVCM**

پادکنش ناوبری

نوعی پادکنش برای آشکارسازی و ارزیابی اقدامات کمک‌ناوبری الکترونیکی دشمن و نیز به کارگیری اختلال و فریب برای تداخل در اقدامات مشابه دشمن

**endgame countermeasures,
EGCM**

پادکنش وضعیت نهایی

نوعی پادکنش برای آشکارسازی موشک‌های فرسرخ پرتابی در هواگرد میزبان و به کارگیری خودکار منور برای منحرف ساختن آنها

**computer virus
countermeasures, CVCM**

پادکنش ویروس رایانه‌ای

یکی از فنون جنگ الکترونیکی که در آن ویروس رایانه‌ای را وارد سامانه الکترونیکی دشمن می‌کنند

interior guard

پاسدار داخلی

نگهبانی که در یک محدوده نظامی برای حفظ نظم و اجرای مقررات پلیس و نگهداری اموال کارکنان یگان فعالیت می‌کند

command post

پاسگاه فرماندهی

قرارگاهی که در آن، فرمانده و ستاد، هدایت یگان را بر عهده دارند

movement control post

پاسگاه واپایش جابه‌جایی

پاسگاهی که به اقتضای نیازهای عملیاتی، فرمانده آن هدایت و نظارت بر جابه‌جایی را بر عهده دارد

frigate

پاس ناو

نوعی کشتی جنگی که می‌تواند به‌طور مستقل یا همراه با نیروهای آب‌خاکی و ضربتی و ضدزیرسطحی علیه تهدیدات سطحی یا زیرسطحی و هوایی عمل کند و سلاح‌های آن شامل توپ‌های سه و پنج‌اینچی دومتوره و سلاح پیشرفته ضدزیردریایی است

watchman style

پاسیاری

روشی درخور توجه در امور انتظامی که مشخصه آن دغدغه برقراری نظم در جامعه است و این دغدغه به نیروی انتظامی مشروعیت می‌دهد تا برای حفظ آرامش جامعه به‌طور غیررسمی در زندگی روزمره مردم دخالت کند

mopping up

پاک‌سازی

در هم شکستن آخرین مقاومت‌های دشمن در منطقه‌ای که محاصره یا جدا شده است یا دیگر یگان‌ها بدون از میان برداشتن همه مقاومت‌های فعال دشمن از آن عبور کرده‌اند

sustainability

پایایی

یکی از مؤلفه‌های توانمندی نظامی که مرتبط با قابلیت حفظ سطح مورد نیاز فعالیت‌های عملیاتی و تداوم آنها تا دستیابی به اهداف نظامی است

base

پایگاه

۱. محل طراحی یا پشتیبانی عملیات نظامی ۲. منطقه یا محلی با تأسیسات خاص برای آماد و پشتیبانی

marine base

پایگاه تفنگداران دریایی

پایگاهی برای پشتیبانی از نبردهای زمینی تفنگداران دریایی که دارای تسهیلاتی است که امکان عملیات و نبرد تفنگداران دریایی را فراهم می‌سازد

advanced base

پایگاه ردهٔ جلو

پایگاهی در نزدیکی یا داخل منطقهٔ عملیاتی که مأموریت اصلی آن پشتیبانی از عملیات‌های نظامی است

base of operations

پایگاه عملیاتی

پایگاهی که در ناحیهٔ مواصلاتی منطقهٔ عملیات قرار دارد و نیروهای نظامی عملیات آفندی خود را از آنجا شروع می‌کنند

advanced operations base

پایگاه عملیاتی ردهٔ جلو

در عملیات‌های ویژه، پایگاهی کوچک و موقتی در منطقهٔ عملیات ویژهٔ مشترک برای فرماندهی و مراقبت و احیاناً پشتیبانی آموزش یا پشتیبانی عملیات راهکنشی

hard missile base

پایگاه موشکی مقاوم

پایگاهی موشکی که در مقابل انفجار هسته‌ای مقاوم است

naval base

پایگاه نیروی دریایی

پایگاهی دریایی که آماد و پشتیبانی امور و عملیات یگان‌های شناور را بر عهده دارد

Army base

پایگاه نیروی زمینی

پایگاه یا مجموعه‌ای از تأسیسات که یک فرمانده مسئولیت آن را بر عهده دارد و شامل تسهیلات لازم برای پشتیبانی از فعالیت‌های نبرد زمینی است

test stand

پایهٔ آزمایش

وسيله‌ای برای آزمایش و راه‌اندازی موتور شامل تجهیزات روشن کردن موتور و اتصال آن به یک جایگاه دارای تجهیزات واپایی و پایشگری

radiological defense

پدافند پرتوی

پدافندی در برابر خطرات مربوط به تابش ناشی از جنگ‌افزارهای هسته‌ای یا پرتوی

perimeter defense

پدافند پیرامونی

پدافندی بدون جناح مشخص، شامل نیروهایی که پیرامون یک منطقه دفاعی گسترش یافته‌اند

biological defense

پدافند زیستی

مقابله با حملات احتمالی دشمن با استفاده از عوامل زیستی

active defense

پدافند عامل

عملیات آفندی و عملیات محدود و پاتک برای جلوگیری از حملات دشمن

passive defense

پدافند غیرعامل

اقداماتی منفعلانه برای کاهش خسارت یا ممانعت از خسارت ناشی از عملکرد خصمانه دشمن

space defense

پدافند فضایی

پدافندی طراحی شده برای از میان برداشتن یا خنثی کردن یا کاهش اثربخشی تجهیزات فضایی دشمن، از جمله موشک‌ها در فضا

mobile defense

پدافند متحرک

پدافندی که در آن به نیروی دشمن اجازه داده می‌شود پیشروی کند و وارد منطقه‌ای شود که امکان انجام پاتک و به‌کارگیری نیروهای ضربت متحرک در آن وجود داشته باشد

area defense

پدافند منطقه‌ای

پدافندی برای حفظ منطقه‌ای خاص که در آن نیروهای دشمن به محدوده‌ای که امکان تحرک را از آنها می‌گیرد کشانده می‌شوند و سپس با هجوم از طرفین به‌کلی منهدم می‌شوند

point defense

پدافند نقطه‌ای

دفاع و حفاظت از تأسیسات و عناصر حیاتی ویژه، مانند تأسیسات فرماندهی و واپایش و پایگاه‌های هوایی

aerospace defense

پدافند هوافضا

اقدامات پدافندی برای انهدام یا خنثی‌سازی هواگردها و موشک‌های مهاجم و نیز جلوگیری از فعالیت‌های فضایی دشمن

پداموپ مهمات فرعی ← پادکنش پدافند موشک پرتابشی مهمات فرعی

ejection

پرانش

پرتاب خلبان به بیرون از هواپیما با استفاده از صندلی‌پران

paradrop

پرتاب با چتر

رهاسازی نفرات یا محموله از هواگرد در حال پرواز به کمک چتر نجات

launcher

پرتابگر

وسیله پرتاب موشک

cooperative engagement processor, CEP

پردازشگر درگیری اشتراکی

بخشی از سامانه درگیری اشتراکی که اطلاعات خام را از حسگرها و سامانه‌های سلاح دریاپایه (shipboard) جمع‌آوری و آنها را در قالب‌بندی جدید به سامانه توزیع داده ارسال می‌کند

screen

پرده

هنوع ماده طبیعی یا مصنوعی که برای حسگرهای مراقبتی دشمن ایجاد تیرگی کند و بین این حسگرها و تجهیزات مورد نظر قرار گیرد

frequency hopping

پرش بسامد

تغییر مداوم و سریع و نامنظم بسامد فرستنده ارتباطی برای جلوگیری از رهگیری یا ایجاد اختلال توسط سامانه‌های شنود یا اختلالگر دشمن

**unmanned aerial vehicle,
unattended aerial vehicle**

پرنده هدایت‌پذیر از دور

هواگرد موتوردار بدون سرنشین یک‌بارمصرف یا قابل‌بازیافت که با نیروهای اُتروودینامیکی به‌صورت خودکار یا دورفرمان به پرواز درمی‌آید و برای حمل محموله‌های متعارف یا مرگبار به کار می‌رود

UAV

اخت. - پهپاد

radar echo

پژواک راداری

انرژی الکترومغناطیسی دریافت‌شده پس از بازتاب آن از یک شیء

laser retrofire

پس‌تابش لیزری

ارسال یا تابش باریکه لیزر به سمت نشانک دریافتی تهدید

common-flow afterburner

پس‌سوز هم‌جریان

توربین پروانه‌ای الحاقی‌ای که در آن جریان‌های دمنده و هسته با جریان بالادستی پس‌سوز ترکیب می‌شوند

support

پشتیبانی

حمایت یک نیرو از نیرویی دیگر براساس خط‌مشی دریافتی

logistic support

پشتیبانی آمادی

انتقال بیماران به بیمارستان و تهیه دارو و امکانات و ادوات درمانی و انجام مراقبت‌های پزشکی

**electronic support
measures, ESM**

پشتیبانی جنگ الکترونیکی

بخشی از جنگ الکترونیکی برای جست‌وجو و شناسایی و تعیین موقعیت منابع منتشرکننده انرژی الکترومغناطیسی، به‌منظور شناسایی تهدیدات آتی و طرح‌ریزی و هدایت عملیات

general support

پشتیبانی عمومی

پشتیبانی از کلیت یک نیرو و نه بخشی از آن

mutual support

پشتیبانی متقابل

پشتیبانی نیروها از یکدیگر در برابر دشمن

direct support

پشتیبانی مستقیم

مأموریتی که در جریان آن یک نیرو می‌تواند مستقیماً به درخواست پشتیبانی نیروی دیگر پاسخ دهد

close support

پشتیبانی نزدیک

پشتیبانی از نیروهای خودی علیه اهداف دشمنی که چنان در مجاورت نیروهای خودی قرار دارد که هرگونه اقدامی نیاز به دریافت اطلاعات دقیق و جزئی دارد

gangway

پل تردد

تخته یا سازه‌ای فلزی یا چوبی که به‌صورت پلی بین عرشه کشتی و اسکله یا بین دو کشتی قرار می‌گیرد و از طریق آن تردد کارکنان کشتی میسر می‌شود

accommodation ladder

پلکان ورودی

سازه‌ای فلزی یا چوبی یا ترکیبی از هر دو که در طرفین بدنه کشتی نصب می‌شود و پس از باز شدن برای رفت‌وآمد به داخل کشتی از آن استفاده می‌شود

bleachers

پلکانی

سکوه‌های بدون سقف و قابل‌حملی که برای آموزش عملی نظامی در محیط باز به کار رود

Interpol

پلیس بین‌الملل

اتحادیه همکاری بین‌المللی که براساس تشریک مساعی و همکاری متقابل دولت‌ها برای مبارزه با جرایم و مجرمین بین‌المللی و برقراری نظم و امنیت عمومی کشورها و استقرار عدالت تأسیس شده است و کشورهای عضو آن اطلاعات خود را در مورد جرایم، بدون درگیر شدن با موضوعات سیاسی و تشریفات اداری، مبادله و به یکدیگر کمک می‌کنند

bunker buster

پناه‌کوب

نوعی بمب که با نفوذ در اعماق زمین هدف‌های مستحکم را نابود می‌کند

shelter

پناهگاه

محل سرپوشیده و امن برای استقرار انواع هواگرد و ادوات و تجهیزات و نفرات که در برابر گلوله و بمب مقاوم باشد

obscurant

پنهان‌ساز

آنچه شناسایی یا مراقبت یا هدف‌یابی یا هدایت سلاح را برای دشمن غیرممکن یا دشوار می‌سازد

compressor case

پوسته فشرده‌ساز

بدنه خارجی بخش فشرده‌ساز در موتورهای توربین گازی

cover

پوشش

مجموعه اقداماتی که برای حفاظت از کارکنان و طرح‌ها و عملیات و تأسیسات در مقابل فعالیت‌های اطلاعاتی دشمن و نیز در برابر نشت اطلاعات لازم است

پهپاد ← پرنده هدایت‌پذیرازدور

logistic implication test

پیامدسنجی آمادی

تجزیه و تحلیل ابعاد عمده آمادی طرح راهبردی جنگ و در نظر گرفتن پیامدها از منظر راهبردی

پیچشی ← اثر انگشت پیچشی

**early warning,
tactical warning**

پیش‌اخطار

اعلام خطر رادار زمینی یا رادار پرنده و ایستگاه‌های شنود مبنی بر احتمال حمله هوایی یا موشکی دشمن از فاصله دور

**airborne early warning and
control**

پیش‌اخطار و نظارت هوایی

کشف واحدهای هوایی و زمینی و دریایی دشمن با رادار یا تجهیزات که در هواپیما مستقر است و هشدار دادن به واحدهای خودی

crime prevention

پیشگیری جرم

پیش‌بینی و تشخیص و ارزیابی خطر وقوع جرم و اقدام برای از بین بردن یا کاهش آن

intelligence annex

پیوست اطلاعاتی

سند پشتیبانی اطلاعاتی از یک طرح یا دستور عملیاتی که در مورد وضعیت دشمن اطلاعات کاملی به دست می‌دهد و وظیفه افراد و روش‌های اجرایی را تعیین می‌کند

ت

endurance

تاب‌آوری

مدت‌زمانی که یک هواگرد یا خودرو زمینی یا شناور می‌تواند در وضعیت خاص، برای مثال بدون سوخت‌گیری مجدد، به عملیات خود ادامه دهد

laser illuminator

تابشگر لیزری

تابشگری که با اشعه لیزر امواج الکترومغناطیسی بر روی هدف می‌تاباند

تاچ ← توانمندی انهدام چندگانه

darken ship

تاریک‌سازی ناو

تاریک ساختن ناو به طوری که هیچ نوری از آن به خارج نتابد

تأمین ← تدارک

tank

تانک

خودرو زنجیردار زرهی مسلح به توپ و تیربار

تبلیغات خاکستری

grey propaganda

تبلیغات خاکستری

تبلیغاتی که منبع مشخصی ندارد

white propaganda

تبلیغات سفید

تبلیغاتی که از سوی منبعی مشخص و معتبر منتشر می‌شود و همان منبع مسئولیت آن را می‌پذیرد

black propaganda

تبلیغات سیاه

تبلیغاتی که از منبعی غیر از منبع واقعی صادر می‌شود

mobility analysis

تجزیه و تحلیل تحرک

آزمایش همه‌جانبه‌ی طرح ترابری با هدف پشتیبانی از طرح عملیاتی و تنظیم هرچه دقیق‌تر دستور عملیاتی

personal protection equipment

تجهیزات حفاظت انفرادی

لباس و تجهیزاتی ویژه برای حفاظت در برابر آسیب‌های فیزیکی و عفونی احتمالی در صحنه‌های بسیار خطرزای جُرم

bugged

تحت شنود

محیطی که در آن شنودافزار نصب شده باشد

mobility

تحرک

قابلیتی در نیروهای نظامی که به آنان امکان می‌دهد که ضمن حفظ توانایی انجام مأموریت اصلی بتوانند از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند

strategic mobility

تحرک راهبردی

توانمندی جابه‌جایی و به‌کارگیری نیروهای نظامی در خارج از مرزها برای پشتیبانی از راهبرد ملی

تدارکات

moving target indicator, MTI

تحرک‌نما

راداری که فقط هدف‌های متحرک را آشکار می‌کند

air mobility

تحرک هوایی

جابه‌جایی سریع نفرات، تجهیزات و نیروها به سمت، بیرون و داخل منطقه عملیاتی از طریق هوایی

information destruction

تخریب اطلاعات

بخشی از تهدید جنگ اطلاعات، شامل از دست دادن داده‌ها یا عدم دسترسی به آنها بر اثر تک خصمانه

vandal

تخریب‌گر

شخصی که به عمد و شریانه به اموال عمومی یا خصوصی آسیب وارد می‌کند

vandalism

تخریب‌گری

تخریب خودسرانه یا بداندیشانه اموال عمومی یا خصوصی

target allocation

تخصیص هدف

فرایند تعیین هدف یا قلمرو هوایی خاص برای موشک رهگیر یا آتشبار زمین به هوا

supply

تدارک

تهیه و انبار کردن و نگهداری و توزیع اقلام ضروری و همچنین نحوه و مدت نگهداری آنها که براساس نوع و تعداد تعیین می‌شود

مت. . تأمین

supplies

تدارکات

در آمد، همه مواد و اقلامی که در تجهیز و پشتیبانی و نگهداری نیروهای نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد

landing force supplies

تدارکات نیروی پیاده‌شونده

بخشی از لوازم تدارکاتی که پس از پیاده کردن تدارکات رزمی اولیه در کشتی باقی می‌ماند

tactical concept

تدبیر راهکنشی

شرح وضعیتی اجمالی که مبنای پذیرفته‌ای است برای بسط و تکمیل رهنامه راهکنشی در آینده

**concept of operations,
CONOPS,
commander's concept,
operations**

تدبیر عملیات

طرح و تصور فرمانده از یک یا مجموعه‌ای از عملیات

information transport

ترابری اطلاعات

بخشی از فعالیت‌های جنگ اطلاعات، شامل انتقال داده‌ها از نقاط جمع‌آوری به نقاط ذخیره‌سازی یا نقاط استفاده از اطلاعات

weight and balance sheet

ترازبرگه

برگه‌ای که چگونگی توزیع وزن محمولات بارگیری شده هواپیما در آن ثبت می‌شود و نشان‌دهنده گرانگاه هواپیما در هنگام فرود و پرواز است

armistice

ترک مخاصمه

معاهده‌ای که براساس آن مخاصمه به‌طور موقت خاتمه داده می‌شود، ولی حالت جنگ باقی می‌ماند

supplementary facilities

تسهیلات تکمیلی

تسهیلات مورد نیاز در یک موقعیت خاص برای فراهم کردن کمینۀ پشتیبانی از نیروهای تقویتی، علاوه بر تسهیلات پشتیبانی مورد نیاز در محل یگان

تشخیص عیب ← عیب‌کاوی

تعویض در محل

**intelligence services
intelligence agencies,
secret intelligence agencies**

تشکیلات امنیتی

تشکیلاتی متشکل از چند سازمان دولتی که مسئول جمع‌آوری اطلاعات مربوط به تهدیدهای امنیتی از داخل و خارج و تحلیل آنها و نیز اقدام برای تأمین امنیت کشور هستند

تصرف قدرتمندانه ← تصرف قهرآمیز

forcible entry

تصرف قهرآمیز

تسخیر و حفظ مواضع نظامی در برخورد با نیروی متخاصم مسلح
مت. تصرف قدرتمندانه

demonstration

تظاهر به تک

تک یا نمایش نیرو با هدف فریب دشمن در منطقه‌ای غیر از منطقه عملیاتی

amphibious demonstration

تظاهر به تک آب‌خاکی

نوعی عملیات آب‌خاکی همراه با نمایش نیرو که به منظور فریب دشمن انجام می‌شود و انتظار می‌رود دشمن طوری گمراه شود و به بیراهه رود که دست به راهکاری زند که به زیان او تمام شود

pursuit

تعقیب

آفندی که برای دنبال کردن دشمن یا قطع تماس نیروی در حال فرار او طراحی شده و هدف از انجام آن، انهدام نیروی دشمن است

relief in place

تعویض در محل

عملیاتی که در آن با دستور و هدایت فرمانده بالاتر تمام یا بخشی از یک یگان با یگان دیگری در منطقه تعویض می‌شود

تعیین هدف

targeting

تعیین هدف

انتخاب اهداف و انجام اقدامات مناسب با در نظر گرفتن نیازمندی‌ها و توانمندی‌های عملیاتی

aircraft replenishment

تغذیه هواگرد

رساندن مواد مورد نیاز هواگرد، مانند سوخت و روغن و گازهای فشرده، به حد و مقدار و وزن معین

frequency deconfliction

تفکیک بسامد

روالی در مدیریت سامانمند که در آن کاربرد طیف الکترومغناطیسی برای کارکردهای عملیاتی و ارتباطی و اطلاعاتی هماهنگ می‌شود

target discrimination

تفکیک هدف

شناسایی و تشخیص اهمیت اهداف با استفاده از برخی سامانه‌های مراقبتی یا هدایتی

space force enhancement

تقویت نیروی فضایی

عملیات پشتیبانی رزمی برای بهبود کارایی نیروهای نظامی و نیز پشتیبانی از سایر نیروهای اطلاعاتی و افراد غیرنظامی و کاربران تجاری

attack

تک

هرنوع عملیات آفندی قاطعانه و سریع که در آن از آتش و حرکت برای تصرف هدفی معین استفاده می‌شود

information attack

تک اطلاعاتی

هرنوع فعالیت برای دستکاری یا تخریب سامانه‌های اطلاعاتی دشمن، بدون ایجاد تغییر مشهود در موجودیت فیزیکی آنها

commando

تکاور

سرباز یا افسر یا درجه‌داری که پس از پذیرفته شدن در آزمایش ورودی، آموزش خاصی را مطابق با برنامه تفصیلی با موفقیت بگذرانند؛ این دوره آموزشی شامل نقشه‌خوانی، کار با قطب‌نما، اطلاعات رزمی، ارتباط و

تله انفجاری

مخابرات، زنده ماندن در شرایط سخت، گریز و فرار، جنگ و تخریب مین و عملیات در جنگل و کوهستان و دریاست

spoiling attack **تک ایدایی**

نوعی عملیات راهکنشی برای آسیب رساندن جدی به دشمنی که برای تک آماده می‌شود

pre-emptive attack **تک پیش‌دستانه**

حمله به دشمن براساس شواهد مسلم مبنی بر حمله قریب‌الوقوع نیروهای او

catalytic attack **تک تحریک‌آمیز**

حمله‌ای که برای ایجاد جنگ میان قدرت‌های بزرگ با دسیسه‌چینی قدرت سومی طراحی می‌شود

diversionary attack **تک فریبنده**

نوعی تک که در آن نیرو به هدفی غیر از هدف اصلی اقدام به تک یا تهدید به تک می‌کند تا توجه نیروهای پدافندی دشمن را از هدف اصلی دور کند

deliberate attack, coordinated attack **تک هماهنگ**

نوعی عمل آفندی ازپیش‌طرح‌ریزی شده که برای نزدیک شدن به دشمن یا انهدام و تصرف مواضع او انجام می‌شود

main effort **تلاش اصلی**

فعالیتی که فرمانده برای اجرای موفقیت‌آمیز مأموریت در زمان و مکان خاص مناسب می‌داند

booby trap **تله انفجاری**

ماده یا افزاره‌ای انفجاری یا غیرانفجاری که برای وارد آوردن تلفات آن را کار می‌گذارند و بر اثر اعمال کوچک‌ترین فشار یا حرکت فعال می‌شود

strategic concentration

تمرکز راهبردی

تجمع نیروهای مشخص در مناطق مورد نظر به شیوه‌ای که گسترش نیروها برای شروع عملیات طرح پیکار به بهترین روش ممکن میسر شود

scramble

تندخیزی

برخاستن هواپیما به سریع‌ترین وجه ممکن با هدف رهگیری هوایی که متعاقب آن دستور مأموریت نیز ابلاغ شود

steep turn

تندگردی

گردش هواپیما بیش از حد عادی، بین ۱۵ تا ۳۰ درجه

voice stress analysis

تنش‌کاوی صوت

اندازه‌گیری تنش و لرزش صدای افراد مظنون با بهره‌گیری از فناوری مخصوص

sweep jamming power

توان اختلال روبشی

توان فرستنده دستگاه اختلالگر جارویی برحسب وات یا کیلووات به‌حدی که بتواند بر فرستنده‌های دشمن از نظر امواج الکتریکی یا ارتباطی غلبه کند

barrage jamming power

توان اختلال سدی

توان فرستنده دستگاه اختلالگر سدی برحسب وات یا کیلووات به‌حدی که از نظر توان ارسال بتواند فرستنده‌های دشمن را تحت تأثیر قرار دهد و موفق به ایجاد اختلال بر روی گیرنده‌های دشمن شود

enabler

توان‌افزا

هر بخش از آماد و پشتیبانی که امکان دستیابی به توانمندی جدید یا بهینه را فراهم کند

combat power

توان رزمی

ترکیبی از عوامل فیزیکی و انسانی و سایر عوامل برای از بین بردن دشمن و انجام مأموریت در میدان جنگ

space power

توان فضایی

توانمندی‌های یک کشور برای انجام عملیات فضایی از زمین به فضا، در فضا، از فضا به فضا و از فضا به زمین

multiple kill capability

توانمندی انهدام چندگانه

میزان توانایی یک هواگرد در به‌کارگیری چند نوع سلاح برای نابودی هدف /خت. تاچ

capabilities, abilities, possibilities

توانمندی‌ها

قابلیت‌های لازم جهت اجرای راهکار تعیین‌شده برای هدفی ویژه

support capabilities

توانمندی‌های پشتیبانی

توانمندی‌هایی که در پشتیبانی از عملیات رزمی به کار گرفته می‌شوند، مانند پشتیبانی آتش توپخانه و پشتیبانی آتش هوایی و عملیات هسته‌ای و میکربی و شیمیایی و چریکی و روانی

own capabilities

توانمندی‌های خودی

راهکارهایی که اجرای آنها توسط نیروهای خودی علیه نیروهای دشمن پیش‌بینی می‌شود و در سرنوشت عملیات مؤثر واقع می‌شود

enemy capabilities

توانمندی‌های دشمن

راهکارهایی که دشمن در عمل قادر به اجرای آنهاست و در انجام مأموریت نیروهای خودی تأثیر می‌گذارد، مانند توانمندی‌های رزمایشی، توانمندی‌های پشتیبانی مانند تک و پدافند، توانمندی‌های هسته‌ای، میکربی، شیمیایی و عملیات چریکی

nuclear capabilities

توانمندی‌های هسته‌ای

توانایی به‌کارگیری جنگ‌افزارهای هسته‌ای در پشتیبانی از نیروهای خودی در عملیات نیروی زمینی و دریایی و هوایی علیه نیروهای متخاصم

air defense artillery

توپخانه پدافند هوایی

جنگ افزارها و تجهیزاتی که از زمین علیه هدف‌های هوایی دشمن به کار می‌روند

howitzer

توپ‌وار

توپ‌یی که طول لوله آن متوسط و بین ۲۰ تا ۳۰ برابر قطر لوله‌اش است و خصوصیات توپ و خمپاره‌انداز را یکجا دارد

hub and spoke distribution

توزیع شعاعی

نوعی توزیع فیزیکی که براساس استانداردهای صنعتی تکوین یافته است و درجهت بهینه‌سازی مدیریت تخلیه و توزیع بار در صحنه عملیات، به منظور افزایش کارایی ترابری و کاهش زمان سفارش محموله، به کار می‌رود

hybrid threat

تهدید ترکیبی

تهدیدی که در آن از ترکیب سامانه‌های مختلف ساخت چند کشور استفاده می‌شود

biological threat

تهدید زیستی

به مخاطره انداختن حیات افراد و حیوانات و گیاهان با استفاده از عوامل زیستی

threat evaluation

تهدیدسنجی

فرایند تشخیص و تحلیل و طبقه‌بندی سامانه‌های تهاجمی دشمن

asymmetric threat

تهدید ناهمگون

هر نوع عملیات یا تهدید از طرف نیرویی قوی علیه نیرویی ضعیف

brigade

تیپ

یگانی راهکنشی معمولاً کوچک‌تر از لشکر که گروه‌ها یا گردان‌ها و یگان‌های کوچک‌تر برای رفع نیاز به آن اعزام می‌شوند

target

تیرنشان

هدفی استاندارد که برای آموزش و تمرین تیراندازی به کار می‌رود

ج

air movement

جابه‌جایی هوایی

ترابری هوایی یگان‌ها و کارکنان و تدارکات و تجهیزات و مواد

جاذب رادار ← مواد جاذب رادار

defilade

جان‌پناه

مانعی مانند تپه یا پشته برای حفاظت در مقابل دیدبانی و آتش دشمن

movement table

جدول جابه‌جایی

جدولی حاوی جزئیات دستورعمل و تاریخ حرکت که ممکن است نوع حمل‌ونقل اعم از دریایی و جاده‌ای و ریلی و هوایی، در آن مشخص شود و معمولاً به دستور عملیاتی پیوست می‌شود

air movement table

جدول جابه‌جایی هوایی

جدولی که فرمانده نیروی زمینی با هماهنگی فرمانده نیروی هوایی تهیه می‌کند و به دستور عملیاتی پیوست می‌شود؛ مقوله‌های زیر در جدول بازتاب می‌یابد: الف) نحوه تخصیص فضای پروازی هواگرد برای ترابری عناصر یگان‌های زمینی؛ ب) مشخص کردن شماره و نوع هواگرد در هر نوبت؛ پ) تعیین زمان و مقصد پرواز و زمان بارگیری

table of allowance

جدول سهمیه

جدولی که مأخذ و مبنای تهیه وسایل مورد نیاز مؤسسه‌های فرهنگی و آموزشی و اداری سازمان‌های نظامی است

hate crime

جرم نفرت‌محور

اقدام مجرمانه‌ای که انگیزه آن نفرت و تعصب و پیش‌داوری برخاسته از نژاد، رنگ پوست، مذهب، ملیت، قومیت، جنسیت یا گرایش جنسی فرد یا افراد است

heat seeker

جست‌وجوگر حرارتی

حسگری که حرارت حاصل از آگزوز هواگرد را برای هدایت موشک به سمت آن شناسایی می‌کند

infrared seeker

جست‌وجوگر فروسرخ

سامانه جست‌وجوگری که سطوح پرحرارت هواپیما را هدف‌گیری می‌کند و به دنبال تابش فروسرخ حرکت می‌کند؛ از این توانمندی بیشتر در موشک‌های هدایت‌شونده و دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی استفاده می‌شود

missile seeker

جست‌وجوگر موشک

حسگری که در کلاهک موشک قرار دارد و هدف را جست‌وجو می‌کند

laser seeker

جست‌وجوگر لیزری

دستگاهی مجهز به گیرنده حساس به انرژی لیزری که پس از دریافت اشعه لیزری بازتابیده از هدف، مسیر موشک را به سمت هدف تعیین می‌کند

war

جنگ

بیکار و نبرد بین دو یا چند کشور که در آن تمام توان نظامی طرفین محاصمه از راه زمین و دریا و هوا برای پیروزی به کار گرفته شود

intelligence-based warfare

جنگ اطلاعات پایه

جنگی که در آن سامانه‌های خاصی طراحی می‌شود تا دستیابی به اطلاعات کافی برای تسلط بر میزان نبرد و جلوگیری از دسترسی دشمن به چنین اطلاعاتی میسر شود

جنگال ← جنگ الکترونیکی

electronic warfare

جنگ الکترونیکی

اقدامی نظامی با استفاده از انرژی الکترومغناطیسی هدایت شده که برای واپایش طیف الکترومغناطیسی دشمن یا حمله به دشمن صورت می‌گیرد

EW

خت. جنگال

active electronic warfare

جنگ الکترونیکی عامل

استفاده از سامانه‌هایی که دارای منبع تولید امواج الکترومغناطیسی‌اند و برای جلوگیری یا خدشه‌دار کردن استفاده دشمن از وسایل الکترونیکی یا گمراه کردن دشمن در تفسیر اطلاعات به دست آمده به کار می‌روند

passive electronic warfare

جنگ الکترونیکی غیرعامل

استفاده از سامانه‌هایی که منبع تولید امواج الکترومغناطیسی ندارند و از امواج تابشی در فضا برای تجسس و تشخیص و تعیین منبع تابش استفاده می‌کنند؛ این سامانه‌ها علائمی را دریافت می‌کنند که نشان می‌دهد دشمن طیف الکترومغناطیسی به کار می‌برد

directed-energy warfare, DEW

جنگ پرتوی

اقدامی نظامی با استفاده از سلاح‌ها و دستگاه‌ها و اقدامات حفاظتی برای صدمه زدن به تجهیزات و تأسیسات و کارکنان دشمن و نابودی آنها یا جلوگیری از استفاده دشمن از طیف الکترومغناطیسی

preventive war

جنگ پیشگیرانه

تهاجم به دشمن برای کاهش خسارت، در شرایطی که حمله دشمن قطعی باشد

information dominance warfare

جنگ چیرگی اطلاعاتی

عملیاتی که در آن هریک از طرفین درگیری سعی می کند از نظر اطلاعاتی بر طرف دیگر مسلط شود

جنگ حاشیه‌ای ← جنگ محدود

psychological warfare

جنگ روانی

استفادهٔ روشمند از تبلیغات با هدف تأثیرگذاری بر افکار و احساسات و نگرش و رفتار نیروهای دشمن برای دستیابی به اهداف ملی

biological warfare

جنگ زیستی

به کارگیری عوامل زیستی برای آسیب زدن به افراد یا حیوانات یا گیاهان

network-centric warfare, NCW

جنگ شبکه‌مدار

نوعی جنگ الکترونیکی که در آن حسگرهای سامانه‌های فرماندهی و واپایش و تسلیحاتی با استفاده از شبکه‌های داده‌ای این سه سامانه به یکدیگر متصل می‌شوند تا امکان تبادل اطلاعات و دستورهای فرماندهی بین این شبکه‌ها به حداکثر ممکن برسد

general war

جنگ عمومی

درگیری مسلحانهٔ گسترده میان قدرت‌های بزرگ با به کارگیری تمام منابع و امکانات

limited war

جنگ محدود

کشمکش مسلحانهٔ محدودتر از جنگ عمومی

controlled war

مت. جنگ مهارشده

peripheral war

جنگ حاشیه‌ای

local war

جنگ محلی

جنگ محلی ← جنگ محدود

جنگ مهارشده ← جنگ محدود

unconventional warfare, UW

جنگ نامتعارف

طیف وسیعی از عملیات نظامی و شبه‌نظامی درازمدت که نیروهای بومی معمولاً غیرنظامی آن را به انجام می‌رسانند و سازماندهی و آموزش و تجهیز و پشتیبانی و هدایت آن بر عهده نیروهای خارجی است

asymmetric warfare

جنگ ناهمگون

نبردی که در آن نیروهای ضعیف‌تر با استفاده از نقاط ضعف دشمن و روش‌های مبتکرانه به مبارزه با نیروهای قوی‌تر بپردازند

squad

جوخه

یگانی راهکنشی و کوچک که در ساختار سلسله‌مراتبی کوچک‌تر از رسد و بزرگ‌تر از گروه است و معمولاً از نه نفر تشکیل می‌شود
مت. گروه^۲

cardinal points

جهات اصلی

چهار جهت اصلی صفحه قطب‌نما یا صفحه افق که شامل جنوب و شمال و شرق و غرب است

by-points

جهات جنبی

جهات مجاور هریک از جهات میانی که شامل ۱۶ جهت از مجموع کل ۳۲ جهت قطب‌نماست

intercardinal points

جهات فرعی

چهار جهتی که میان چهار جهت اصلی قطب‌نما قرار دارد و شامل شمال‌شرقی و شمال‌غربی و جنوب‌شرقی و جنوب‌غربی است

intermediate points

جهات میانی

جهات بین جهات اصلی و جهات فرعی شامل هشت جهت شمال شمال غربی، غرب شمال غربی، غرب جنوب غربی، جنوب جنوب غربی، جنوب جنوب شرقی، شرق جنوب شرقی، شرق شمال شرقی، شمال شمال شرقی

direction finder

جهت یاب

ابزاری که برای پیدا کردن زاویه بین امتداد محل استقرار ایستگاه جهت یاب تا منبع تابش الکترونیکی و شمال مغناطیسی در جهت حرکت عقربه‌های ساعت به کار می‌رود؛ این زاویه نمایانگر جهت منبع انتشار امواج الکترومغناطیسی است

direction finding, DF

جهت یابی

روشی برای تعیین زاویه فرستنده امواج رادیویی با استفاده از آنتن بسیار دقیق و یک نشان‌دهنده سمت

radio direction finding

جهت یابی رادیویی

پیدا کردن موقعیت بی‌سیم از طریق دریافت امواج الکترومغناطیسی

ration dense

جیره فشرده

غذاهایی که از طریق فراوری، با حفظ ارزش غذایی، از حجم و کمیت آنها کاسته می‌شود

چ

frequency agility

چابکی بسامد

تغییر در بسامد حامل یک رادار بر مبنای تپ/ پالس به تپ/ پالس در محدوده یک باند بسامد

flashing light, FL

چراغ چشمک‌زن

چراغی که دوره روشن‌ی آن کوتاه‌تر از دوره خاموشی آن است

intelligence cycle

چرخه اطلاعات

فرایند تبدیل اطلاعات خام به اطلاعات معتبر برای استفاده مصرف‌کنندگان آن

guerrilla

چریک

جنگجوی جنگ‌های ناهمگون

information sharing vision

چشم‌انداز اشتراک اطلاعات

برنامه‌ای برای ارزیابی عوامل و اجزا و مؤلفه‌های به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات بین نیروهای خودی با رویکرد آینده‌پژوهانه

چشم‌انداز مشارکت اطلاعاتی

مت. چشم‌انداز مشارکت اطلاعاتی

چشم‌انداز مشارکت اطلاعاتی ← چشم‌انداز اشتراک اطلاعات

combined sight

چشمی ترکیبی

افزازه نشانه‌گیری سلاح با توانایی کارکرد در بیش از یک وضعیت

information dominance

چیرگی اطلاعاتی

سطحی از برتری اطلاعاتی که توان استفاده از سامانه‌ها و امکانات اطلاعاتی را درجهت دستیابی به مزیت عملیاتی نبرد فراهم می‌کند

ح

administrative movement

حرکت اداری

حرکت سازمان یافته نیروها و خودروها برای تسریع در حرکت و صرفه جویی در وقت و انرژی، هنگامی که خطر مداخله نظامی دشمن در میان نباشد

retrograde movement

حرکت به عقب

هر نوع حرکت یگان به سمت عقب یا در جهت دور شدن از دشمن که ممکن است بر اثر فشار دشمن یا به اختیار اجرا شود

sensor fusion

حسگر آمیزی

ترکیب خودکار اطلاعات خروجی از چند حسگر مختلف و تبدیل آنها به یک واحد

mast-mounted sensor, MMS

حسگر دکلی

سامانه چشمی یکپارچه و دقیق و چند حسگرهای که برای دیدبانی به کار می رود و در ساخت آن از حسگرهای حرارتی و صوتی و مبدل پویش (scan) رقمی و علامت گذار مجهز به مسافت یاب لیزری استفاده شده است

sensor seeding

حسگر ریزی

رها سازی شماری حسگر کوچک باتری دار برای ردیابی تحرکات دشمن از طریق ارسال داده های دریافتی، اعم از نشانک های صوتی و نوری و رادیویی، به مرکز پایش

protection

حفاظت

حفظ و نگهداری استعداد جنگی یک نیرو به طوری که بتواند توان رزمی خود را در زمان و مکان مشخص به کار گیرد

military rule

حکمرانی نظامیان

نوعی حکمرانی که در آن عالی‌ترین مقام کشور در اختیار یک فرد نظامی است و این مقام را به واسطه جایگاهش در سلسله‌مراتب ارتش به دست آورده است

military government¹

حکومت اشغالگران

حکومتی موقت که یک نیروی نظامی خارجی در سرزمین تحت اشغالش ایجاد می‌کند

martial law

حکومت نظامی

اعمال حاکمیت نظامیان به طور موقت بر تمام یا بخشی از کشور به دلیل وضعیت اضطراری

حکومت نظامیان

حاکمیت بر نهادهای حکومتی غیرنظامی توسط نظامیان در جنگ داخلی

حلقه‌ای ← اثر انگشت حلقه‌ای

حلقه نجات ← شناوه نجات

harness¹

حمایل

بند برزنتی چهاررشته‌ای که معمولاً سربازان پیاده‌نظام از روی دوش به فانوسقه می‌بندند

preemptive strike

حمله پیش‌دستانه

تهاجم برای انهدام سلاح‌های یک کشور

حمله الکترونیکی ← پادکنش الکترونیکی

accidental attack

حمله غیر عمدی

حمله‌ای غیر عمدی و بدون طراحی قبلی بر اثر یک اتفاق تصادفی، مانند نقص فنی در مهار سلاح یا اشتباه انسانی یا فعالیت غیرمجاز کارکنان تحت امر

compartmentation

حیطه‌بندی

فراهم ساختن امکان دسترسی محدود به اطلاعات برای افرادی که برای انجام کاری مشخص به اطلاعات خاصی نیاز دارند

خ

chaff

خاشه

براده یا نوارهای فلزی باریکی که در آسمان رها می‌شود و در رادار دشمن اختلال ایجاد می‌کند و او را در هدف‌یابی فریب می‌دهد

parapet

خاکریز

دیواره دفاعی خاکی برای حفاظت در برابر آتش توپخانه دشمن

saboteur

خرابکار

کسی که اقدام به خرابکاری می‌کند

sabotage

خرابکاری

اقداماتی با هدف آسیب رساندن به توان دفاع ملی یک کشور

contagious failure

خرابی سرایتگر

نوعی خرابی که احتمال سرایت آن به دستگاه مجاور وجود دارد

armistice demarcation line, ADL

خط ترک مخاصمه

خطی که نیروهای متخاصم پس از متارکه یا آتش‌بس از آنجا به مواضع خود عقب‌نشینی می‌کنند

خط سرپل هوایی

light line

خط چراغ جنگی

خط مشخصی که پس از آن خودروها در شب ملزم به خاموش کردن چراغ‌های معمول خود و استفاده از چراغ‌های فروتاب خاصی هستند که از دید دشمن پنهان می‌ماند

boundary

خط حد

خطی فرضی که ناحیه تحت پوشش هریک از یگان‌ها را برای هماهنگی بهتر و جلوگیری از اختلال مشخص می‌کند

phase line

خط خیز

خطی برای واپایش و هماهنگی عملیات نظامی که معمولاً به گونه‌ای انتخاب می‌شود که در منطقه عملیاتی به سهولت قابل تشخیص باشد

observer-target line

خط دیدبان - هدف

خطی فرضی میان دیدبان و هدف در هنگام ثبت مشاهدات

bomb release line

خط رهاسازی بمب

خطی فرضی در اطراف منطقه حفاظت شده یا در اطراف یک هدف که هواپیمای خودی باید مهمات خود را بر فراز آن رها کند

bridgehead line

خط سرپل

محدوده منطقه‌ای که باید توسط نیروهای خودی تصرف و پاک‌سازی و از آن پدافند شود تا نیروهای هوای خودی بتوانند عملیات هجوم هوای خودی را انجام دهند

airhead line

خط سرپل هوایی

منطقه‌ای با فاصله از کناره رود در اراضی دشمن یا دشمن بالقوه که پس از تسخیر، عبور سربازان و تجهیزات را تسهیل می‌کند و نیز نقش پایگاهی را دارد که از آنجا می‌توان عملیات آفندی را تداوم بخشید یا از اراضی کلیدی در پشت سر حفاظت کرد

خط‌سیر بالگرد

helicopter lane

خط‌سیر بالگرد

دالانی هوایی برای پرواز ایمن که بالگردها در حین عملیات، از درون آن به سوی مقصد پرواز می‌کنند و بازمی‌گردند

line of departure

خط عزیمت

خطی فرضی در جنگ زمینی که از آن برای ایجاد هماهنگی در حرکت عناصر حمله استفاده می‌شود

line of retirement

خط عقب‌روی

خط حرکت به عقب نیروهای گشت

line of fall

خط فرود

خطی فرضی و مماس بر منحنی مسیر گلوله توپ در نقطه برخورد با هدف

gun-target line, GTL

خط قبضه - هدف

خطی فرضی و مستقیم از توپ تا هدف

line of aim

خط نشانه‌روی

خطی فرضی از نگاه شخص توپچی یا تیرانداز که در امتداد آن، هدف قابل‌رؤیت است

cam-car

خودرو دوربین‌دار

خودرو مجهز به دوربین مخفی که از آن در عملیات مراقبت و تعقیب نامحسوس استفاده می‌شود

bound

خیز

حرکت سربازان از یک جان‌پناه به جان‌پناه دیگر که اغلب در زیر آتش دشمن انجام می‌شود

mobility corridor**دالان تحرک**

مناطقى که در آنها یک نیرو برای حرکت، به دلیل وجود موانع و عوارض، مجبور به استفاده از یک باریکه می‌شود

**circular error probable, CEP
circular error probability, CEP****دایره خطای احتمالی**

شاخصی که دقت پرتاب سامانه سلاح را نشان می‌دهد و از آن برای تعیین خسارت احتمالی وارد بر هدف استفاده می‌کنند

engagement**درگیری**

زدوخورد با نیروهای دشمن بدون در نظر گرفتن محدودیت زمانی و شدت آن

cooperative engagement, CE**درگیری اشتراکی**

به اشتراک گذاشتن اطلاعات مربوط به هدف و سلاح‌ها و واپایش محل استقرار سلاح‌های پرتابی در میان رزمندگان

cease engagement**درگیری بس!**

در پدافند هوایی، فرمان توقف آتش علیه هدف تعیین شده

asymmetric engagement

درگیری ناهمگون

نبرد بین نیروهایی که از لحاظ نیرو و تجهیزات توانمندی‌های یکسانی ندارند

psychological theme

درون‌مایه عملیات روانی

مضمونی که عملیات روانی براساس آن پایه‌ریزی می‌شود

strategic sealift

دریابری راهبردی

به‌کارگیری شناورهای اقیانوس‌پیمای حمل تجهیزات و مواد نظامی در پشتیبانی از نیروهای نظامی کشور و نیروهای ترابری راهبردی

access panel

دریچه دسترسی

بخشی از پوسته هواگرد که قابل برداشتن است و دسترسی به سامانه‌های داخلی هواگرد را ممکن می‌سازد

escape hatch

دریچه گریز

دریچه خروج معمولاً کوچک برای فرار خدمه ناو از محوطه‌های بسته در هنگام انسداد مسیر اصلی رفت‌وآمد

military police

دژبان

افسر یا سرباز اداره دژبانی که بنا به ضرورت مسئولیت‌های زیر به او سپرده می‌شود: پایش رفتار کارکنان، ترغیب کارکنان به رعایت مقررات نظامی، اجرای احکام و قوانین نظامی، پایش مقررات شدآمد، پیشگیری از وقوع جرم، تحقیق، تهیه گزارش، جلب نظامیان غایب و فراری و همچنین زندانیان فراری

PDA

دستران

افزاره‌ای که تصویر چاپی از تخلف رانندگی تهیه می‌کند و ضمن برقراری ارتباط، روگرفت رقمی آن را به ایستگاه می‌فرستد

ص.ک. دستگاه رقمی انفرادی

personal digital assistant

directed-energy device

دستگاه پرتوی

دستگاه یا سامانه‌ای که در آن انرژی پرتوی برای کاربردهایی غیر از تهیه سلاح استفاده می‌شود

دستگاه رقمی انفرادی ← دستران

deployment preparation order

دستور تهیه استقرار

دستوری که مقام صلاحیت‌دار برای حرکت نیروها یا تدارک و آمادگی نیروها برای حرکت به منطقه مورد نظر صادر می‌کند

movement order

دستور جابه‌جایی

دستوری که جزئیات فرمان حرکت را در بر دارد و فرمانده آن را صادر می‌کند

debriefing agenda

دستور کار نشست توضیحی

فهرست نکات و موضوعاتی که در جلسه توجیهی مورد بحث قرار خواهد گرفت

platoon

دسته

یگانی نظامی و زیرمجموعه گروهان که معمولاً از دو یا چند گروه یا رسد تشکیل می‌شود

civil defense

دفاع غیرنظامی

مجموعه اقدامات غیرنظامی برای کاهش تلفات جانی و مالی ناشی از حمله دشمن

compressor inlet temperature

دمای ورودی فشرده‌ساز

دمای هوای جاری در نخستین ردیف یا ورودی فشرده‌ساز در حالت روشن

winch

دوآر

دستگاهی کِشنده دارای سیم بکسل و قلاب و جعبه‌دنده که با موتور سرخود یا موتور جداگانه کار می‌کند

capstan

دوآر عمودی

ابزاری در عرشه کشتی، مجهز به یک محور عمودی، که برای کشیدن طناب‌ها یا زنجیر لنگر از آن استفاده می‌شود

windlass

دوآر لنگر

ماشینی با یک قرقره دندانه‌دار که معمولاً برای بالا کشیدن زنجیر لنگر به کار می‌رود و به یک قرقره چرخنده برای بالا کشیدن طناب نیز مجهز است

**overhaul period,
time between overhauls, TBO**

دوره بازآمد

فاصله زمانی بین بازآمادهای پی‌درپی

fault latency

دوره عیب‌نهفتگی

مدت‌زمان بین وقوع عیب و اولین خطا

doublespeak

دوگانه‌گویی

پنهان‌سازی مقصود واقعی در گفتار و نوشتار

escape trunk

دهلیز گریز

درگاهی ویژه فرار در زیردریایی‌های جدید

**synthetic vision,
pictorial format avionics**

دید تصویری

نمایش عوارض سطح زمین از جمله موانع و باندهای پرواز که در واقع همان چیزی است که خلبان از پنجره اتاقک خلبانی می‌بیند

radar picket

دیده‌ور راداری

شناور یا هواگرد یا وسیله‌ای که در فاصله‌ای دورتر از نیروی خودی قرار دارد و هدف آن افزایش بُرد شناسایی رادار است

**radar,
radio detection and ranging**

رادار

سامانه‌ای که در آن از باریکه‌های امواج الکترومغناطیسی با بسامدهای رادیویی بازتابیده از سطح اشیا برای آشکارسازی آنها استفاده شود

primary radar

رادار اصلی

راداری که در آن نشانک‌های بازگشتی پژواک هدف هستند

monostatic radar

رادار تک پایه

راداری که فرستنده و گیرنده آن در یک محل یا سکو قرار دارد

frequency agile radar

رادار چابک بسامد

راداری که بسامد خود را بر مبنای تپ به تپ در محدوده یک باند بسامد تغییر می‌دهد

multistatic radar

رادار چند پایه

راداری دارای یک فرستنده و چند گیرنده که جدا از یکدیگر قرار دارند

multimode radar

رادار چندوضعیتی

راداری که برای انجام عملیات در بیش از یک وضعیت و با قابلیت تغییر سریع از یک وضعیت به وضعیت دیگر طراحی شده است

bistatic radar

رادار دوپایه

راداری که فرستنده و گیرنده آن جدا از یکدیگر قرار دارند

dual-mode radar

رادار دووضعیتی

راداری که دارای دو وضعیت «نشان‌دهنده هدف متحرک» و نیز سامانه تصویربرداری است

through-wall-radar

رادار دیوارگذر

راداری قابل حمل که با ارسال تپ‌هایی که از دیوار می‌گذرد فعالیت دشمن را کشف می‌کند

identification friend or foe

رادار شناخت دوست از دشمن

سامانه‌ای الکترونیکی در مخابرات برای شناسایی دشمن از نیروهای خودی که به‌منظور فرمان و واپایش از طریق رادار طراحی شده است

IFF

اخت. / رشداد

over-the-horizon radar, OTH radar

رادار فرافوق

راداری که با استفاده از پدیده‌های بازتابی و شکست امواج، بُرد رهگیری خود را به فراتر از خط دید گسترش می‌دهد

secondary radar

رادار فرعی

راداری که در آن نشانک‌های بازگشتی از سامانه‌های نشان فرست و تراپاسخگر و تکرارکننده دریافت می‌شود

combat surveillance radar

رادار مراقبت رزمی

راداری با عملکرد معمولی برای حفظ مداومت نظارت بر رزم

gap filler radar

رادار مکمل

راداری که از آن برای تکمیل پوشش رادار اصلی در مناطق فاقد پوشش کامل راداری استفاده می‌شود

target acquisition radar

رادار هدف‌یاب

راداری که مأموریت آن شناسایی و آشکارسازی هدف است و موقعیت هدف را برای به‌کارگیری نوع جنگ‌افزار تعیین می‌کند

side-looking airborne rada, SLAR

رادار هواپرد پهلونگر

راداری هواپایه که در زاویه قائم نسبت به محور هواگرد جست‌وجو می‌کند و تصویر اهداف متحرک و عوارض زمین را برای خلبان فراهم می‌آورد

strategy

راهبرد

۱. فن و علم توسعه نیروها و منابع نظامی و به‌کارگیری آنها در زمان جنگ برای تأمین حداکثر منافع ملی و افزایش احتمال پیروزی ۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منابع ملی اعم از اقتصادی و سیاسی و نظامی برای دستیابی به حداکثر منافع ملی در زمان صلح و افزایش احتمال پیروزی در زمان جنگ

راهبردار ← راهبردشناس

information sharing strategy

راهبرد اشتراک اطلاعات

راهبردی که براساس آن اطلاعات بین عوامل و سازمان‌های خودی به اشتراک گذاشته می‌شود

متد. راهبرد مشارکت اطلاعاتی

strategist

راهبردشناس

شخصی که فن و علم توسعه نیروها و منابع نظامی و به‌کارگیری آنها را در زمان جنگ، برای تأمین حداکثر منافع ملی و افزایش احتمال پیروزی می‌داند

متد. راهبردار

theatre strategy

راهبرد صحنه

تدابیر و راهکارهای هدایت‌شده در جهت تأمین اهداف و سیاست‌ها و راهبرد ملی و چندملیتی از طریق کاربرد هم‌زمان و یکپارچه نیروهای نظامی و سایر ابزارهای قدرت ملی

راهبرد مشارکت اطلاعاتی ← راهبرد اشتراک اطلاعات

national strategy

راهبرد ملی

علم و هنر توسعه و به‌کارگیری امکانات دیپلماتی و اقتصادی و اطلاعاتی و نیروهای نظامی یک کشور در زمان صلح و جنگ برای تأمین اهداف ملی

asymmetric strategy

راهبرد ناهمگون

سازماندهی و بهره‌گیری از توانمندی‌های نیرویی ضعیف در برابر نیرویی قوی

military strategy

راهبرد نظامی

فنون و دانش‌های مربوط به استفاده از نیروهای مسلح یک کشور برای دست یافتن به اهداف سیاست ملی با توسل به زور یا تهدید به توسل به زور

strategic

راهبردی

مربوط به راهبرد

tactics

راهکنش

۱. نحوه به‌کارگیری نیروها در رزم ۲. استفاده از حداکثر توان رزمی یگان‌ها با آرایش و جابه‌جایی هماهنگ و منظم آنها در برابر دشمن

tactician

راهکنش‌شناس

فردی که متخصص جابه‌جایی نیروها و به‌کارگیری آنها در میدان نبرد است

asymmetric tactic

راهکنش ناهمگون

هنر به کارگیری نیروها و تجهیزات در نبردهایی که طرف مقابل دارای توانمندی‌های بیشتری باشد

tactical

راهکنشی

آنچه مربوط به به کارگیری نیروها در میدان نبرد است

cyber defense

رایا پدافند

تمهیداتی به منظور دستیابی به دانش و ابزارهای لازم برای شناسایی مهاجم و جلوگیری از تهاجم به شبکه‌های رایانه‌ای

cyber attack

رایا تک

تهاجم یک رایانه به رایانه دیگر که در نتیجه آن محرمانه بودن اطلاعات و یکپارچگی آنها و دسترسی به آنها با اشکال روبه‌رو می‌شود

cyber threat

رایا تهدید

فرد یا ویروس یا برنامه رایانه‌ای که می‌تواند باعث تخریب یا تغییر یا کاهش کارایی سامانه‌های رایانه‌بنیاد شود

cyber espionage

رایا جاسوسی

استفاده از رایانه یا دستگاه‌های ارتباطی رقمی برای دسترسی به اطلاعات حساس دشمن

cyber warfare

رایاورد - رایا جنگ

۱. رزم در قلمرو اطلاعات ۲. هدایت یا آمادگی برای هدایت عملیات نظامی بر طبق مبانی اطلاعاتی

cyber battlefield

رایارزمگاه

محیطی رایانه‌ای که در آن به جای نزاع سرزمینی، سرقت اطلاعات و تخریب سامانه‌های رایانه‌ای صورت می‌گیرد

cyberocracy

رایاسالاری

شیوه‌ای در کشورداری یا سیاست‌گذاری که در آن اطلاعات و شبکه‌های جهانی اطلاعات منبع اصلی قدرت به شمار می‌آیند

cyber soldier

رایاسرباز

فردی نظامی که از دانش و مهارت‌های رخنه‌گری و درگیری و جنگ و جاسوسی در فضای رایانه‌ای استفاده می‌کند

cyber weapon

رایاسلاح

هر فرد یا برنامه یا ویروس رایانه‌ای که به داده‌های طبقه‌بندی‌شده دشمن دست می‌یابد یا آنها را دستکاری و تخریب می‌کند

penetration aids

رخنه‌ابزار

فنون یا ابزارهایی که سامانه‌های سلاح‌های هوایی برای رخنه بیشتر به پدافندهای دشمن به کار می‌گیرد

mobility echelon

رده تحرک

رده تحت امر یک یگان که برای استقرار در موضع خاص، مستقل از یگان مادر برنامه‌ریزی می‌کند

birth-to-death tracking

ردیابی کامل

ردیابی اجسام فضایی از مرحله شتاب‌گیری تا زمان انهدام

compressor stage

ردیف فشرده‌ساز

مجموعه‌ای در فشرده‌ساز محوری که شامل تعدادی تیغه است

destage

ردیف‌کاهی

طراحی مجدد موتور از طریق برداشتن یک ردیف از تیغه‌های فشرده‌ساز محوری

combat

رزم

بخشی از نبرد بین نیروهای مسلح دو کشور

order of battle

رزم‌آرایی

شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات و توانمندی و ساختار فرماندهی و امکانات جابه‌جایی نفرات و واحدها و تجهیزات نیروی نظامی

war march

رزم‌آهنگ

قطعه موسیقی‌ای که به‌منظور تشویق و تهییج سربازان به حرکت و پیشروی منظم در جنگ، نوشته و نواخته می‌شود

maneuver

رزمایش

۱. جابه‌جایی راهبردی نیروهای مسلح ۲. تمرین گسترده نیروهای مسلح به‌طور جداگانه یا همراه با هم

battle cry

رزم‌بانگ

فریادی که سربازان برای تهییج نیروهای خودی یا ترساندن دشمن در هنگام جنگ سر می‌دهند

empty battlefield

رزمگاه پوشیده

میدان جنگ با ظاهر تغییر یافته که در آن سربازان برای مقابله با قدرت تخریبی و انهدامی سلاح‌های جدید، به‌صورت پراکنده و در استتار مستقر می‌شوند

digital battlefield

رزمگاه رقمی

ترکیبی از سامانه‌های مکان‌یابی و ارتباطی و اطلاعاتی و هدف‌گیری که تصویر عملیاتی مشترکی به دست می‌دهند

dirty battlefield

رزمگاه کثیف

محیط عملیاتی رزمی که در آن نمی‌توان افراد غیرنظامی را از افراد نظامی باز شناخت

**virtual battlefield,
virtual battlespace**

رزمگاه مجازی

شبیه‌سازی رزمی جنگ از طریق ترکیب مجموعه‌ای از شبیه‌سازهای مختلف در یک محیط رزمی

scenario

رزم‌نامه

ترسیم و تجسم وضعیت‌هایی که دستیابی به هدف‌های منظور شده در دستورالعمل تمرین‌های راهکنشی فرمانده را امکان‌پذیر سازد

combatant

رزمنده

فردی که در رزم شرکت می‌کند

marching band

رزم‌نوازان

نوازندگانی که در هنگام نواختن گام‌آهنگ، خود در رژه مشارکت دارند

military regime

رژیم نظامی

نوازندگانی که در هنگام نواختن گام‌آهنگ، خود در رژه مشارکت دارند

مت. رژیم نظامیان

رژیم نظامیان ← رژیم نظامی

psychological media

رسانه عملیات روانی

هر نوع رسانه تخصصی یا غیرتخصصی که از آن به عنوان ابزاری در عملیات روانی استفاده می‌شود

section

رسد

یگان راهکنشی نظامی در نیروی زمینی که کوچک‌تر از دسته و بزرگ‌تر از گروه است

رها ساز خاشه

rope

رسن

قسمتی از خاشه که دارای یک رشته بلند فلزی است و برای ایجاد انعکاس وسیع باند بسامد پایین بر روی رادار دشمن به کار می‌رود

رشداد ← رادار شناخت دوست از دشمن

fault repair

رفع عیب

حذف یا تعویض پودمان معیوب یا کنارگذری (bypass) از آن

loophole

روزنه

منفذ یا شکافی باریک در دیوار سنگر که از آن تیراندازی می‌کنند

running fix method

روش نقطه انتقالی

روشی که از طریق آن با معلوم بودن مسیر و سرعت کشتی یک خط ورود نشانک را در زمان‌های مختلف تعیین می‌کنند تا امکان تعیین نقطه کشتی، تنها با استفاده از یک شیء فراهم شود

command guidance method

روش هدایت به فرمان

روشی در هدایت موشک با استفاده از هدایت به فرمان

dispenser

رها ساز

وسیله‌ای در هواگرد که با آن مهماتی مانند خاشه و منور را حمل و رها می‌کنند

chaff dispenser

رها ساز خاشه

وسیله‌ای در هواگرد ویژه حمل و رها سازی خاشه

flare dispenser

رها ساز منور

وسیله‌ای در هواگرد که مواد منور را برای فریب موشک‌های حرارتی دشمن به بیرون پرتاب می‌کند

interceptor

رهگیر

هواگردی سرنشین‌دار برای شناسایی یا درگیری با هواگردهای دشمن

space-based interceptor, SBI

رهگیر فضاپایه

مجموعه‌ای از ماهواره‌های ارتفاع‌پایین، دارای سامانه رهگیری، برای شناسایی و رهگیری موشک‌های پرتابی دشمن

interception

رهگیری

فرایند آشکارسازی نشانک‌های الکترومغناطیسی هدف مورد نظر برای شناسایی عملکرد و موقعیت و مقاصد آن

Ground-Controlled Interception, GCI

رهگیری با واپایش زمینی

فنی که با استفاده از آن می‌توان هواگرد یا موشک خودی را برای رهگیری مؤثر واپایش کرد

interceptibility

رهگیری پذیری

مقیاسی در دستگاه‌های الکترونیکی برای سنجش میزان رهگیری نیروهای خودی توسط دشمن

bomblet

ریزبمب

بمب کوچکی که معمولاً در یک بمب خوشه‌ای قرار دارد و میان هوا رها می‌شود

ز

bombing angle

زاویه رهاسازی بمب

زاویه میان خط عمود بر هواگرد و خط فرضی میان هواگرد و محل اصابت بمب

reactive armour, RA, energetic armour

زره واکنشی

نوعی زره عامل که با استفاده از عناصر نیروزا، در برابر ضربه خرد گود (shaped charge)، یعنی سلاح ضدزره، انرژی زیادی را برای حفاظت از خودرو زرهی آزاد می‌کند

launch time

زمان پرتاب

زمان برنامه‌ریزی شده‌ای که قرار است یک هواگرد یا موشک هواگرد شود

explosive train

زنجیره انفجار

مجموعه عناصر لازم برای انفجار خرد اصلی از آغاز تا انجام

kill chain

زنجیره انهدام

مجموعه اقدام‌هایی برای انهدام هدف شامل شش مرحله جست‌وجو، تعیین موقعیت، ردیابی، هدف‌گیری، درگیری و ارزیابی

زهپاد ← وسیله زمینی هدایت‌پذیرازدور

bunker

زیرپناه

پناهگاهی مستحکم در زیر زمین برای حفاظت از سربازان و تجهیزات و سلاح

submarine

زیردریایی

نوعی کشتی جنگی که برای عملیات زیرسطحی، از قبیل انهدام ناوها و کشتی‌ها و زیردریایی‌ها و سایر مأموریت‌های دریایی به کار می‌رود

lifeguard submarine

زیردریایی نجات

نوعی زیردریایی ویژه امداد و نجات که در منطقه‌ای که یگان‌های شناور قادر به فعالیت نیستند کارایی دارد

biocrime

زیست‌جرم

جرمی که در ارتکاب آن از مواد زیستی از قبیل مواد شیمیایی و سمی و بیماری‌زا و نیز مواد ژن‌شناختی و بافت‌ها و اندامگان‌های دستکاری شده استفاده می‌شود

bioradar

زیست‌رادار

۱. راداری برای جست‌وجوی افراد در زیر آوار ۲. راداری برای جست‌وجوی افراد پنهان شده در ساختمان‌ها

س

سابگ ← سامانه برخوردگريز

ساپه همراه ← سامانه پدافند هوایی همراه

beaching

ساحل نشینی

قرار گرفتن سینه کشتی بر روی ساحل شنی به گونه‌ای که با باز شدن دریا شیبه، پیاده کردن نیرو و تجهیزات و همچنین بازگشت مجدد به سمت دریا به سادگی میسر باشد

ساد ← سامانه ارتباط داخلی

security service, secret service

سازمان امنیت

سازمانی دولتی که مسئول جمع‌آوری اطلاعات مربوط به تهدیدهای امنیتی از داخل و خارج و تحلیل آنها و نیز اقدام برای تأمین امنیت کشور است

task organization

سازمان رزمی

تشکیلاتی در نیروی دریایی که در آن وظایف مشخصی به فرماندهان محول می‌شود

ساعگ ← سامانه عارضه‌گريز

gaiter

ساق‌پوش

پوششی از جنس چرم یا جیر که قسمت پایین ساق و بالای کفش را می‌پوشاند

harness^۲

سامانه ارتباط داخلی

سامانه‌ای که ارتباط داخلی یا خارجی میان خدمه تانک و بی‌سیم را برقرار می‌کند

خت. ساد

command destruct

سامانه انهدام به فرمان

سامانه‌ای که موشک یا پهپاد یا سایر پرنده‌های بدون سرنشین را در هنگام بروز نقص فنی، برای جلوگیری از آسیب‌های جانبی، منفجر می‌کند

مت. انهدام به فرمان

collision-avoidance system

سامانه برخوردگریز

سامانه‌ای که امکان تشخیص خطر تصادف با هواگرد دیگر را برای خلبان فراهم می‌کند

خت. سابگ

off-board countermeasures

سامانه پادکنش بیرونی

نوعی سامانه پادکنش که با هواگرد حمل می‌شود و در صورت خطر حمله مستقیم، برای پرتاب آماده می‌شود

on-board countermeasures

سامانه پادکنش درونی

نوعی سامانه پادکنش که در داخل هواگرد یا در زیر بدنه آن نصب می‌شود و علیه هرگونه تهدید یا حمله، حتی پیش از حمله مستقیم، آماده به‌کارگیری است

سامانه پدافند هوایی همراه

advanced threat infrared countermeasures, ATIRCM

سامانه پادکنش فروسرخ تهدید پیشرفته

نوعی سامانه مانایی در هواگردها که از طریق آن اقداماتی مانند هشدار موشکی و اختلال فروسرخ و رهاسازی فریبگرهای یک بار مصرف را اجرا می کنند

closed-loop infrared countermeasures, CLIRCM

سامانه پادکنش فروسرخ حلقه بسته

نوعی سامانه پادکنش فروسرخ که در آن با بهره گیری از لیزر پر قدرت، موشک های فروسرخ نزدیک شونده را کور می کنند

movement tracking system

سامانه پایش مسیر

سامانه ارتباطی و موقعیت یابی رقمی دوسویه که در آن از سامانه موقعیت یابی جهانی برای نظارت بر حرکت و طرح ریزی مسیر حرکت خودروها و محموله های نظامی استفاده می شود

Global Broadcast System, GBS

سامانه پخش جهانی

سامانه ای ارتباطی که اطلاعات مورد نیاز نیروهای خودی را در سراسر جهان در اختیار آنها قرار می دهد

man portable air defense system

سامانه پدافند هوایی همراه

مجموعه ای از سلاح های دوش پرتاب زمین به هوای هدایت شونده که برای هواگردهای ارتفاع پایین، به ویژه بالگردها، تهدیدی جدی محسوب می شود

MANPADS

اخت. سایه همراه

airborne early warning system

سامانه پیش‌اخطار هوایی

مجموعه تجهیزات الکترونیکی نصب‌شده در هواگرد جنگ الکترونیکی برای کشف و شناسایی یگان‌های هوایی و سطحی دشمن و ارسال پیام به یگان‌های خودی

cooperative engagement system, CES

سامانه درگیری اشتراکی

سامانه‌ای که حسگرهای پدافند هوایی را هماهنگ می‌سازد و داده‌های به‌دست‌آمده را به نحوی یکپارچه می‌کند که از شبکه سامانه‌های منفرد نوعی سامانه پدافند هوایی نامتمرکز، ولی کاملاً هماهنگ، به وجود می‌آید

synthetic vision system

سامانه دید تصویری

سامانه‌ای رایانه‌ای در هواگرد که با استفاده از امکانات سه‌بعدی واقعیت مجازی را نمایش می‌دهد و وسیله درک محیط پرواز را برای خلبان فراهم می‌کند

weapon(s) system

سامانه سلاح

ترکیبی از یک یا چند سلاح همراه با تجهیزات و متعلقات و مهمات و خدمه و نیز وسیله پرتاب مانند تانک که در آن هر سامانه به‌صورت مستقل عمل می‌کند

terrain-following system

سامانه عارضه‌پای

سامانه‌ای که نشانک‌های صعود و فرود را به خلبان یا سامانه خلبان خودکار هواگرد نشان می‌دهد تا ارتفاع مناسب در طول پرواز حفظ شود

terrain-avoidance system

سامانه عارضه‌گریز

سامانه‌ای که با نشان دادن عوارض زمین به خلبان امکان احتراز از برخورد را فراهم می‌کند

ساعت . ساعگ

movement report system

سامانه گزارش جابه‌جایی

سامانه‌ای برای جمع‌آوری و قرار دادن اطلاعات حیاتی در دسترس برخی یگان‌ها درباره وضعیت و موقعیت و جابه‌جایی ناوهای سرفرماندهی و یگان‌ها و ناوهای تحت امر نیروی دریایی در یک مأموریت مشخص

military airspace management system

سامانه مدیریت فضای پرواز نظامی

بخشی از یک سامانه دفاعی که با استفاده خاص از وضعیت جاری فضای پروازی به گردآوری و توزیع اطلاعات مربوط می‌پردازد

MAMS

اخت. سامین

hyperbolic navigation system

سامانه ناوبری هذلولی

سامانه ناوبری رادبویی که می‌تواند موقعیت هواگرد مجهز به گیرنده خاص ناوبری را با تلاقی دو یا چند خط موقعیت هذلولی تعیین کند

laser target designating system

سامانه نشانه‌گذاری لیزری

سامانه‌ای برای هدایت انرژی لیزری به سمت هدف که مجهز به نشانه‌گذار لیزری و افزاره‌هایی برای ردگیری و شناسایی هدف و هدایت پرتو انرژی به سمت آن است

unmanned aircraft system, UAS

سامانه هواگرد بی‌سرنشین

سامانه به‌کاررفته در هواگردهای بی‌سرنشین برای هدایت و واپایش عملکرد آنها

سامین ← سامانه مدیریت فضای پرواز نظامی

French tunic

سان پوش

کت نظامی با دکمه‌های فلزی که معمولاً روی آن کمر بند چرمی یا حمایل بسته می‌شود و عموماً آن را در تشریفات و مراسم رسمی می‌پوشند

baffle

سپرک

تیغه‌ای که در مسیر سیال قرار می‌گیرد و موجب تغییر جهت یا توقف تلاطم سیال می‌شود

ruggedized equipment

ستبرافزار

یکی از انواع تجهیزات آماده که در شرایط نامساعد محیطی قابل استفاده است

barrage

سد آتش

تیراندازی پیوسته برای ایجاد خط آتش و جلوگیری از پیشروی دشمن و حفاظت از نیروهای خودی

bridgehead, BH

سرپل

منطقه‌ای با فاصله نسبتاً زیاد از کناره رود در اراضی دشمن یا دشمن بالقوه که پس از تسخیر، عبور سربازان و تجهیزات را تسهیل می‌کند و نیز نقش پایگاهی را دارد که از آنجا می‌توان عملیات آفندی را تداوم بخشید یا از اراضی کلیدی در پشت سر حفاظت کرد

beachhead

سرپل ساحلی

منطقه‌ای مشخص از ساحل دشمن که چنانچه تصرف و نگهداری شود پیاده کردن افراد و وسایل را در ساحل امکان‌پذیر می‌کند و فضای رزمایشی لازم را برای عملیات طرح‌ریزی شده به ساحل فراهم می‌سازد

airhead

سرپل هوایی

۱. منطقه‌ای در سرزمین دشمن یا مناطق اشغالی که یگان هوایرد و آمادها و تجهیزات مربوط از راه هوا در آن منطقه فرود می‌آیند و یگان‌های هجومی پس از آفند منطقه را پاک و پدافند می‌کنند. ۲. ناحیه‌ای مشخص در منطقه عملیاتی که به‌عنوان پایگاه آماد و تخلیه از راه هوا مورد استفاده قرار می‌گیرد

red out

سرخ‌غش

از دست رفتن بینایی بر اثر رسیدن بیش‌ازحد خون به مغز در حرکات شتاب‌دار و روبه‌پایین هواگرد

crew red out

سرخ‌غش خدمه

حالتی که در آن خدمه هواگرد دچار سرخ‌غش می‌شوند

pilot red out

سرخ‌غش خلبان

حالتی که در آن خلبان هواگرد دچار سرخ‌غش می‌شود

occupied territory

سرزمین اشغالی

سرزمینی که تحت اختیار و واپایش مؤثر نیروهای مسلح یک کشور خارجی است و شامل سرزمینی نمی‌شود که از طریق عقد قرارداد با مقامات غیرنظامی یا در پی موافقت‌نامه‌های صلح اداره می‌شود

tachograph

سرعت‌نگار

دستگاه نصب‌شده بر روی وسایل نقلیه عمومی مسافربر بین شهری، از قبیل اتوبوس و مینی‌بوس و سواری که به‌وسیله سه سوزن، سرعت و ساعت و مسافت طی‌شده را بر روی صفحه مدور ثبت می‌کند

speed gun

سرعت‌یاب

وسيله‌ای به شکل دوربین فیلم‌برداری یا تپانچه که به صدای موتور و خروجی آگزوز حساس است و با نشانه گرفتن آن به سمت وسیله نقلیه می‌توان سرعت آن را تعیین کرد

identity theft

سرقت هویت

سرقت اطلاعات مهمی از قبیل شماره کارت ملی و گواهینامه رانندگی و رمز کارت اعتباری برای کسب اعتبار و خرید کالا و دیگر خدمات

space asset

سرمایه فضایی

هریک از بخش‌های سامانه فضایی به‌تنهایی، اعم از تجهیزات فضایی مانند ماهواره یا موشک و تجهیزات زمینی، مانند زیرساخت‌های پشتیبانی‌کننده

strategic level of war

سطح راهبردی جنگ

یکی از سطوح تصمیم‌گیری درباره جنگ که در آن اهداف ناظر بر امنیت ملی یک کشور تعیین می‌شود

operational level of war

سطح عملیاتی جنگ

سطحی از جنگ که در آن لشکرکشی و جابه‌جایی نیروها و عملیات عمده طراحی و هدایت می‌شود

radar cross section

سطح مقطع راداری

سطحی از یک بازتابنده فرضی امواج الکترومغناطیسی که همان مقدار انرژی گسیل شده از رادار را به سمت رادار، به‌عنوان هدف واقعی، بازمی‌تاباند

RCS

اِخْتِـ. سَمَر

airdrop platform

سکوی بارگیری

محلی که در آن محموله‌ها یا تجهیزات و وسایل نقلیه بارگیری می‌شود

launch pad

سکوی پرتاب

منطقه‌ای صاف و سخت، معمولاً سیمانی، که پرتابگر موشک بر روی آن قرار دارد

سکوی ثابت جمع‌آوری ← سکوی ثابت جمع‌آوری اطلاعات

fixed collection platform

سکوی ثابت جمع‌آوری اطلاعات

تجهیزاتی بر روی زمین که به‌صورت ثابت، اخبار و اطلاعات مربوط به موضوعی خاص از دشمن را به‌طور نظام‌مند گردآوری و گزینش می‌کند

مـتـ. سکوی ثابت جمع‌آوری

سکوی زمینی جمع‌آوری اطلاعات،

سکوی زمینی جمع‌آوری

ground collection platform

سکوی جمع‌آوری ← سکوی جمع‌آوری اطلاعات

collection platform

سکوی جمع‌آوری اطلاعات

محلی که در آن اطلاعات مربوط به دشمن جمع‌آوری می‌شود

مت. سکوی جمع‌آوری

سکوی زمینی جمع‌آوری ← سکوی ثابت جمع‌آوری اطلاعات

سکوی زمینی جمع‌آوری اطلاعات ← سکوی ثابت جمع‌آوری اطلاعات

سکوی متحرک جمع‌آوری ← سکوی متحرک جمع‌آوری اطلاعات

mobile collection platform

سکوی متحرک جمع‌آوری اطلاعات

مجموعه‌ای از تجهیزات الکترونیکی که در اتاقکی درون خودرو تعبیه شده است و به صورت متحرک برای گردآوری اطلاعات از دستگاه‌های الکترونیکی و الکترومغناطیسی دشمن در منطقه نبرد به کار می‌رود

مت. سکوی متحرک جمع‌آوری

سکوی هوایی جمع‌آوری ← سکوی هوایی جمع‌آوری اطلاعات

airborne collection platform

سکوی هوایی جمع‌آوری اطلاعات

مجموعه‌ای از تجهیزات الکترونیکی نصب‌شده در داخل هواگرد که برای جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از دستگاه‌های الکترونیکی و الکترومغناطیسی دشمن از بالای میدان نبرد به کار می‌رود

مت. سکوی هوایی جمع‌آوری

weapons control

سلاح‌پایی

نظارت رسمی فرمانده پدافند هوایی منطقه، در سطوح مختلف، بر تمام سلاح‌های پدافند هوایی در منطقه تحت فرماندهی او

directed-energy weapon

سلاح پرتوی

سلاحی که در آن از انرژی پرتوی متمرکز با توان بالا برای صدمه زدن به تجهیزات و حسگرها و تأسیسات دشمن یا انهدام آنها و از بین بردن کارکنان دشمن استفاده می‌شود

سلاح خاص

organic weapon

سلاح خاص

سلاحی که در هر نوبت پرواز عملیاتی مورد نیاز است

sleeper weapon

سلاح خفته

سلاحی که مخفیانه در عمق خاک دشمن قرار می‌دهند تا در صورت ظاهر شدن هدف مورد نظر یا خطر تهدید دشمن، به‌طور خودکار فعال شود

biological weapon

سلاح زیستی

سلاحی که عوامل زیستی را پراکنده و منتشر می‌کند

generic weapon

سلاح عام

سلاحی که در برابر هر نوع سلاحی قابل استفاده باشد، فارغ از میزان کارایی آن

thermobaric weapon

سلاح گرمافشاری

سلاحی که ابتدا به کمک یک خرج کوچک، ابری از غبار انفجاری ایجاد می‌کند و سپس آن را با خرج دوم محترق می‌سازد

thermal gun

سلاح گرمایی

سلاحی که انرژی گرمایی زیادی را به سمت هدف می‌فرستد

weaponneering

سلاح‌گزینی

تعیین تعداد معینی سلاح برای صدمه زدن به یک هدف مشخص با در نظر گرفتن مواردی مانند میزان آسیب‌پذیری هدف و تأثیر سلاح و دقت پرتاب و معیار صدمه و احتمال تخریب

conventional weapon

سلاح متعارف

سلاحی که هسته‌ای، میکربی، شیمیایی یا زیستی نباشد

سلاح‌های ش.م.ه. ← سلاح‌های شیمیایی میکربی هسته‌ای

weapons of mass destruction, WMD

سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح‌هایی از نوع سلاح‌های هسته‌ای و میکربی و شیمیایی و پرتوزا یا انواع دیگر سلاح‌های انفجاری که قدرت کشتار بسیار دارند

hung weapons

سلاح‌های گیرکرده

سلاح‌هایی که خلبان سعی در رهاسازی یا پرتاب آنها دارد، ولی به علت نقص فنی سلاح یا محفظه یا پرتابگر یا سامانه مه‌پاشی و رهاسازی پرتاب نمی‌شوند

nuclear biological and chemical weapons

سلاح‌های شیمیایی میکربی هسته‌ای

جنگ‌افزارها یا تجهیزاتی که توانایی رهایی و پخش و توزیع مواد شیمیایی یا میکربی یا هسته‌ای سمی را دارند و برای کشتار و انهدام جمعی از آنها استفاده می‌شود
اخت. سلاح‌های ش.م.ه.

N.B.C weapons

laser guided weapon

سلاح هدایت لیزری

سلاحی مجهز به جست‌وجوگر انرژی لیزری بازتابنده از هدف که پس از دریافت اشعه لیزر بازتابی و پردازش نشانک‌ها فرمان‌هایی برای هدایت سلاح به سمت هدف به سامانه واپایش صادر می‌کند

chain of command

سلسله‌مراتب فرماندهی

توالی سطوح مختلف فرماندهی که در آن فرمان‌ها و اطلاعات از بالاترین مقام در سلسله‌مراتب سازمانی به رده‌های پایین انتقال می‌یابد

air supremacy

سلطه هوایی

تفوق در رزم هوایی به نحوی که نیروی متخاصم نتواند کوچک‌ترین خللی در روند عملیات هوایی ایجاد کند

trench

سَمَر ← سطح‌مقطع راداری

سنگر

هریک از انواع استحکامات نظامی که از خاک و با جابه‌جایی و چینش آن ساخته می‌شود

casemate

سنگر توپ

موضع یا سنگر بسته و سقف‌دار توپ‌خانه

rifle trench

سنگر جنگ‌افزار

خاکریز ویژه توپ‌خانه که به سرعت ساخته می‌شود

foxhole

سنگر حفره‌روبا

گودال حفرشده‌ای که حکم سنگر یک‌نفره را دارد

slit trench

سنگر گروهی

سنگری کوچک برای ۳ تا ۵ نفر

fleet oilers

سوخت‌رسان ناوگان

ناوی که فراورده‌های نفتی و مهمات را در مسیر حرکت ناوها تأمین می‌کند

سوخت‌گیری ← سوخت‌گیری مجدد

refueling

سوخت‌گیری مجدد

پر کردن دوباره مخزن سوخت هواپیما در آسمان یا زمین یا دریا

مت. سوخت‌گیری

funeral march

سوگ‌آهنگ

قطعهٔ موسیقی حزن‌انگیزی که رزم‌نوازان در مراسمی مانند خاک‌سپاری می‌نوازند

black out

سیاه‌غش

سیاهی رفتن چشم و حالت غش ناشی از اختلال در میزان خون‌رسانی به مغز در حرکت‌های شتاب‌دار و روبه‌بالای هواگرد

crew black out

سیاه‌غش خدمه

حالتی که در آن خدمهٔ هواگرد دچار سیاه‌غش می‌شوند

pilot black out

سیاه‌غش خلبان

حالتی که در آن خلبان هواگرد دچار سیاه‌غش می‌شود

ش

lanyard

شان‌آویز

قیطانی بافته‌شده در رنگ‌های مختلف که به هریک از دو سر رشته‌های آن قطعه‌ای سربی دوخته شده است و روی شانۀ چپ یا راست لباس نظامی بسته می‌شود
* مخفف واژه "شان‌آویز"

radar netting

شبکه‌بندی راداری

پیوند چند رادار به یک مرکز برای تأمین اطلاعات یکپارچه هدف

synthetic theatre of war

شبیه‌ساز جنگ

سامانه پیشرفته شبیه‌سازی که برای افزایش کیفیت آموزش‌های نظامی مشترک و تمرین عملیات و آزمایش به کار می‌رود

electronic target simulation

شبیه‌سازی الکترونیکی هدف

بازسازی دیداری و شنیداری هدف، از نظر نوع عملیات و مؤلفه‌های فنی، برای استفاده در برنامه‌های آموزشی

catapult

شتاب‌افزا

افزاره‌ای برای پرتاب هواپیما با سرعت پرواز از روی عرشه ناو

police use of force

شدت عمل پلیس

استفاده افسر پلیس از نیروی فیزیکی در مواجهه با عضوی از جامعه

shaping

شکل‌دهی

روشی برای کاهش سطح مقطع راداری با تغییر شکل هندسی بدنه هواگرد یا شناور یا جزآن

shoot back

شلیک متقابل

دفاع از تجهیزات فضایی با شلیک به مهاجم

شلیک‌یاب

**countersniper system,
gunshot detection system**

سامانه‌ای که اطلاعات مربوط به منشأ شلیک، مانند زاویه و ارتفاع و بُرد و مختصات سامانه موقعیت‌یاب جهانی، را بی‌درنگ فراهم می‌کند

shore

شمع

الوارهای قابل حمل برای مهار صدمات واردشده به کشتی یا کمک به بر پا نگه داشتن آن در حوض خشک

shoring

شمع‌زنی

قرار دادن جک یا الوار در زیر سازه برای جلوگیری از شکستن یا تکان خوردن یا ثابت نگه داشتن کشتی در حوض خشک

threat characterization

شناخت تهدید

ارزیابی ماهیت و ابعاد و مقاصد مهاجم در حال شکل‌گیری

stealth

شناساگریزی

نوعی فناوری رهگیری که هواگرد را در برابر رادار و پرتو فرسوخ و شناسایی بصری تقریباً نامرئی می‌کند

observables

شناسانه

ویژگی‌های یک شیء یا پدیده که از طریق آنها بتوان آن شیء یا پدیده را شناسایی کرد

countermeasures recognition

شناسندگی پادکنش

احتمال اینکه یک سامانه راداری، هنگامی که در معرض پادکنش قرار می‌گیرد، بتواند نوع پادکنشی را که هدف آن قرار گرفته است به درستی شناسایی کند

tactical call sign

شناسه راهکنش

شناسه‌ای که به نیروهای خودی امکان می‌دهد تا فرماندهی راهکنشی یا تأسیسات ارتباطی راهکنشی را شناسایی کنند

vessel

شناور

وسیله‌ای برای جابه‌جایی افراد یا کالا بر روی آب یا در زیر آن

unmanned underwater vehicle

شناور هدایت‌پذیرازدور

شناوری که می‌تواند در زیر آب حرکت کند و نیاز به هدایت و واپایش مستقیم نیروی انسانی ندارد

UUV

اُخت. - شهپاد

sonobuoy

شناوه صوتی

فرستنده-گیرنده صوتی کوچکی که از هواگرد بر سطح آب رها می‌کنند تا صدای زیردریایی را ردگیری و به هواگرد ارسال کند

life buoy

شناوه نجات

وسیله‌ای شناور برای نجات افرادی که در آب افتاده‌اند

life ring

م. - حلقه نجات

شیرفلکه توازن

dan buoy

شناوه نشان گذار

شناوه‌ای که از آن در عملیات مین‌روبی برای مشخص کردن مسیر یا منطقه مین‌روبی شده استفاده می‌کنند

eavesdropping

شنود

ورود مخفیانه به یک شبکه ارتباطی، اعم از صوتی یا نوشتاری، بدون ایجاد هرگونه تغییر در محتوا یا اختلال در آن

bug

شنودافزار

هریک از افزاره‌های مخفی شنود

debugging

شنودزدایی

عملیات شناسایی و برچیدن شنودافزار از محیط

bugging

شنودگذاری

عملیات نصب شنودافزار

eavesdropper, Eve

شنودگر

شخص یا نهادی که به صورت غیرمجاز به داده‌های یک شبکه ارتباطی دسترسی می‌یابد

شبهپاد ← شناور هدایت‌پذیرازدور

bleed valve

شیر برچین

شیری در موتورهای توربین گازی که خروج هوا را ممکن می‌سازد

kingstone valve

شیرفلکه توازن

هریک از شیرفلکه‌های بزرگ زیردریایی که امکان ورود آب را به مخزن‌های ترازه فراهم می‌کند تا زیردریایی بتواند به عمق فرورود

theatre of operations**صحنهٔ عملیات**

بخشی از صحنهٔ جنگ که فرمانده عملیات برای هدایت و اجرا یا پشتیبانی عملیات رزمی در منطقهٔ جغرافیایی خاص تعیین می‌کند

multinational operation theatre**صحنهٔ عملیات چندملیتی**

بخشی از منطقهٔ جغرافیایی جنگ که فرمانده رزمی برای اجرای مأموریت یا پشتیبانی ویژه تعیین می‌کند؛ این منطقه با توجه به نیروهای مختلف جنگ انتخاب می‌شود

**radar scope,
radar display, radar screen,
radar indicator****صفحهٔ رادار**

نمایشگر رادار که اطلاعات را به صورت تصویری عرضه می‌کند تا کاربر به سهولت بتواند به ارزیابی آن بپردازد

peace keeper

صلح بان

سازمان یا نیرویی که وظیفه آن پایش و تسهیل اجرای موافقت نامه آتش بس و پشتیبانی از تلاش های دیپلماتی برای حل اختلافات سیاسی درازمدت است

peace keeping

صلح بانی

انجام عملیاتی نظامی که با رضایت طرف های درگیر در جنگ برای نظارت بر اجرای یک موافقت نامه طراحی می شود

ejection system

صندلی پران

سامانه ای که صندلی هواپیما را با فرمان خلبان به بیرون از اتاقک خلبان پرتاب می کند

ض

ضامن کردن ← غیرمسلح کردن

counter battery fire

ضدآتشبار

آتشی برای از بین بردن یا خنثی کردن آتش غیرمستقیم سامانه‌های سلاح دشمن

anti-spot jamming

ضداختلال نقطه‌ای

فنی برای کاهش اثر اختلال نقطه‌ای دشمن که بر روی گیرنده‌های امواج الکترومغناطیسی خودی اعمال می‌شود

countersabotage

ضدخرابکاری

اقدام ضداطلاعات به منظور شناسایی یا انهدام یا خنثی‌سازی یا جلوگیری از خرابکاری

ضدشتاب ← لباس ضدشتاب

counterstealth

ضدشناساگریزی

نوعی فناوری که کارایی شناساگریزی را کاهش دهد

ط، ظ

artillery fire plan table

طرح آتش

جدول آماج‌های طرح‌ریزی‌شده، حاوی داده‌های لازم برای شلیک زمان‌بندی‌شده گلوله‌ها

base development plan

طرح توسعه پایگاه

طرح بهبود یا توسعه منابع و تسهیلات یک منطقه یا محل به منظور پشتیبانی از عملیات نظامی

movement plan

طرح جابه‌جایی

در عملیات آب‌خاکی، طرح دریایی برای انتقال نیروی رزمی آب‌خاکی به منطقه هدف

strategic plan

طرح راهبردی

طرحی جامع برای هدایت و اجرای کلی جنگ

deployment planning

طرح‌ریزی استقرار

طرح‌ریزی عملیاتی برای حرکت نیروها و منابع مورد نیاز از موقعیت‌های اصلی به منطقه عملیاتی خاص برای اجرای عملیات مشترک مورد نظر در طرح واگذاری

strategic planning

طرح‌ریزی راهبردی

اقداماتی که ستاد کل نیروهای مسلح یک کشور برای تهیه طرحی راهبردی به منظور یک جنگ تمام‌عیار یا دفاع در مقابل نیروهای متجاوز انجام می‌دهد

force planning

طرح‌ریزی نیرو

تعیین اندازه و ساختار و ویژگی‌ها و محل استقرار یگان‌های مورد نیاز برای پشتیبانی راهبرد ملی - نظامی

operation plan

طرح عملیاتی

طرحی که فرمانده یگان برای ابلاغ تدابیر عملیاتی خود به یگان‌های زیردست و مجاور به کار می‌گیرد تا فرماندهان زیردست بتوانند بر مبنای آن، طرح‌ها یا دستورهای عملیاتی و پشتیبانی خود را آماده کنند

heaving line

طناب‌بر

طنابی سبک که یک سر آن به شکل گلوله است و سر دیگر آن به طناب سنگین‌تر اصلی متصل است و در هنگام پهلوی گرفتن کشتی سر گلوله‌شکل را به اسکله پرتاب می‌کنند و طناب اصلی را با آن به اسکله می‌کشند

destretch

طول‌کاهی

کاهش طول بدنه هواگرد ترابری برای تولید نسخه‌ای جدید از آن

airlift capability

ظرفیت حمل‌ونقل هوایی

ظرفیت سامانه حمل‌ونقل هوایی هنگامی که از ظرفیت کامل خود از نظر تعداد مسافران و وزن و جابه‌جایی محموله در هر نوبت، به یک مقصد مشخص استفاده کند

agent**عامل**

کسی که برای به دست آوردن اطلاعات و انجام امور اطلاعاتی یا ضداطلاعاتی آموزش دیده باشد

human factor**عامل انسانی**

مجموعه ویژگی‌های روان‌شناختی و فرهنگی و رفتاری و سایر خصوصیات افراد یا گروه‌های اجتماعی که بر تصمیم‌گیری‌ها و انتشار اطلاعات و تفسیر داده‌ها در جامعه اثر می‌گذارد

defoliating agent**عامل برگ‌ریز**

ماده‌ای شیمیایی که باعث ریزش زودرس برگ گیاهان می‌شود

biological agent**عامل زیستی**

ریزاندامگان‌هایی که باعث بیماری در افراد و گیاهان و حیوانات می‌شوند

retirement**عقب‌روی**

نوعی عملیات پدافندی که در آن نیرویی که با دشمن درگیر نیست به سمت عقب حرکت می‌کند

withdrawal**عقب‌نشینی**

نوعی عملیات پدافندی که در آن نیروی درگیر با دشمن از ادامه درگیری پرهیز می‌کند و از دشمن فاصله می‌گیرد

amphibious withdrawal

عقب‌نشینی آب‌خاکی

نوعی عملیات آب‌خاکی که در آن نیروها از ساحل دشمن یا دشمن بالقوه خارج می‌شوند

withdrawal by air

عقب‌نشینی هوایی

عقب‌نشینی یگان‌های هوایی برای تغییر موضع سریع نیروها یا خاتمه دادن به عملیات که معمولاً تحت فشار دشمن آغاز نمی‌شود؛ در این نوع عقب‌نشینی، بزرگ‌ترین یگان، گردان است

operation

عملیات

۱. اقدام نظامی یا اجرای مأموریت نظامی در حوزه‌های راهبردی، عملیاتی، راهکنشی، خدماتی، آموزشی یا اداری ۲. فرایند ادامه رزم شامل حرکت و آماد و تک و پدافند و رزمایش برای رسیدن به اهداف مطلوب در هر نوع نبرد یا لشکرکشی

amphibious operation

عملیات آب‌خاکی

حمله دریا به خشکی نیروهای زمینی و دریایی به مواضع دشمن با ناوها و شناورهای نیروبر

overt operation

عملیات آشکار

عملیاتی که بدون پنهان‌کاری انجام می‌شود

clearing operation

عملیات پاک‌سازی

عملیاتی برای پاک کردن مسیر یا منطقه از مین

radiological operation

عملیات پرتوی

عملیاتی که در آن از مواد یا تابش‌های پرتوزا برای آسیب رساندن به دشمن یا محدود کردن او در منطقه عملیات استفاده می‌کنند

covert operation

عملیات پنهان

عملیاتی که هویت افراد یا سازمان اجراکننده آن پوشیده نگه داشته می‌شود یا امکان انکار آن وجود دارد

delaying operation

عملیات تأخیری

نوعی عملیات پدافندی که در آن نیروی تحت فشار با کند کردن حرکت دشمن و واگذار کردن زمین به او، زمان کافی را برای وارد کردن بیشترین ضربه به دشمن به دست می‌آورد

multinational operation, allied countries operation, allied forces operation

عملیات چندملیتی

عملیاتی که نیروهای نظامی دو یا چند کشور برای اجرای مأموریتی مشترک در یک منطقه انجام می‌دهند

psychological operations

عملیات روانی

شیوه‌ای برای القای واکنش مورد نظر در مخاطب

consolidation psychological operations

عملیات روانی تحکیمی

نوعی عملیات روانی با هدف تأثیرگذاری بر جمعیت خودی ساکن در منطقه عملیاتی یا در منطقه تحت نظارت دشمن، برای تسهیل عملیات و جلب حداکثر همکاری مردمی

biological operation

عملیات زیستی

عملیاتی با استفاده از عوامل زیستی برای وارد آوردن خسارت به افراد یا حیوانات یا گیاهان

network-centric operations

عملیات شبکه‌مدار

مجموعه عملیاتی که در آن حسگرهای سامانه فرماندهی و واپایش و تسلیحاتی به یکدیگر متصل می‌شوند و در عملیات رزمی مانند شبکه‌ای یکپارچه عمل می‌کنند

peace operations, PO

عملیات صلح

رشته‌عملیاتی‌هایی در حمایت از فعالیت‌های دیپلماتی برای برقراری و حفظ صلح

peace keeping operations

عملیات صلح‌بانی

عملیاتی نظامی که با رضایت طرف‌های درگیر در جنگ برای نظارت بر اجرای یک موافقت‌نامه انجام می‌شود

counterpropaganda operations

عملیات ضدتبلیغ

نوعی عملیات روانی که در آن تبلیغات منفی دشمن شناسایی می‌شود و با افزایش وضعیت آگاهی، از تأثیر آن بر مردم و نیروهای نظامی خودی جلوگیری می‌شود

countermobility operations

عملیات ضدتحرک

عملیاتی برای ساخت موانع یا ایجاد میدان مین به منظور به تأخیر انداختن یا مختل کردن فعالیت دشمن و نابودی آن

space-control operations

عملیات فضابانی

عملیاتی که آزادی عمل در فضا را برای نیروهای خودی فراهم می‌کند و عرصه را برای دشمن تنگ می‌کند

joint operations

عملیات مشترک

عملیاتی که دو یا چند نیرو از نیروهای مسلح یک کشور انجام می‌دهند

countermine operation

عملیات مین‌زدایی

عملیاتی که برای کاهش یا رفع تأثیر مین‌ها یا میدان‌های مین انجام می‌شود

military operation other than war, MOOW

عملیات نظامی غیرجنگی

عملیاتی شامل استفاده از امکانات نظامی که در گستره‌ای پایین‌تر از سطح جنگ متعارف به اجرا درمی‌آید

intruder operations

عملیات نفوذ

عملیات تهاجمی بر فراز خاک دشمن با هدف انهدام هواگردهای مستقر در پایگاه‌های او

airborne operation

عملیات هواپرد

عملیاتی شامل نقل‌وانتقالات هوایی در منطقه‌ای مشخص که نیروهای رزمی در آن قرار دارند و حمایت آماد و پشتیبانی از آنها برای اجرای مأموریت راهکنشی یا عملیاتی یا راهبردی

air mobility element, AME

عنصر تحرک هوایی

شاخه‌ای از فرماندهی متحرک مرکز واپایی سوخت‌بری هوایی که با اعلام درخواست فرمانده رزم جغرافیایی، هواپیمای سوخت‌بر را به منطقه مورد نظر اعزام می‌کند

task element

عنصر رزمی

فردی از یگان رزمی که فرمانده یگان رزمی یا مقام بالاتر او را هدایت می‌کند

fault masking

عیب‌پوشانی

پوشاندن و تصحیح هم‌زمان خطاهای ایجادشده

burn in

عیب‌پویی

روشن نگه داشتن تجهیزات یا اجزای آنها پیش از عرضه محصول یا عملیاتی شدن سامانه برای تثبیت ویژگی‌ها و تشخیص خرابی اولیه

fault tolerance

عیب‌تابی

توانایی پردازشگر در حفظ کارایی، پس از خرابی برخی از زیرسامانه‌های آن

fault recovery

عیب‌زدایی

تصحیح سامانه و بازگرداندن آن به وضعیت قابل قبول برای تداوم عملیات

fault diagnosis

عیب‌کاوی

یافتن و شناسایی پودمان معیوبی که موجب خطایی معین می‌شود

مت. تشخیص عیب

fault containment

عیب‌مهراری

جلوگیری از انتشار اطلاعات غلط یا زیانبار در سامانه، پس از بروز اولین عیب و پیش از شناسایی آن

troubleshooter

عیب‌یاب

دستگاه یا فردی که عیب یا اشکال موجود در یک وسیله یا سامانه را جست‌وجو و شناسایی می‌کند

troubleshooting

عیب‌یابی

فرایند یافتن و نشان دادن اشکال یا عیب موجود در سامانه‌های الکترونیکی

غ

**de-arming,
safing**

غیر مسلح کردن

تغییر وضعیت سلاح یا مهمات از حالت آماده به آتش به حالت ضامن
مت. ضامن کردن

civil

غیر نظامی

۱. شهروندی که جزو نیروهای مسلح نیست ۲. آنچه با نیروهای مسلح ارتباط مستقیم ندارد

ف

**range ring,
range marker**

فاصله‌نما

دایره یا کمانی که در صفحه نمایش نشانگر، موقعیت راداری فاصله هدف را نشان می‌دهد

laser range finder

فاصله‌یاب لیزری

وسیله‌ای که در آن از امواج لیزری برای تعیین مسافت بین سلاح لیزری و هدف استفاده می‌شود

ranging

فاصله‌یابی

تعیین فاصله هدف به روش‌های گوناگون، از روش‌های دستی گرفته تا استفاده از رادار

laser range finding

فاصله‌یابی لیزری

بهره‌برداری از تابش لیزری به منظور تعیین مسافت بین سلاح لیزری و هدف

hyper war

فراجنگ

جنگ بسیار سریع و مهارنشده

targeting process

فرایند تعیین هدف

فرایندی برای انتخاب هدف و یافتن پاسخ‌های مناسب با در نظر گرفتن نیازمندی‌ها و توانمندی‌های عملیاتی

فرماندهی تحرک هوایی

base commander

فرمانده پایگاه

افسری که به فرماندهی پایگاه منسوب شده است

executive officer

فرمانده دوم

افسری که در یگان‌های شناور مسئول امور اجرایی، به‌ویژه امور انضباطی است و در غیاب فرمانده نیز، چنانچه دستور دیگری صادر نشده باشد، عهده‌دار وظایف اوست

acting executive officer

فرمانده دوم موقت

ارشدترین افسر که در غیاب فرمانده دوم مسئولیت امور وی را بر عهده دارد

**multinational operation
commander**

فرمانده عملیات چندملیتی

فرمانده رزمی که از سوی یک کشور برای فرماندهی نیرو در صحنه عملیات چندملیتی منصوب می‌شود

tactical air commander

فرمانده هوایی راهکنشی

افسری که در هنگام عبور از ساحل، به نیابت از فرمانده نیروهای پیاده‌شونده، مسئولیت واپایش و هماهنگی عملیات هوایی را در منطقه فرماندهی عملیات نیروهای پیاده‌شونده بر عهده دارد

base command

فرماندهی پایگاه

منطقه‌ای شامل یک پایگاه نظامی یا گروهی از پایگاه‌های نظامی که تحت امر یک فرمانده نظامی سازماندهی شده است و ممکن است زمینی یا هوایی یا دریایی باشد

فرماندهی تحرک هوایی

air mobility command, AMC

فرمانده نیروی هوایی که یکی از اعضای فرماندهی ترابری است

centralized control

فرمان متمرکز

وضعیتی در پدافند هوایی که در آن دستورها مستقیماً از رده‌های بالای فرماندهی به یگان‌های آتشبار صادر می‌شود

decentralized control

فرمان نامتمرکز

وضعیتی در پدافند هوایی که در آن رده بالاتر اقدامات واحدهای تحت امر را فقط در موارد ضروری پایش می‌کند

military landing zone

فرودراه نظامی

باریکه‌ای برای فرود هواگرد که منحصراً برای آموزش نیروهای نظامی به کار گرفته می‌شود

forward-looking infrared, FLIR

فروسرخ جلونگر

حسگر فروسرخ هواپایه که برای جمع‌آوری اطلاعات و فراهم آوردن امکانات بهتر برای خلبان جهت پرواز در شب و در شرایط جوئی نامساعد مورد استفاده قرار می‌گیرد

adjutant

فَریار

افسری که فرماندهان عالی‌رتبه را در امور مختلف، برای پیشبرد وظایف آنان یاری می‌کند

deception

فربیب

اقداماتی برای گمراه کردن دشمن و وادار کردن او به انجام واکنشی مغایر با منافعش از طریق دستکاری و تحریف اطلاعات

diversionary device

فربیب‌افزار

نوعی افزاره آتش‌زای پرتابی که در هنگام انفجار، با صدای بلند و نور خیره‌کننده‌ای که تولید می‌کند، فرد یا افراد حاضر در محل انفجار را گیج و سردرگم می‌کند

electronic deception

فرب الکترونیکی

اقداماتی شامل تابش، بازتابش، جایگزینی، پنهان‌سازی، جذب، انکار، تقویت یا بازتاب انرژی الکترومغناطیسی برای آنکه اخبار و اطلاعات الکترونیکی همراه‌کننده به سمت دستگاه‌های الکترونیکی و الکترومغناطیسی دشمن یا سامانه‌های سلاح‌هایی که به امواج الکترونیکی یا مدارهای الکترونیکی وابسته‌اند، فرستاده شود یا طوری عمل شود که دشمن به اخبار و اطلاعات معتبر دسترسی پیدا نکند

decoy

فربگیر

بدل یک شخص یا شیء یا پدیده که هدف آن فرب تجهیزات مراقبتی و جاسوسی دشمن یا همراه کردن عملیات ارزیابی آنهاست

expendable decoy

فربگیر یک‌بارمصرف

فربگیری که از هواگرد پرتاب می‌شود و پس از ایجاد هدف‌های کاذب در صفحه رادار دشمن بی‌استفاده می‌شود

compressor discharge pressure

فشار تخلیه فشرده‌ساز

فشار هوای تخلیه‌شده‌ای که در حالت روشن در قسمت پخش‌کن جریان دارد

فشار روانی رزمی - عملیاتی

combat and operational stress

فشار روانی ناشی از رخداد‌های تنش‌زا در هنگام عملیات نظامی جنگی یا غیرجنگی که باعث واکنش‌های عاطفی و فکری و جسمی و رفتاری قابل‌پیش‌بینی در نیروهای نظامی می‌شود

compressor inlet pressure

فشار ورودی فشرده‌ساز

فشار هوای ورودی جریان‌یافته در ردیف نخست یا ورودی فشرده‌ساز در حالت روشن

compressor

فشرده‌ساز

قسمتی از موتور توربین گازی که فشار هوای جاری را افزایش می‌دهد

centrifugal flow compressor

فشرده‌ساز مرکز‌گریز

نوعی فشرده‌ساز در موتورهای توربین گازی با پروانه‌های پیچی

axial flow compressor

فشرده‌سازی محوری

نوعی فشرده‌ساز در موتورهای توربین گازی که در آن هوا مستقیم و موازی با محور فشرده‌ساز عبور می‌کند

space control

فضابانی

عملیاتی برای دست یافتن به برتری فضایی و حفظ آن از طریق کمک به نیروهای خودی در بهره‌برداری از توانمندی‌های فضایی و جلوگیری از توسعه امکانات و اقدامات مشابه دشمن

spacetrack

فضاردیاب

سامانه جهانی حسگرهای راداری و اپتیکی و رادیوسنجشی که تمامی اجسام انسان‌ساخت را در مدار زمین شناسایی و ردیابی و ثبت می‌کند

space qualified

فضاکارا

ویژگی تجهیزاتی که از آنها برای پشتیبانی الکترونیکی و مکانیکی و زیست‌محیطی مورد نیاز در پرتاب و ارسال ماهواره یا سامانه‌های پروازی ارتفاع بالا استفاده می‌کنند

psychological activities

فعالیت‌های روانی

اقداماتی که در زمان صلح یا در مناطق بیرون از صحنه جنگ برای دستیابی به اهداف و تحقق سیاست‌های ملی صورت می‌گیرد تا بر افکار و احساسات و نگرش و رفتار نیروهای دشمن یا افراد بی‌طرف یا دوستان خارجی تأثیر مطلوب بگذارد

consolidation psychological activities

فعالیت‌های روانی تحکیمی

فعالیت‌های روانی برنامه‌ریزی شده در منطقه عملیات نظامی به منظور تأثیرگذاری بر افراد غیرنظامی در مناطق زیر نظر نیروهای خودی برای ایجاد بستر روانی مناسب در جهت دست یافتن به اهداف نظامی

technocrime

فن جرم

اقدامی مجرمانه که در ارتکاب آن از فناوری‌های جدید و پیشرفته استفاده شود

electronic countermeasures techniques, ECM techniques

فنون اقدامات ضدالکترونیکی

فنونی برای اختلال و سردرگمی و فریب سامانه‌های الکترونیکی دشمن تا سامانه‌های خودی بتوانند به عملیات خود ادامه دهند

electronic support measures techniques, ESM techniques

فنون پشتیبانی جنگ الکترونیکی

فنونی برای تجسس و ردگیری و تشخیص و تعیین فرستنده‌های الکترومغناطیسی دشمن با هدف شناسایی فوری تهدیدات آنها

meaconing techniques

فنون گمراه‌سازی ناوبری

فنونی که با استفاده از آنها نشانک‌های ارسالی از دستگاه هدایت رادیویی دریافت می‌شود و با تغییر زاویه، برای فریب خلبان، دوباره به سمت آن فرستاده می‌شود

guarded frequencies list

فهرست بسامدهای حفاظت‌شده

فهرست حاوی بسامدهای مورد استفاده سامانه‌های دشمن که نیروهای خودی از آنها بهره‌برداری اطلاعاتی می‌کنند

target nomination list

فهرست تعیین هدف

فهرست هدف‌هایی که مقام ارشد فرماندهی یا هیئت‌گزینش هدف برای درگیری و انهدام انتخاب کرده است

ق

life boat

قایق نجات

قایق آماده‌ای که به امکانات نجات در شب و روز مجهز است و می‌توان آن را به‌سرعت به آب انداخت

cannibalization

قطعه‌برداری

خارج کردن قطعات قابل‌استفاده از یک دستگاه برای نصب آن در دستگاه دیگر

break lock

قفل‌شکنی

وضعیتی که در آن حسگر یا ماسوره هدف‌جو (homing fuze) هدفی را که بر روی آن قفل‌گذاری شده بوده است، گم می‌کند

lock on

قفل‌گذاری

وضعیت هریک از سامانه‌های ردیاب یا هدف‌یابی که به‌طور مداوم و خودکار، هدفی را با استفاده از یک یا چند مؤلفه ردیابی می‌کند

aircraft arresting hook

قلاب بازدار هواپیما

قلابی در انتهای هواپیما که با بافه بازدار درگیر می‌شود و هواپیما را متوقف می‌سازد

crater

قیف انفجار

فرورفتگی یا گودالی که بر اثر انفجار در سطح زمین ایجاد می‌شود و بسته به بزرگی و عمق انفجار، شکل بشقابی یا مخروطی دارد

ک

کابل بازدار هواپیما ← بافه بازدار هواپیما

trench knife

کارد سنگری

کاردی مخصوص سربازان مستقر در سنگر

Adjutant General's Corps

کارگزینی

بخشی از ستاد نیروهای مسلح که مجری طرح‌های مربوط به مدیریت نیروهای انسانی است
* مصوب فرهنگستان اول

radar cross section reduction, RCS reduction کاهش سطح مقطع راداری

کاستن از سطح مقطع راداری یک جسم با استفاده از فنون و روش‌های مختلف

RCS reduction

اخت. کاهش سَمَر

کاهش سَمَر ← کاهش سطح مقطع راداری

decoy ship

کشتی فریبگر

نوعی کشتی یا ناو استتار شده، با انواع سلاح‌ها و تجهیزات جنگی، که به صورت یک کشتی غیررزمی ظاهر می‌شود و به سرعت می‌تواند به صورت ناو جنگی وارد عملیات شود

conflict

کشمکش

نزاع مسلحانه یا برخورد بین دو ارتش منظم یا بین اقوام یک کشور برای دستیابی به هدف‌های محدود سیاسی یا نظامی

grand strategy

کلان‌راهبرد

علم و فن توسعه و به‌کارگیری امکانات دیپلماتی و اقتصادی و اطلاعاتی یک کشور و نیز امکانات نظامی آن در زمان صلح یا جنگ برای دست یافتن به اهداف ملی

reentry vehicle, RV

کلاهک بازآ

کلاهکی که در مرحله آخر پرواز موشک در مسیر پرتابش یا پرتابشی رها می‌شود

maneuverable reentry vehicle, MaRV

کلاهک بازآی جولان‌پذیر

کلاهکی که قادر به جولان از پیش‌طرح‌ریزی شده در حین پرواز در مرحله بازورود است

کلاهک بازآی مستقل چندگانه

multiple independent reentry vehicle, MIRV

مجموعه‌ای از وسایل بازگشتی که هریک دارای چند کلاهک است و در یک موشک پرتابشی حمل می‌شود

fragmentation warhead

کلاهک ترکش‌زا

کلاهکی که پس از انفجار، اشیای جامد و ریزی از آن رها می‌شود و باعث انهدام یا آسیب هدف می‌شود

warhead mating

کلاهک‌گذاری

نصب کلاهک به بدنه موشک یا اژدر یا هواپیما

broach warhead

کلاهک نفوذگر

نوعی بمب یا موشک با دو کلاهک به‌هم‌پیوسته برای نفوذ به بدنه زره یا سازه مستحکم

کوته پاس

کمانی ← اثر انگشت کمانی

ambush

کمین

نوعی تک غافلگیرکننده با اجرای آتش از مواضع پنهان علیه ستون‌های متحرک یا موقتاً ثابت دشمن

dog watch

کوته پاس

هریک از دو نوبت نگهبانی دوساعته از ساعت ۴ تا ۶ یا ۶ تا ۸ بعدازظهر که برای چرخش ساعات دسته‌های نگهبانی برنامه‌ریزی می‌شود

گی

tear gas

گاز اشک‌آور

ماده‌ای که به‌طور موقت چشم‌ها را به‌شدت ملتهب می‌کند و سبب ریزش اشک می‌شود

march

گام‌آهنگ

قطعه‌ای موسیقی که با ضرب نواخته می‌شود و برای برگزاری رژه طراحی شده است

bombing run

گام بمباران

بخشی از عملیات پروازی شامل شروع عملیات و یافتن هدف و رسیدن به نقطه رهاسازی بمب

battalion

گردان

یگانی راهکنشی که از یک ستاد فرماندهی و دو یا چند گروهان یا گروهان آتشبار و واحدهای کوچک‌تر تشکیل می‌شود

squadron¹

گردان هوایی

یگان هوایی در هریک از نیروهای نظامی، اعم از هوایی و دریایی و زمینی

overcoat

گرم‌پوش

نوعی لباس گرم که نظامیان در فصل سرما بر روی لباس‌های دیگر می‌پوشند و بالاتنه را می‌پوشاند

group

گروه^۱

یگانی راهکنشی و اداری انعطاف‌پذیری که از دو یا چند گردان تشکیل می‌شود و شامل یگان‌های پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی نیز هست

گروه^۲ ← جوخه

amphibious group

گروه آب‌خاکی

بخشی از نیروی آب‌خاکی که با هدایت یک فرمانده، عملیات آب‌خاکی مشخصی را انجام می‌دهند

company

گروهان

یگانی نظامی که از دو یا چند دسته تشکیل شده است

platoon sergeant

گروه‌بان دسته

درجه‌داری ارشد در نیروی زمینی که جایگاهی بالاتر از گروه‌بان یکم و پایین‌تر از استوار یکم دارد

**boarding party,
boarder**

گروه تفتیش

گروهی از نیروهای نظامی یا انتظامی که برای تصرف یا بازرسی، وارد شناور مشکوک می‌شوند

movement group

گروه جابه‌جایی

مجموعه‌ناوها و نیز یگان‌های بارگیری شده که عازم محل قرار در منطقه هدف می‌شوند

task group

گروه رزمی

در نیروی دریایی، بخشی از نیروی رزمی که فرمانده نیرو یا مقامی بالاتر آن را سازماندهی و هدایت می‌کند

tactical deception group

گروه فریب راهکنشی

سازمانی رزمی که عملیات فریب دشمن را به روش‌های الکترونیکی و ارتباطاتی و بصری برای ارائه اطلاعات غلط به دشمن طراحی می‌کند

movement control team

گروه واپایش جابه‌جایی

یگان‌هایی که به‌طور غیرمتمرکز مسئولیت‌های جابه‌جایی شامل هدایت و نظارت بر کارکنان و تجهیزات و نیز هماهنگی انتقال سوخت و آب را به‌صورت منطقه‌ای یا در نقاط کلیدی مسیر بر عهده دارند

computer emergency response team

گروه واکنش اضطراری رایانه‌ای

گروهی از کارشناسان رایانه‌ای نظامی که برای مقابله با تهاجم رایانه‌ای دشمن و تداوم حداقلی عملیات فعالیت می‌کنند

CERT

اِخت. گوار

airlift coordination cell

گروه هماهنگی حمل‌ونقل هوایی

گروهی در داخل مرکز عملیات هوایی که وظیفه آن طرح‌ریزی و هماهنگی و مدیریت و اجرای عملیات حمل‌ونقل هوایی در منطقه عملیاتی موردنظر است

evasion and escape

گریز و فرار

عملیاتی که خروج نیروهای نظامی را از مناطق دشمن یا مناطق تحت نظر او ممکن می‌سازد

night watch

گشت شب

شکل اولیه گشت پلیس در شهرها

corvette

گشت‌ناو

نوعی کشتی جنگی کوچک مجهز به سلاح‌های سبک که توان جولاندهی آن بسیار زیاد است و از پاس‌ناو کوچک‌تر و از ناوچه گشتی بزرگ‌تر است

directed patrol

گشت هدفمند

گشتی که بر تحلیل علمی و ارزیابی شگردها و فنون ناظر بر آنها استوار است و با آن می‌توان بهره‌وری گشت را افزایش داد

combat air patrol, CAP

گشت هوایی رزمی

گشتی که هواپیما در یک قلمرو هوایی خاص یا منطقه پدافندی برای رهگیری و انهدام هواپیماهای متخاصم، قبل از رسیدن آنها به اهداف خودی، انجام می‌دهد

rescue combat air patrol

گشت هوایی رزمی نجات

گشت یک هواپیما که به منظور رهگیری و انهدام هواپیماهای دشمن بر روی منطقه هدف تجسس و نجات رزمی پیش‌بینی شده است و مأموریت اصلی آن حفاظت از گروه‌های رزمی تجسس و نجات در هنگام عملیات بازیابی است

meaconing

گمراه‌ساز ناوبری

سامانه دریافت نشانک‌های دستگاه هدایت رادیویی و ارسال مجدد آنها با همان بسامد، با هدف فریب دشمن و ایجاد اختلال در ناوبری او

گوار ← گروه واکنش اضطراری رایانه‌ای

گهر ← گیرنده هشدار راداری

entanglement¹

گیرانداز

تور خاصی که پلیس ضدشورش از آن برای متوقف ساختن خودرو یا به دام انداختن تظاهرکنندگان استفاده می‌کند

گیراندازی هدف

target capture

گیراندازی هدف

تشخیص و شناسایی و موقعیت‌یابی هدف در حال پرواز

intercept receiver

گیرنده شنود

گیرنده‌ای برای شناسایی و ارسال صوت و تصویر با استفاده از نشانک‌های الکترومغناطیسی

radar warning receiver

گیرنده هشدار راداری

گیرنده‌ای پهن‌بند که اطلاعاتی مانند نوع رادار و مشخصات و جهت فعالیت نشانک رادار رهگیری شده را به

دست می‌دهد

RWR

اخت. گهر

ل

**anti-G suit,
pressure suit**

لباس ضدشتاب

لباسی که خلبان و خدمه پرواز برای خنثی کردن آثار شتاب مثبت می‌پوشند
مت. ضدشتاب

division¹

لشکر

یگانی راهکنشی که دارای تجهیزات و تسلیحات لازم برای اجرای عملیات رزمی است و بزرگ‌تر از تیپ یا هنگ و کوچک‌تر از سپاه است

campaign

لشکرکشی

رشته عملیات متوالی که با هدف شکست دادن دشمن در زمان و منطقه‌ای معین انجام می‌شود و از ویژگی‌های آن تمرکز بر شیوه جابه‌جایی نیرو، فریب دشمن، پشتیبانی خدمات رزمی، اجرای عملیات روانی و توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی است

laser shield

لیزرگیر

محفظه یا پرده یا عینک یا هر وسیله‌ای که اثر انرژی لیزری را بر هدف، اعم از دستگاه و مدار و موجود زنده، کاهش می‌دهد

self-destroying fuse, self-detonating fuse ماسوره خودانهدامی

ماسوره‌ای برای انفجار و انهدام مرمی یا گلوله یا موشک پیش از اصابت به هدف

boresafe fuse ماسوره ضامن‌دار

ماسوره‌ای که ضامن آن مانع انفجار گلوله پیش از خروج از دهانه لوله می‌شود

agent provocateur, inciting agent, provocateur مأمور تحریک

فردی که برای شناسایی و دستگیری افراد مستعد ارتکاب جرم سیاسی یا اجتماعی وارد جمع آنها می‌شود و آنها را به ارتکاب جرم ترغیب می‌کند

mission capable مأموریت‌پذیر

ویژگی هواگردی که از امکانات و تجهیزات لازم برای انجام مأموریت برخوردار است

strategic mission مأموریت راهبردی

مأموریتی که علیه یک یا چند هدف دشمن انجام می‌شود و منظور از آن در هم شکستن توان نظامی و اراده جنگ‌افروزی دشمن است

survivability

مانایی

وضعیتی که در آن هم‌زمان با حفاظت از کارکنان و سلاح‌ها و تجهیزات، به ایستادگی در برابر دشمن و فریب او می‌پردازند

entanglement^۲

مانع

هریک از موانع ایذایی که در مقابل خاکریزها یا ورودی سازه‌های ساده‌نظامی برای تأخیر در ورود مهاجمان قرار می‌دهند

ماهراه ← مرکز واپایش هوایی راهکنشی

capital satellite

ماهواره اصلی

ماهواره‌ای که در مقایسه با دیگر ماهواره‌ها کارایی و نقش بیشتری دارد و ساخت آن هزینه بالاتری می‌طلبد

truce

متارکه جنگ

توقف موقت مخاصمه و تمامی اقدامات جنگی با توافق طرفین

movement credit

مجوز جابه‌جایی

مجوزی که به یک یا چند وسیله نقلیه داده می‌شود تا تحت نظارت و در زمان مقرر، براساس دستورعمل جابه‌جایی، در مسیری مشخص حرکت کنند

movement restriction

محدودیت جابه‌جایی

محدودیتی که به‌طور موقت بر تردد در داخل یک منطقه و خارج از آن اعمال می‌شود تا از ازدحام جلوگیری شود یا ازدحام موجود برطرف شود

bomb site, bombing site, bombarded site

محل بمباران

منطقه‌ای که ساختمان‌های آن را بمب ویران کرده است

axis of advance

محور پیشروی

مسیری که برای واپایش عملیات تعیین می‌شود و اغلب شامل یک یا چند جاده مشخص است

brigade axis of advance

محور پیشروی تیپ

مسیرهای تعیین شده در منطقه عمل تیپ که در آن یگان‌های تابعه تیپ به سمت دشمن پیشروی می‌کنند

battalion axis of advance

محور پیشروی گردان

مسیرهایی که در آن گروهان رزمی یا گروه‌های رزمی گروهانی به سمت دشمن پیشروی می‌کنند

division axis of advance

محور پیشروی لشکر

مسیرهای مشخص شده در طرح عملیاتی لشکر که براساس آن تیپ‌های تابعه لشکر به سمت دشمن پیشروی می‌کنند

information sharing environment

محیط اشتراک اطلاعات

محیطی که در آن اطلاعات مورد نیاز عوامل و سازمان‌های خودی به اشتراک گذاشته می‌شود
مت. محیط مشارکت اطلاعاتی

radiological environment

محیط پرتوزده

فضای موجود در منطقه‌ای که آلوده به تابش پرتوی است

theatre strategic environment

محیط راهبردی صحنه

منطقه جغرافیایی مشخص زمین یا دریا و فضای بالای آن که در آن عملیات راهبردی اجرا می‌شود

operational environment

محیط عملیات

مجموعه شرایط و پیشامدها و عوامل ناخواسته‌ای که بر تصمیم‌های فرمانده یگان در نحوه به‌کارگیری نیروهای نظامی اثر می‌گذارد

biological environment

محیط عملیات زیستی

منطقه‌ای که مورد حمله سلاح‌های زیستی قرار گرفته است

محیط مشارکت اطلاعاتی ← محیط اشتراک اطلاعات

loiter time

مدت پرسه‌زنی

مدت‌زمانی که موشک پرسه‌زن، پس از خاموش شدن امواج رادار هدف، پرسه‌زنی می‌کند

combat surveillance

مراقبت رزمی

دیدبانی منطقه نبرد و نظارت نظام‌مند و مداوم بر آن برای تهیه به موقع اطلاعات برای فرمانده عملیات رزمی راهکنشی

ghost surveillance

مراقبت نامحسوس

مراقبت محتاطانه و فراگیر دور از دید هدف مورد نظر

movement phase

مرحله جابه‌جایی

در عملیات آب‌خاکی، مدت‌زمانی که در طی آن، عناصر مختلف نیروی آب‌خاکی از نقطه بارگیری یا نقطه مبدأ به منطقه عملیات منتقل می‌شوند

sick leave

مرخصی پزشکی

معافیت از وظایف به دلیل بیماری

battery centre,

مرکز آتشبار

chart location of the battery

محل بر روی زمین که از مختصات جغرافیایی آن به‌عنوان مرجع نشان‌دهنده موقعیت آتشبار استفاده می‌کنند

**base defense operations
centre**

مرکز عملیات پدافند پایگاه

تسهیلات فرماندهی و واپایش که توسط فرمانده پایگاه به عنوان هسته مرکزی برای تأمین و پدافند پایگاه ایجاد می شود؛ این کانون، طرح ریزی و هدایت و یکپارچگی و هماهنگی با مراکز راهکنشی و مرکز عملیات رده عقب را بر عهده دارد

tactical air control centre

مرکز واپایش هوایی راهکنشی

تأسیسات عمده هوایی دریاپایه که در عملیات راهکنشی هوایی، واپایش همه هواگردها و عملکردهای اختار هوایی را بر عهده دارد

TACC

اخت. ماهراه

**movement report control
centre**

مرکز واپایی گزارش جابه جایی

بنگاه یا سازمانی که بر کل سامانه گزارش جابه جایی نظارت می کند

strategic advantage

مزیت راهبردی

رابطه نسبی و کلی قدرت میان نیروهای متخاصم که یک یا چند کشور را قادر می سازد وضعیت سیاسی را به طور مؤثر واپایش کنند

**operational documentation,
OPDOC**

مستندسازی عملیات

گردآوری اطلاعات دیداری درباره مکانها و تجهیزات و فعالیت های افراد، معمولاً در زمان صلح

weapons enablement

مسلح سازی

قرار دادن سلاح در بالاترین وضعیت آمادگی پیش از شلیک

arming

مسلح کردن

تغییر وضعیت سلاح یا مهمات از حالت ضامن به حالت آماده برای شروع آتش

helicopter retirement route

مسیر بالگرد

مسیر یا مسیرهایی که در امتداد آن، بالگردها از یک منطقه فرود خاص پرواز می‌کنند

distribution pipeline

مسیر توزیع

مسیر یا زنجیره‌ای که از طریق آن عملیات توزیع امکانات انجام می‌شود

range markers

مسیرنما

دو نشانه عمودی مجهز به چراغ که هم‌راستا شدنشان در دید ناوبر، مسیر درست را نشان می‌دهد و به این ترتیب، به عملیات ناوبری کمک می‌کند؛ در عملیات آب‌خاکی نیز این نشانه‌ها به ساحل‌نشینی شناور یا ناو کمک می‌کند

مشارکت اطلاعاتی ← اشتراک اطلاعات

operational architecture

معماری عملیات

تشریح وظایف و عناصر عملیاتی و جریان‌های اطلاعاتی مورد نیاز برای اجرا یا پشتیبانی عملکرد رزمی

degaussing, demagnetisation

مغناطیس‌گاهی

کاهش میدان مغناطیسی ناو با قرار دادن سیم در سینه و پاشنه آن برای در امان ماندن در برابر مین‌ها و اژدرهای مغناطیسی دشمن

flashing

مغناطیس‌گاهی طولی

کاهش مغناطیس دائمی ناو از طریق قرار دادن سیم‌پیچ مغناطیده موقت، با پیچش افقی، در اطراف ناو برای حفاظت آن در برابر مین‌ها و اژدرهای مغناطیسی

deperming

مغناطیس‌گاهی عرضی

کاهش مغناطیس دائمی ناو از طریق قرار دادن سیم‌پیچ مغناطیده موقت، با پیچش عمودی، در اطراف ناو برای حفاظت آن در برابر مین‌ها و اژدرهای مغناطیسی

electromagnetic hardening

مقاوم‌سازی الکترومغناطیسی

اقداماتی برای حفاظت از کارکنان و تأسیسات و تجهیزات در برابر اثرات ناخوشایند انرژی الکترومغناطیسی از طریق پالایش و تضعیف و عایق‌بندی و اتصال به زمین

airlift requirement

مقتضیات حمل‌ونقل هوایی

تعداد کل مسافران و بار و جابه‌جایی محموله موردنیاز برای حمل از طریق هواپیما در عملیات ویژه

bomb bay

مقرّ بمب

محل استقرار بمب در هواگرد

rules of engagement

مقررات درگیری

آیین‌نامه و قوانینی که مقامات ذی‌صلاح نظامی صادر می‌کنند و تعیین‌کننده شرایط و محدودیت‌هایی است که نیروهای نظامی براساس آنها با نیروهای دشمن درگیر می‌شوند یا به درگیری ادامه می‌دهند

army regulation

مقررات نظامی

ضوابط ناظر بر بخش‌های مختلف نیروهای مسلح

interdiction

ممانعت

اقدامی برای منحرف و مختل کردن و انهدام توان بالقوه نظامی دشمن پیش از به‌کارگیری آن علیه نیروهای خودی

air interdiction

ممانعت هوایی

اجرای عملیات هوایی به منظور انهدام یا خنثی سازی یا تأخیر در انجام عملیات نیروی بالقوه نظامی دشمن، قبل از این که بتواند به طور مؤثر در فاصله‌ای دور از نیروها وارد عمل شود

mobility system support resources

منابع پشتیبانی سامانه تحرک

منابع مورد نیاز برای انجام دست کم یکی از موارد زیر: الف) انجام ترابری هوایی و دریایی نیروها؛ ب) اجرای اقداماتی که به طور مستقیم به آغاز و پردازش و اتمام نیازمندی‌های جابه‌جایی مربوط می‌شود

source

منبع

شخصی که معمولاً تابعیت خارجی دارد و برای انجام مأموریت‌های اطلاعاتی به کار گرفته می‌شود

logistic sourcing

منبع یابی آمادی

شناسایی منابع آمادی و تعیین نحوه دسترسی نیروها به آنها

منشاپ هوایی ← منطقه شناسایی پدافند هوایی

zone of fire

منطقه آتش

منطقه‌ای که در تیررس یک یگان زمینی یا یک کشتی پشتیبان است

weapons free zone

منطقه آتش به اختیار

منطقه پدافند هوایی برای حفاظت از اماکن و تأسیسات حیاتی، غیر از پایگاه‌های هوایی، که در آنجا اجرای آتش علیه هر نوع هدفی مجاز است، مگر آنکه خودی بودن آن ثابت شود

assembly area

منطقه تجمع

منطقه استقرار یگان پیش از آغاز عملیات، برای تدارک مقدمات لازم

tactical assembly area

منطقه تجمع راهکنشی

منطقه‌ای عموماً خارج از تیررس توپخانه سبک دشمن که در آنجا واحدها اقدامات مربوط به آماده‌سازی نهایی را انجام می‌دهند و پیش از حرکت استراحت می‌کنند

area of interest

منطقه توجه

منطقه تحت فرمان فرمانده که متناسب با اهداف جاری عملیات است و منطقه نفوذ و مناطق هم‌جوار آن را شامل می‌شود و تا خاک دشمن نیز گسترش می‌یابد

air defence identification zone

منطقه شناسایی پدافند هوایی

فضای پروازی معینی که در آن هرگونه پروازی باید شناسایی و مکان‌نمایی و واپایی شود

ADIZ

خت. منشاپ هوایی

air defence operations area

منطقه عملیاتی پدافند هوایی

منطقه جغرافیایی نسبتاً وسیعی که در آن عملیات هوایی و سایر عملیات‌های نظامی انجام می‌شود

area of responsibility, AoR

منطقه مسؤلیت

منطقه‌ای که در آن سرفرمانده جنگ اختیارات لازم برای طراحی و اجرای عملیات جنگی را بر عهده دارد

flare

منور

وسیله‌ای با نور زیاد و شفاف که برای فریب سلاح‌های حرارتی دشمن به کار می‌رود

radar absorbent materials, RAM

مواد جاذب رادار

radar absorbing materials

موادی در رنگ بدنه هواگرد که نشانک‌های راداری دشمن را جذب می‌کند

مت. جاذب رادار

engine-out

موتورپر

وضعیتی در هواپیماهای چندموتوره که شتاب پیش‌رانش یکی از موتورهایش را از دست داده است

موشک پرسه‌زن

intermediate-range ballistic missile, IRBM

موشک پرتابشی بینابُرد

موشک پرتابشی با بُرد مؤثر ۲۷۰۰ تا ۵۴۰۰ کیلومتر

submarine-launched ballistic missile, SLBM

موشک پرتابشی زیردریایی

موشک پرتابشی که از زیردریایی پرتاب می‌شود و بُرد مؤثر آن از ۵۴۰۰ تا ۱۰۸۰۰ کیلومتر است

intercontinental ballistic missile, ICBM

موشک پرتابشی قاره‌پیما

موشک پرتابشی با بُرد مؤثر ۵۴۰۰ تا ۱۴۴۰۰ کیلومتر

short-range ballistic missile, SRBM

موشک پرتابشی کوتاه‌بُرد

موشک پرتابشی با بُرد مؤثر ۳۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر

medium-range ballistic missile, MRBM

موشک پرتابشی میان‌بُرد

موشک پرتابشی با بُرد مؤثر ۱۰۰۰ تا ۲۷۰۰ کیلومتر

hypervelocity missile

موشک پُرسرعت

موشکی با سرعت بیش از چهار کیلومتر در ثانیه

loitering missile, hovering missile

موشک پرسه‌زن

نوعی موشک ضدرادار که پس از پرتاب اقدام به تعیین موقعیت و شناسایی هدف می‌کند و چنانچه امواج رادار هدف خاموش شود، در هوا پرسه می‌زند و در انتظار روشن شدن مجدد رادار هدف باقی می‌ماند

loitering attack missile, LAM

موشک تهاجمی پرسه‌زن

نوعی موشک پرسه‌زن که پس از پرتاب، با استفاده از فن پرسه‌زنی به هدف مورد نظر تک می‌زند

stand-off missile

موشک دورایست

نوعی موشک هواپه‌هوا یا هواپه‌زمین که بُرد مؤثر آن بیش از بُرد رادار هدف است

shoulder-launched missile

موشک دوش‌پرتاب

موشکی که برای هدف‌گیری و شلیک، پرتابگر آن را روی شانه قرار می‌دهند

penetrating missile

موشک رخنه‌گر

موشکی با فیوز تأخیری و کلاهک ویژه که برای تخریب اهداف پنهان در زمین به کار می‌رود و پس از نفوذ تا عمق معینی منفجر می‌شود

sea-skimming missile, sea skimmer

موشک سطح‌رو

نوعی موشک هدایت‌شونده دریایی که پس از پرتاب، برای جلوگیری از شناسایی شدن، در نزدیک سطح آب حرکت می‌کند

anti-radiation missile, ARM

موشک ضدرادار

موشکی که به‌طور غیرعامل منبع انتشار نشانک‌های راداری را دنبال می‌کند

high-speed anti-radiation missile, HARM

موشک ضدرادار سریع

موشک ضدراداری با سرعت زیاد که برای استفاده علیه رادارهای اخطار اولیه و سامانه‌های پدافند هوایی به کار می‌رود

missile magnet

موشک فریب

فریبگری که موشک پرتابی به سمت هواپیما را به سوی خود منحرف می‌کند

loitering cruise missile

موشک کروز پرسه‌زن

موشکی که دارای دو ویژگی موشک کروز، یعنی هدایت با سرعت ثابت، و پرسه‌زنی است و پس از پرتاب، در نزدیک هدف شروع به جست‌وجوی هدف برای حمله به آن می‌کند

attack position

موضع تک

محلی که قبل از آغاز عملیات، ردهٔ هجوم در آن مستقر می‌شود

position finder

موقعیت‌یاب

دستگاهی برای اندازه‌گیری سمت منبع تابش موج و یافتن موقعیت و مکان جغرافیایی آن

position finding

موقعیت‌یابی

تعیین موقعیت یک فرد یا شیء به‌طور خودکار با موقعیت‌یاب

hit-to-kill

مهمات اصابتی

مهماتی که از سامانه‌های یکپارچهٔ جست‌وجو و هدایت و مهار و فیوز بهره می‌برد و در هنگام برخورد با هدف کلاهک آن فعال می‌شود

مهمات‌بر ← ناو مهمات‌بر

threat-oriented munitions

مهمات تهدیدنگر

مهماتی که برای خنثی‌سازی تهدیدهای معینی در نظر گرفته می‌شود

armour-piercing ammunitions,

مهمات ثاقب

armour piercing

پرتابه‌هایی که از آنها برای نفوذ به بدنه و آسیب‌رسانی به خودروهای زرهی استفاده می‌کنند

biological ammunition

مهمات زیستی

مهماتی که در آن عمدتاً از عوامل زیستی استفاده می‌شود

blunt impact munitions

مهمات ضربه‌ای کم‌اثر

نوعی مهمات ناتوان‌ساز متشکل از پرتابه‌ای باله‌دار یا ساچمه‌ای که سرعت کمی دارد و بُرد آن بین ۱۰ تا ۵۰ متر است

dud

مهمات عمل‌نکرده

مهماتی که از ابتدا آن طور که باید مسلح نشده یا پس از مسلح شدن عمل نکرده است

dumb ammunition

مهمات غیرهوشمند

بمبی که فاقد هر نوع سامانه هدایتی است

submunition

مهمات فرعی

مهماتی که در حین عمل از مهمات اصلی جدا می‌شود

shoot-to-kill

مهمات مجاورتی

مهماتی با فیوز مجهز به حسگر که بدون استفاده از سامانه‌های مهار و هدایت و جست‌وجو، در مجاورت هدف فعال می‌شود

**precision-guided munitions,
PGM**

مهمات هدایت‌دقیق

سلاحی مجهز به جست‌وجوگر که با شناسایی انرژی الکترومغناطیسی بازتابی از هدف یا نقطه مرجع و پردازش آن فرمان‌های هدایت را برای سامانه واپایش ارسال می‌کند و به این ترتیب، سلاح به سمت هدف هدایت می‌شود

range^۳

میدان تیر

عرصه‌ای معین و محدود و مجهز به برخی ادوات برای تمرین تیراندازی

mine

مین

افزاره‌ای حاوی مقداری مواد منفجره که برای نابود کردن یا آسیب رساندن به وسایل نقلیه زمینی و دریایی و هوایی یا افراد به کار می‌رود
* مصوب فرهنگستان اول

training mine

مین آموزشی

مینی شبیه به مین جنگی که فاقد ماده منفجره باشد

inert mine

مین بی‌اثر

نوعی مین آموزشی که از لحاظ اندازه و شکل و وزن مشابه مین جنگی است، اما همه مواد منفجره و آتش‌زای آن بی‌اثر است

mine countermeasures, MCM

مین پادکنش

مجموعه‌ای از فنون و راهکنش‌هایی که برای شناسایی و طبقه‌بندی و خنثی‌سازی مین‌های زمینی و دریایی به کار گرفته می‌شود

scatterable mine

مین پخش‌ی

مینی که به‌وسیله هواگرد یا توپ‌خانه یا خودروهای زمینی پخش می‌شود و در زیر خاک قرار داده نمی‌شود

delayed action mine

مین تأخیری

مینی که مدتی بعد از تحریک شدن منفجر می‌شود و اغلب پشت سر نیروهای عقب‌نشینی‌کننده و برای به ستوه آوردن و انهدام نیروهای تعقیب‌کننده دشمن به کار می‌رود

drill mine

مین تمرینی

نوعی مین آموزشی که از لحاظ اندازه و شکل و وزن مشابه مین جنگی است و برای تمرین‌های آمادی به کار می‌رود

bounding mine

مین جهنده ضدنفر

نوعی مین ضدنفر با خرجی کوچک که بدنه مین را به هوا پرتاب می کند و موجب می شود مین در ارتفاع تقریباً یک متری منفجر و قطعات آن در همه جهت ها پرتاب شود

controlled mine

مین دورفرمان

مینی که از ایستگاه فرمان راه دور هدایت و منفجر شود

mine sweeper

مین روب

شناور چوبی پیشرفته ای که به موتورهای غیرمغناطیسی و تجهیزات ویژه روبش مین های ضربتی و صوتی و مغناطیسی مجهز است

mine sweeping

مین روبی

جمع آوری مین های دریایی با مین روب

chemical mine

مین شیمیایی

مینی محتوی مواد شیمیایی سمی برای کشتن افراد یا از کار انداختن یا آلوده کردن وسایل و زمین

acoustic mine

مین صوتی

مینی که با امواج منتشرشده از هدف منفجر می شود

antitank mine

مین ضدتانک

مینی که تانک را از تحرک بیندازد یا باعث انهدام آن شود

antipersonnel mine

مین ضدنفر

مینی برای وارد کردن تلفات و ضایعات به افراد پیاده دشمن و ناتوان کردن آنها

مین مهارشده

anti-airborne mine

مین ضد هوا بُرد

مینی که در محل‌های احتمالی پیاده شدن نیروهای هوا بُرد کار گذاشته شود

contact mine

مین ضربه‌ای

مینی که به محض اصابت به چیزی منفجر شود

bottom mine

مین کف‌نشین

مینی دارای حسگرهای عمل‌کننده مغناطیسی و صوتی و فشاری که پس از رها شدن از ناو یا زیردریایی یا هواگرد در کف دریا قرار می‌گیرد و از آن برای انهدام شناور سطحی و زیرسطحی استفاده می‌شود

mine layer, mine planter ship

مین‌گذار

شناوری که ویژه مین‌گذاری طراحی و ساخته شده است

practice mine

مین مشقی

نوعی مین آموزشی که از لحاظ اندازه و شکل و وزن مشابه مین جنگی است و ماسوره آن مقدار کمی ماده منفجره کُندشکن یا دودزا دارد

magnetic mine

مین مغناطیسی

مینی که در میدان مغناطیسی هدف عمل می‌کند

moored mine

مین مهارشده

مینی که با استفاده از لنگر در مناطق حساس به کف دریا مهار می‌شود و در عمق متناسب با آب‌خور کشتی‌ها غوطه‌ور است و با برخورد بدنه کشتی به آن منفجر می‌شود

ن

kill vehicle

نابودگر

کلاهکی که موشک رهگیر آن را حمل می کند

kinetic kill vehicle, KKV

نابودگر با انرژی جنبشی

نابودگری که از انرژی جنبشی برای انهدام هدف استفاده می کند

**exoatmospheric kill vehicle,
EKV**

نابودگر برون جو

نابودگری که در خارج از جو قرار می گیرد

multiple kill vehicle, MKV

نابودگر چندگانه

نابودگری که دارای کلاهک چندگانه، اعم از لیزری و ریزموجی و جنبشی، برای نابودی هدفهای موردنظر است

thermal kill

ناتوان سازی گرمایی

ناتوان سازی نفرات با ایجاد گرما

base defense zone, BDZ

ناحیه پدافند پایگاه

منطقه پدافند هوایی که در اطراف پایگاه هوایی ایجاد می‌شود و در محدوده سلاح‌های کوتاه‌برد از پایگاه پدافند می‌کند

kitchen police

ناظر آشپزخانه

فردی که در تدارک مواد غذایی و مراعات اصول بهداشتی فعالیت دارد اما وظیفه او آشپزی نیست

dropmaster

ناظر پرتاب

کارشناسی که وظیفه آماده‌سازی، بازرسی، پذیرش، بارگیری، باربندی و پرتاب لوازم برای بارریزی هوایی (airdrop) را بر عهده دارد

jumpmaster

ناظر پرش

کارشناس هوایی صلاحیت‌دار که چتربازان را از زمان ورود به هواگرد تا خروج از آن تحت نظارت دارد

fitting out

ناوآمایی

آماده‌سازی و تجهیز ناو با اقلام و ادوات لازم مطابق سفارش یگان مربوط برای واگذاری به نیروی دریایی

helicopter carrier

ناو بالگردبر

نوعی ناو جنگی که کارکرد اصلی آن حمل بالگرد است

navigation

ناوبری

علم و مهارت هدایت و واپایی وسایل نقلیه اعم از دریایی و هوایی و ریلی و درون‌شهری و جاده‌ای

long range navigation

ناوبری دوربرد

نوعی سامانه ناوبری با برد بلند که در آن از اختلاف زمان ارسال و دریافت نشانک‌های تپی ارسال شده از دو یا چند ایستگاه ثابت استفاده می‌شود

hyperbolic navigation

ناوبری هُذلولی

یافتن خط یا خطوط مکانی که مطابق با هُذلولی یا هُذلولی‌های مرتبط با زنجیرهٔ دو یا چند ایستگاه رادیویی باشند

supply ship

ناو تدارکاتی

ناوی که کارکنان یا اقلام ضروری را جابه‌جا می‌کند

flotilla

ناوتیپ

۱. نوعی تقسیم‌بندی اداری - پشتیبانی نیروها در نیروی دریایی شامل دو یا چند ناوگروه ۲. نوعی سازماندهی راهکنشی یا عملیاتی در نیروی دریایی شامل دو یا چند ناوگروه، همراه با ناو سرفرماندهی یا ناو پشتیبانی یا هر دو

**man of war,
fighting ship, armed naval
ship, warship**

ناو جنگی

شناور مسلح به ادوات جنگی که متعلق به نیروی دریایی است

patrol craft

ناوچهٔ گشتی

شناور جنگی کوچک که برای انجام گشت و همپایی مورد استفاده قرار می‌گیرد

division^۲

ناودسته

۱. پایه‌ای‌ترین تقسیم‌بندی اداری - پشتیبانی نیروها در نیروی دریایی چه بر روی کشتی و چه در ساحل ۲. نوعی سازماندهی راهکنشی یا عملیاتی در نیروی دریایی که زیرمجموعهٔ ناوگروه و شامل دو یا چند ناو است

guide

ناو راهنما

ناوی که سایر یگان‌های شرکت‌کننده در آرایش، موقعیت و مسیر و سرعت خود را نسبت به آن تنظیم می‌کنند

flagship

ناو سرفرماندهی

نوعی شناور جنگی حامل فرمانده گروهی از ناوهای جنگی که به مأموریتی خاص اعزام شده‌اند

destroyer

ناوشکن

نوعی شناور جنگی پرسرعت که از آن در عملیات آفندی و پشتیبانی از عملیات آب‌خاکی با همراهی نیروهای ضربت و گروه‌های شکار و انهدام استفاده می‌کنند

task fleet

ناوگان رزمی

واحدی شامل تعدادی یگان شناور و پروازی برای انجام یک مأموریت خاص که ممکن است استمرار داشته باشد

squadron^۲

ناوگروه

۱. نوعی تقسیم‌بندی اداری - پشتیبانی نیروها در نیروی دریایی، بزرگ‌تر از ناودسته و کوچک‌تر از ناوتیپ
۲. نوعی سازماندهی راهکنشی یا عملیاتی در نیروی دریایی شامل دو ناودسته یا بیشتر

amphibious squadron

ناوگروه آب‌خاکی

مجموعه چند ناو نیروبر هجومی (assault shipping) آب‌خاکی که برای حمل نیروها و تجهیزات در عملیات هجومی آب‌خاکی مورد استفاده قرار می‌گیرد

ammunition ship

ناو مهمات‌بر

نوعی ناو جنگی که ویژه حمل مهمات برای ناوها و هواگردهای نیروی دریایی طراحی شده یا تغییر کاربری داده است

مت. مهمات‌بر

ناو هواپیما‌بر

aircraft carrier, CV

ناو هواپیما‌بر

نوعی شناور جنگی که هواپیما از روی آن پرواز می‌کند یا بر روی آن فرود می‌آید

battle

نبرد

منزعه و درگیری گسترده و کوتاه‌مدت بین نیروهای مسلح دو کشور در زمین و هوا و دریا

battle ship

نبردناو

نوعی شناور جنگی بزرگ با زره ضخیم که دارای توپ‌خانه‌ای با بزرگ‌ترین قطرینه (calibre) توپ است

rescue

نجات

عملیاتی که در آن نیروهای آموزش‌دیده، سانحه‌دیدگان را از وضعیت به‌وجودآمده به حالت ایمنی و سلامت برسانند

clearance rate

نرخ مختومگی

سنجه‌ای مرسوم در ارزیابی کارآمدی تحقیقات پلیس که از نسبت تعداد جرائم گزارش شده یا کشف شده به جرائمی که از طریق دستگیری یا دیگر روش‌ها منتفی شده است به دست می‌آید

**compression ratio,
compressor pressure ratio**

نسبت فشردگی

نسبت فشار هوای تخلیه‌شده از فشرده‌ساز به فشار هوای ورودی به آن

personal locator beacon

نشان فرست همراه

نشان فرست رادیویی مکان‌نما و دوسویه‌ای که در مواقع اضطراری و در طی عملیات امداد و نجات امکان ردیابی نفرات را فراهم می‌کند

plan-position indicator, PPI

نشانگر موقعیت راداری

نوعی نشانگر رادار که در آن پژواک‌های هدف موقعیت لحظه‌به‌لحظه آن را به صورت نقطه‌های روشن بر نقشه دایره‌ای یا بادبزی منطقه تحت پوشش آشکار می‌کند

intelligence indicators

نشانگرهای اطلاعاتی

قرائن و اطلاعاتی که برای دشمن قابل دستیابی است و چنانچه بتواند آنها را به درستی تفسیر کند، می‌تواند اطلاعاتی را در مورد توانمندی‌ها و مقاصد نیروهای رقیب به دست آورد

**laser target designator,
laser marker, LTD**

نشانه‌گذار لیزری

وسیله‌ای که با گسیل امواج لیزر هدف خاصی را نشانه‌گذاری می‌کند

information compromise

نشت اطلاعات

فرایندی در جنگ اطلاعات که در طی آن اطلاعات انحصاری یک سازمان یا کشور به سازمان یا کشور رقیب می‌رسد

debriefing

نشست توضیحی

جلسه پرسش و پاسخ برای دریافت اطلاعات در مورد مأموریت یا کاری که انجام شده است

military¹

نظامی

مربوط به نیروهای مسلح و تشکیلات مرتبط با آن

air trooping

نفربری هوایی

نقل و انتقال غیرراهکنشی و هوایی نفرات

infiltration

نفوذ

حرکت یک نیروی نظامی به صورت منفرد یا در گروه‌های کوچک در اطراف مواضع دشمن بی‌آنکه دیده شود

strategic map

نقشه راهبردی

نقشه‌ای با مقیاس متوسط و کوچک‌تر که برای طرح‌ریزی عملیات، شامل حرکات و تمرکز و آماد نیروهای نظامی، مورد استفاده قرار می‌گیرد

running fix

نقطه انتقالی

نقطه‌ای جغرافیایی که حاصل تقاطع حداقل دو خط مکان (LOP) است که در زمان‌های متفاوت به دست می‌آید؛ خط مکان اول به روش ناوبری تخمینی به زمان آخرین خط مکان منتقل می‌شود

supply point

نقطه تدارک

محل موقت و سیار که در آن تدارکات و تجهیزات خدماتی و جز آن نگهداری می‌شود

pinpoint

نقطه دقیق

نقطه‌ای بر روی زمین که دقیقاً شناسایی شده است و هدف بسیار کوچکی را نشان می‌دهد

bomb release point

نقطه رهاسازی بمب

نقطه‌ای که هواگرد پس از رسیدن به آن بمب را به سوی هدف رها می‌کند

fix

نقطه کردن

مشخص کردن محل کشتی و هواگرد و سایر اهداف بر روی نقشه که از طریق امواج رادیویی یا تطابق نجومی و با توجه به طول و عرض جغرافیایی انجام می‌شود

horizontal situation display

نمایشگر افقی

صفحه نمایش الکترونیکی در هواگرد که اطلاعات ناوبری و داده‌های مربوط به مأموریت و روش‌های پروازی را نشان می‌دهد؛ اطلاعات راداری و تلویزیونی نیز می‌تواند به صورت نقشه یا تصویر جداگانه بر روی آن دیده شود

head-up display, HUD

نمایشگر بالا

صفحه نشان‌دهنده اطلاعات پرواز و ناوبری و تهاجم یا سایر اطلاعاتی که در میدان دید خلبان قرار دارد

deployment diagram

نمودار استقرار

نمودار نشان‌دهنده ترکیب یگان‌هایی که در مرحله هجوم عملیات آب‌خاکی قرار است به صورت گروه‌های قایقی از مناطق تجمع به خط عزیمت، مطابق با روش اعزام و استقرار یگان در قالب نیروی پیاده‌شونده، پیشروی نمایند

rate of fire

نواخت آتش

تعداد دفعات شلیک هر سلاح در دقیقه

نوبت ← نوبت پرواز

sortie

نوبت پرواز

هریک از پروازهای عملیاتی یک هواگرد

مت. نوبت

masking

نهان‌سازی

روشی برای غیرقابل‌رؤیت کردن عملیات با اقدامات الکترونیکی

cache

نهانگاه

محل ذخیرهٔ اقلامی مانند مواد خوراکی و دارویی و همچنین تجهیزات ارتباطی برای پشتیبانی از نیروهای منفرد که به صورت بسته‌بندی در مکان‌های مجزا پنهان یا دفن می‌شود تا در برابر انفجار یا آب‌گرفتگی یا آتش‌سوزی، آسیب‌های احتمالی به حداقل برسد

steganography

نهان‌نگاری

فن و دانش برقراری ارتباط به صورت پنهان

movement requirement

نیازمندی‌های جابه‌جایی

نیازهای اعلام‌شده و زمان‌بندی‌شدهٔ مربوط به نقل‌وانتقال یگان‌ها و کارکنان و تجهیزات از مبدأ مشخص به مقصد مشخص

intention

نیت

هدف یا طرحی که با توجه به توانمندی‌های یک کشور برای اجرای راهکاری معین انتخاب می‌شود

war intention

نیت جنگ

هدف یا طرحی که با توجه به توانمندی‌های یک کشور به منظور تهیهٔ یک راهکار معین برای اجرای جنگ پی‌ریزی می‌شود

commander intention

نیت فرماندهی

بیان مختصر و کوتاهی از منظور فرماندهی که بر مبنای آن ستاد فرماندهی عملیات را طرح‌ریزی می‌کند

chief in command intention

نیت فرماندهی کل قوا

هدف فرماندهی کل قوای یک کشور با توجه به راهکاری معین برای دفاع که بر مبنای آن ستاد نیروهای مسلح طرح‌ریزی دفاعی می‌کند

armed forces intention

نیت نیروهای مسلح

هدف یا طرحی که با توجه به توانمندی نیروهای مسلح یک کشور برای اجرای راهکاری معین پی‌ریزی می‌شود

force multiplier

نیروافزا

توانمندی‌ای که اگر در اختیار یک نیروی رزمی قرار گیرد توان آن را به صورت قابل توجهی افزایش می‌دهد

peace enforcement forces

نیروهای اعمال صلح

نیروهای نظامی‌ای که برای کسب اقتدار بین‌المللی و وادار کردن کشورها به تابعیت از فرمان‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل در جهت حفظ نظم و صلح جهانی تعیین می‌شوند

base defense forces

نیروهای پدافند پایگاه

نیروهای مسلح منتسب یا تحت امر یک پایگاه که مأموریت اصلی آنها حفظ امنیت و دفاع از پایگاه است و در اختیار فرمانده پایگاه قرار دارند

unconventional warfare forces

نیروهای جنگ نامتعارف

نیروهایی که از توانمندی لازم برای جنگ نامتعارف برخوردارند

strategic sealift forces

نیروهای دریابری راهبردی

نیروهای دریابری، مرکب از ناوها و سامانه‌های جابه‌جایی و تحویل بار و کارکنان آنها

paramilitary forces

نیروهای شبه‌نظامی

نیروها یا گروه‌هایی که متمایز از نیروهای مسلح یک کشور هستند، اما سازمان و تجهیزات و آموزش و نوع مأموریت آنها شبیه به نیروهای نظامی است

peace keeping forces

نیروهای صلح‌بان

نیروهای نظامی‌ای که با رضایت طرف‌های درگیر در جنگ برای نظارت بر اجرای موافقت‌نامه صلح تعیین می‌شوند

multinational operation forces

نیروهای عملیات چندملیتی

نیروی نظامی مرکب از عناصری از نیروهای نظامی دو یا چند کشور هم‌پیمان برای اجرای یک مأموریت واحد

military^۲

نیروهای مسلح

افسران و کارکنان و نیروهای آموزش‌دیده نظامی هر کشور

special forces

نیروهای ویژه

نیروهای سازمان‌یافته و آموزش‌دیده نیروی زمینی که برای انجام عملیات ویژه تجهیز و آماده شده‌اند

amphibious force

نیروی آب‌خاکی

ترکیبی از یگان‌های شناور نیروهای دریایی و زمینی و نیز نیروهای پشتیبانی سازماندهی‌شده و آموزش‌دیده برای انجام عملیات آب‌خاکی

landing force, LF

نیروی پیاده‌شونده

سازمان رزمی زمینی یا دریایی برای اجرای عملیات آب‌خاکی

tactical combat force, TCF

نیروی رزم راهکنشی

واحدی رزمی با پشتیبانی رزمی مناسب و برخوردار از امکانات پشتیبانی خدمات رزمی که وظیفه مقابله با تهدیدهای سطح سوم، یعنی نیروی پشت جبهه دشمن را بر عهده دارد

task force

نیروی رزمی

یگان‌های موقتی که زیر نظر یک فرمانده عمل می‌کنند و مأموریت یا عملیات ویژه‌ای بر عهده دارند

Army

نیروی زمینی

در بعضی کشورها، دو یا سه سپاه و یگان‌های کمکی آنها که قابلیت عملیاتی مستقل دارند و معمولاً دارای یک ستاد و قرارگاه فرماندهی هستند

space force

نیروی فضایی

مجموعه سامانه‌های فضایی و زمینی و تجهیزات و تسهیلات و سازمان‌ها و نیروی انسانی مورد نیاز برای دسترسی به فضا و بهره‌برداری از آن و واپایش آن در جهت تأمین امنیت ملی

mobility air forces, MAF

نیروی هوایی متحرک

یگان‌های هوایی و خدماتی که تحرک نیروها به آنها واگذار می‌شود و در تمرین‌های عادی، فرمان عملیات آنها به مقام مسئول داده می‌شود

at the dip

نیمه‌افراشته

حالتی که در آن پرچم در میانهٔ میلهٔ پرچم، به نشانهٔ آماده بودن کشتی، برای عملیات یا احترام به ناو دیگر قرار دارد.

lookthrough**وابینی**

روشی در جنگ الکترونیکی برای تعیین کارایی اختلال‌گر از طریق اندازه‌گیری مؤلفه‌های رادار هدف‌گیری شده

emission control**واپایش تابش**

استفادهٔ گزینشی و مهارشده از فرستنده‌های الکترومغناطیسی یا صوتی یا جز آن برای افزایش توانمندی‌های فرماندهی و نظارت

movement control**واپایش جابه‌جایی**

نظارت یگان‌های مسئول بر جابه‌جایی کارکنان و تجهیزات و نیز ایجاد هماهنگی در انتقال سوخت و آب

واپِر ← واحد آماده‌سازی پرواز

وضعیت آگاهی

air staging unit

واحد آماده‌سازی پرواز

یگانی که در فرودگاه صحرایی مستقر می‌شود و کلیه امور پذیرش و نگهداری و تعمیر و آماده‌سازی پرواز هواگردها و واپایش نفرات و بار را بر عهده دارد
/خت. واپر

**handover,
aircraft handover, handoff**

واگذاری هواگرد

در اختیار قرار دادن واپایش یک هواگرد از یک مرکز یا شخص واپایشگر به مرکز یا شخص دیگر

mobility kill

وامانده‌سازی

متوقف ساختن وسیله نقلیه بدون از کار انداختن سلاح‌های آن

amphibian

وسيله آب‌خاکی

وسيله‌ای که توانایی عمل در دریا و خشکی را به‌تنهایی یا توأمان داشته باشد

carrier vehicle

وسيله حامل

سکوپی فضایی در شرایط حفاظت‌شده که رهگیر فضاپایه را قبل از استفاده بر روی آن قرار می‌دهند

unmanned ground vehicle

وسيله زمینی هدایت‌پذیر از دور

وسيله زمینی و سبک و قابل‌حملی که با عبور از مسیرهای آب و فاضلاب و سرداب‌ها قادر به انجام عملیات نظامی در مناطق شهری است

UGV

/خت. زهپاد

situation awareness, SA

وضعیت آگاهی

آگاهی از وضعیت نیروی خودی در برابر تهدید در شرایط راهکنشی

global situation awareness

وضعیت آگاهی جهانی

آگاهی از فعالیت‌ها و اقدامات و عملیات و نحوه استقرار تجهیزات و سلاح‌ها و امکانات نیروهای خودی و دشمن در نقاط مختلف جهان

space situation awareness

وضعیت آگاهی فضایی

آگاهی از فعالیت‌ها و تجهیزات و محیط که طراحان و فرماندهان و مجریان عملیات را در اتخاذ راهکارهای مورد نیاز توانمند می‌سازد

shared situation awareness

وضعیت آگاهی مشترک

آگاهی از وضعیت میدان نبرد و موقعیت عملیاتی و تجهیزات و سلاح‌ها و آرایش نیروهای خودی و دشمن که بین نیروها و سازمان‌های خودی به اشتراک گذاشته می‌شود

contingency

وضعیت اضطراری

وضعیت فوق‌العاده یا حالت اضطراری به عللی نظیر بلایای طبیعی یا حمله مخالفان حکومت که نیاز به عملیات نظامی دارد

psychological situation

وضعیت روانی

حالات عاطفی و ذهنی یا انگیزه‌های افراد یک جامعه که ویژگی‌های ملی و اجتماعی و اقتصادی و روان‌شناختی آنها را شکل می‌دهد و شرایط و حوادث جاری نیز بر آنها تأثیر می‌گذارد

military posture

وضعیت نظامی

نحوه آرایش و میزان توانمندی و آمادگی نیروی نظامی

loadmaster duties

وظایف بارناظر

وظایفی که بر عهده بارناظر است

ویژگی‌های عملیاتی

hang fire

وقفه در آتش

وضعیتی که در آن عملکرد سامانه آتش با تأخیر یا اختلال همراه است

operational characteristics

ویژگی‌های عملیاتی

ویژگی‌های نظامی مرتبط با عملکرد تجهیزات نظامی به‌طور جداگانه یا در ترکیب با سایر تجهیزات

ه

command guidance

هدایت به فرمان

نوعی هدایت موشکی که در آن فرمان‌های هدایت موشک از منبعی خارج از موشک ارسال می‌شود

terminal guidance

هدایت پایانی

نوعی هدایت که در فاصله بین هدایت میانی و مرحله نزدیک شدن موشک به هدف قرار دارد

celestial guidance

هدایت سماوی

هدایت موشک یا کلاهک با استفاده از اجرام سماوی

active homing guidance, active guidance

هدایت عامل

نوعی هدایت موشکی که در آن منبع تابش به هدف و گیرنده‌ای که بازتابش از هدف را دریافت می‌کند، در درون موشک قرار دارد

passive homing guidance

هدایت غیرعامل

نوعی هدایت موشکی که در آن گیرنده موشک از تابش حاصل از خود هدف برای ردیابی استفاده می‌کند

midcourse guidance

هدایت میانی

نوعی هدایت در فاصله بین مرحله شتاب‌گیری و مرحله پایانی هدایت موشک

هدایت نیمه‌عامل

semi-active homing guidance, semi-active guidance

نوعی هدایت موشکی که در آن گیرنده درون موشک برای هدف‌گیری از تابش‌های هدفی که به‌وسیله یک منبع خارجی روشن شده است استفاده می‌کند

هدف پرازش

high-payoff targets

هدفی که خارج ساختن آن از چنگ دشمن به طرز محسوسی موجب موفقیت عملیات نیروهای خودی شود

هدف‌گزین

targeteer

کارشناسی چندرشته‌ای که در زمینه تجزیه و تحلیل و توسعه راهکارهای تعیین هدف برای پشتیبانی از اهداف فرمانده عملیات آموزش دیده است

هدف‌گزینی

target designation

انتخاب هدف در صحنه عملیات برای تهاجم

هدف‌گزینی پویا

dynamic targeting

بخشی از فرایند تعیین و شناسایی اهداف نظامی که پیش‌تر هدف‌گزینی سنجیده نشده‌اند و اقدام علیه آنها برنامه‌ریزی نشده است

هدف‌گزینی سنجیده

deliberate targeting

بخشی از فرایند تعیین و شناسایی اهداف نظامی که در طی آن اهداف بالقوه شناسایی می‌شوند تا در زمان مناسب علیه آنها اقدام شود

هدف‌گزینی منعطف

flex targeting

توانایی هواگرد در تغییر هدف مسیر پرواز

target of opportunity

هدف ناگهانی

هدفی که در بُرد شناسایی حسگرهای سطحی و هوایی یا دیدبان‌ها قرار دارد و به‌طور ناگهانی نمایان می‌شود، ولی برای مقابله با آن از طریق اقدام پدافندی یا شلیک موشک برنامه‌ریزی یا درخواست نشده باشد

**time-sensitive targets,
time-critical targets**

هدف‌های زمان حساس

هدفی که آشکارا خطرآفرین است و نیازمند واکنش فوری نیروهای خودی است

deeply buried targets

هدف‌های ژرفانهفت

تمامی هدف‌هایی که آنها را برای مقاوم کردن در مقابل سلاح‌های جنبشی در زیر زمین پنهان می‌کنند

target acquisition

هدف‌یابی

فرایندی که در آن، هدف، شناسایی و آشکارسازی می‌شود و موقعیت آن برای به‌کارگیری سلاح تعیین می‌شود

main body

هسته کاروان

بخش عمده یا ناوهای اصلی یک آرایش دریایی

threat warning

هشدار

نشانه تصویری یا شنیداری یا حسی که بر خطری قریب‌الوقوع دلالت دارد

man aloft

هشدار دکل

تابلویی که تعمیرکاران رشته برق و الکترونیک بر روی کنسول دستگاه فرستنده یا رادار نصب می‌کنند و نشانه حضور تعمیرکار بر روی دکل و هشدار برای حفظ سلامت او در برابر تابش امواج الکترومغناطیسی است

threat warner

هشدارده

افزارهای که نشانک‌های تهدید بمب یا موشک را شناسایی می‌کند و هشدار می‌دهد

همراه ← هماهنگ‌کننده هوایی راهکنشی

tactical air coordinator

هماهنگ‌کننده هوایی راهکنشی

افسری که از درون یک هواگرد مسئولیت هماهنگی هواگردها را در عملیات پشتیبانی هوایی از نیروهای مستقر در زمین یا دریا، بر عهده دارد

TAC

خت. همراه

overlap

هم‌پوشانی

انطباق دو یا چند عکس هوایی که با عکس‌های مجاور خود دارای منطقه مشترک باشند؛ مقدار منطقه مشترک طولی در عکس هوایی معمولاً ۶۰ درصد است

مت. هم‌پوشی

هم‌پوشی ← هم‌پوشانی

swarming

هم‌تازی

روشی که براساس آن یگان‌های عملیاتی خوداتکا (autonomous) یا نیمه‌خوداتکا (semi-autonomous) از چند سو به دشمن هجوم می‌برند و سپس دوباره گرد هم می‌آیند

garnishing

هم‌رنگ‌سازی

افزودن مواد طبیعی یا مصنوعی به یک شیء یا وسیله یا ایجاد تغییر در محیط برای استتار آن

operational art

هنر عملیات

خلاقیت و مهارت و دانش و تجربه فرماندهان و افسران ستاد در طراحی راهبردها و لشکرکشی‌ها و هدایت نبردها و عملیات‌های عمده و سازماندهی و به‌کارگیری نیروهای نظامی

مت. هنر عملیاتی

هنر عملیاتی ← هنر عملیات

regiment

هنگ

یگانی راهکنشی که معمولاً از دو یا چند گردان تشکیل می‌شود

air policing

هوابانی

استفاده از هواگردهای رهگیر در زمان صلح برای حفاظت از حریم هوایی مشخص

strategic transport aircraft

هواپیمای ترابری راهبردی

هواپیمایی که کاربرد اصلی آن ترابری افراد یا بار در فواصل خیلی طولانی است

decoy aircraft

هواپیمای فریبگر

هواپیمایی که ویژگی‌های ظاهری هواپیمای واقعی را دارد و برای فریب موشک‌های دشمن پرتاب می‌شود

manned aircraft

هواگرد باسرنشین

هواگردی که ترابری و هدایت پرواز آن را نیروی انسانی بر عهده دارد

faker

هواگرد بدل

هواگردی که نقش هواگرد تهاجمی دشمن را در تمرین پدافند هوایی بر عهده دارد

modified aircraft

هواگرد بهینه‌شده

هواگردی که برای ارتقای کیفی بهینه‌سازی شده است

unmanned aircraft

هواگرد بی‌سرنشین

هواگردی که در انجام مأموریت‌های مختلف نظامی به‌صورت خودکار یا از راه دور هدایت می‌شود

هیئت هماهنگی تعیین هدف مشترک

lead aircraft

هواگرد پیشرو

هواگرد فرماندهی و رهبری تعدادی هواگرد در حین پرواز

hovercraft

هواناو

شناوری که با اعمال فشار پایین سوی هوا خود را در فاصله کمی در بالای سطح آب یا زمین نگه می‌دارد

bleed air

هوای برجیده

هوایی که در موتور توربین گازی از یک یا چند ردیف فشرده‌ساز گرفته می‌شود و از آن برای یخ‌زدایی و فشرده‌سازی هوای اتاقک خلبان و گرمایش یا سرمایش استفاده می‌کنند

joint targeting coordination board

هیئت هماهنگی تعیین هدف مشترک

مجموعه افسران مرکز عملیات فرماندهی که با توجه به اهمیت و ترتیب تقدم هدف‌ها، اقدام به گزینش هدف‌هایی می‌کنند که انهدام آنها برای موفقیت عملیات ضرورت دارد

battlefield integration

یکپارچه‌سازی رزمگاه

هماهنگ‌سازی سامانه‌های تجهیزاتی و منابع انسانی مجزا به صورت سامانه رزمی منسجم و پیکربندی شده برای افزایش توانمندی کلی سامانه

base unit

یگان پایگاه

یگانی سازمانی که در عملیات راهکنشی پایه و محور عملیات قرار می‌گیرد به طوری که حرکات و رزمایش یگان با توجه به توانمندی آن طرح‌ریزی و اجرا می‌شود

task unit

یگان رزمی

در نیروی دریایی، بخشی از گروه رزمی که فرمانده گروه رزمی یا مقام بالاتر آن را سازماندهی و هدایت می‌کند.

**فهرست واژه‌ها
با ترتیب الفبای انگلیسی**

A

abilities → capabilities

accelerated-life test

آزمون عمر شتاب یافته

access panel

دریچه دسترسی

accidental attack

حمله غیر عمدی

accommodation ladder

پلکان ورودی

acoustic mine

مین صوتی

acting executive officer

فرمانده دوم موقت

active defense

پدافند عامل

active defense principles

active defense principles اصول پدافند عامل

active electronic countermeasures پادکنش الکترونیکی عامل، پادکال عامل

active electronic warfare جنگ الکترونیکی عامل

active guidance → active homing guidance

active homing guidance هدایت عامل
syn. active guidance

ADIZ مَنشاپ هوایی

adjutant قَریار

Adjutant General's Corps کارگزینی

ADL → armistice demarcation line

administrative movement حرکت اداری

advanced base پایگاه ردهٔ جلو

advanced operations base پایگاه عملیاتی ردهٔ جلو

advanced threat infrared countermeasures

abbr. ATIRCM

سامانهٔ پادکنش فروسرخ تهدید پیشرفته

aircraft arrestment

aerospace defense

پدافند هوافضا

afloat → tactical air officer

agent

عامل

agent provocateur

مأمور تحریک

syn. inciting agent, provocateur

aground

به گِل نشستہ

airborne collection platform

سکوی هوایی جمع آوری
سکوی هوایی جمع آوری اطلاعات،

airborne early warning and control

پیش‌اخطار و نظارت هوایی

airborne early warning system

سامانه پیش‌اخطار هوایی

airborne operation

عملیات هوآورد

aircraft arresting cable

بافۀ بازدار هواپیما

کابل بازدار هواپیما

aircraft arresting hook

قلاب بازدار هواپیما

aircraft arrestment

بازداری هواپیما

aircraft carrier <i>abbr. CV</i>	ناو هواپیمابر
aircraft handover → handover	
aircraft modification	بهبودسازی هواگرد
aircraft replenishment	تغذیه هواگرد
air defense artillery	توپخانه پدافند هوایی
air defence identification zone	منطقه شناسایی پدافند هوایی
air defence operations area	منطقه عملیاتی پدافند هوایی
airdrop platform	سکوی بارگیری
airhead	سرپل هوایی
airhead line	خط سرپل هوایی
air interdiction	ممانعت هوایی
airlift capability	ظرفیت حمل و نقل هوایی
airlift coordination cell	گروه هماهنگی حمل و نقل هوایی
airlift requirement	مقتضیات حمل و نقل هوایی
air liaison officer	افسر رابط هوایی
air mobility	تحرک هوایی

ambush

air mobility command
abbr. AMC

فرماندهی تحرک هوایی

air mobility division
abbr. AMD

بخش تحرک هوایی

air mobility element
abbr. AME

عنصر تحرک هوایی

air movement

جابه‌جایی هوایی

air movement table

جدول جابه‌جایی هوایی

air policing

هوابانی

air staging unit

واحد آماده‌سازی پرواز، واپر

airstrip

باند اضطراری

air superiority

برتری هوایی

air supremacy

سلطه هوایی

air trooping

نفربری هوایی

allied countries operation → multinational operation

allied forces operation → multinational operation

all-source intelligence

اطلاعات فراگیر

ambush

کمین

AMC → air mobility command

AMD → air mobility division

AME → air mobility element

ammunition ship

ناو مهمات‌بر، مهمات‌بر

amphibian

وسیله آب‌خاکی

amphibious

آب‌خاکی

amphibious demonstration

تظاهر به تک آب‌خاکی

amphibious force

نیروی آب‌خاکی

amphibious group

گروه آب‌خاکی

amphibious operation

عملیات آب‌خاکی

amphibious squadron

ناوگروه آب‌خاکی

amphibious withdrawal

عقب‌نشینی آب‌خاکی

anti - airborn mine

مین ضد‌هواپرد

anti - G suit

لباس ضدشتاب، ضدشتاب

syn. pressure suit

antipersonnel mine

مین ضدنفر

anti-radiation missile

موشک ضدرادار

abbr. ARM

armistice demarcation line

anti-spot jamming	ضداختلال نقطه‌ای
antitank mine	مین ضدتانک
AoR → area of responsibility	
arch → arch finger print	
arch finger print	اثر انگشت کمانی، کمانی
<i>syn.</i> Arch	
area assessment	ارزیابی منطقه
area defense	پدافند منطقه‌ای
area of interest	منطقه توجه
area of responsibility	منطقه مسئولیت
<i>abbr.</i> AoR	
ARM → anti-radiation missile	
armed forces intention	نیت نیروهای مسلح
armed naval ship → man of war	
arming	مسلح کردن
armistice	ترک مخاصمه
armistice demarcation line	خط ترک مخاصمه
<i>abbr.</i> ADL	

armour piercing → armour-piercing ammunitions

armour-piercing ammunitions

مهمات ثاقب

syn. armour piercing

Army

نیروی زمینی

army

ارتش

Army base

پایگاه نیروی زمینی

army regulation

مقررات نظامی

artillery fire plan table

طرح آتش

assembly area

منطقه تجمع

assured kill

انهدام قطعی

asymmetric engagement

درگیری ناهمگون

asymmetric strategy

راهبرد ناهمگون

asymmetric tactic

راهکنش ناهمگون

asymmetric threat

تهدید ناهمگون

asymmetric warfare

جنگ ناهمگون

ATIRCM → advanced threat infrared countermeasures

base commander

attack	تک
attack position	موضع تک
at the dip	نیمه‌افراشته
axial flow compressor	فشرده‌سازی محوری
axis of advance	محور پیشروی

B

baffle	سپرک
barrage	سد آتش
barrage jammer	اختلالگر سدی
barrage jamming	اختلال سدی
barrage jamming power	توان اختلال سدی
barrier	بازدار
base	پایگاه
base command	فرماندهی پایگاه
base commander	فرمانده پایگاه

base defense forces

base defense forces	نیروهای پدافند پایگاه
base defense operations center	مرکز عملیات پدافند پایگاه
base defense zone <i>abbr. BDZ</i>	ناحیه پدافند پایگاه
base development plan	طرح توسعه پایگاه
base of operations	پایگاه عملیاتی
base unit	یگان پایگاه
basic intelligence	اطلاعات پایه
battalion	گردان
battalion axis of advance	محور پیشروی گردان
battery	آتشبار
battery centre <i>syn. chart location of the battery</i>	مرکز آتشبار
battle	نبرد
battle cry	رزم‌بانگ
battle dress	برپوش
battlefield integration	یکپارچه‌سازی رزمگاه

biological weapon

battlefield visualisation	آوردنمایی
battle rhythm	آهنگ نبرد
battle ship	نبردناو
BDZ → base defense zone	
beachhead	سرپل ساحلی
beaching	ساحل نشینی
BH → bridgehead	
biocrime	زیست جرم
biological agent	عامل زیستی
biological ammunition	مهمات زیستی
biological defense	پدافند زیستی
biological environment	محیط عملیات زیستی
biological operation	عملیات زیستی
biological threat	تهدید زیستی
biological warfare	جنگ زیستی
biological weapon	سلاح زیستی

bioradar

bioradar	زیست‌رادار
birth-to-death tracking	ردیابی کامل
bistatic radar	رادار دوپایه
black out	سیاه‌غش
black propaganda	تبلیغات سیاه
bleachers	پلکانی
bleed air	هوای برچیده
bleed valve	شیر برچین
blunt impact munitions	مهمات ضربه‌ای کم‌اثر
boarder → boarding party	
boarding party <i>syn.</i> Boarder	گروه تفتیش
bomb	بمب
bombarded site → bomb site	
bomb bay	مقرّ بمب
bombing angle	زاویه رهاسازی بمب

breechblock

bombing run	گام بمباران
bombing site → bomb site	
bomblet	ریزبمب
bomb rack	بمب گیره
bomb release line	خط رهاسازی بمب
bomb release point	نقطه رهاسازی بمب
bomb site <i>syn.</i> bombing site, bombardeed site	محل بمباران
booby trap	تله انفجاری
boresafe fuse / boresafe fuze	ماسوره ضامن دار
bottom mine	مین کف نشین
bound	خیز
boundary	خط حد
bounding mine	مین جهنده ضد نفر
break lock	قفل شکنی
breechblock	بستار

bridgehead

bridgehead <i>abbr. BH</i>	سرپُل
bridgehead line	خط سرپُل
brigade	تیپ
brigade axis of advance	محور پیشروی تیپ
broach warhead	کلاهک نفوذگر
bug	شنودافزار
bugged	تحت شنود
bugging	شنودگذاری
bunker	زیرپناه
bunker buster	پناه کوب
burn in	عیب پویی
burnthrough	اختلال گذری
burnthrough range	بُرد اختلال گذری
by-points	جهات جنبی

casemate

C

cache	نہانگاہ
cam-car	خودرو دوربین دار
camouflage	استتار
camouflage measures	اقدامات استتاری
campaign	لشکر کشی
cannibalization	قطعہ برداری
CAP → combat air patrol	
capabilities <i>syn. abilities, possibilities</i>	توانمندی‌ها
capital satellite	ماہوارہ اصلی
capstan	دوار عمودی
cardinal points	جہات اصلی
carpet bombing	بمباران منطقہ‌ای
carrier vehicle	وسیله حامل
casemate	سنگر توپ

catalytic attack	تک تحریک آمیز
catapult	شتاب افزا
CDIRCM → coherent directed infrared countermeasures	
CE → cooperative engagement	
cease engagement	درگیری بس!
cease fire	آتش بس
celestial guidance	هدایت سماوی
centralized control	فرمان متمرکز
centrifugal flow compressor	فشرده ساز مرکز گریز
CEP → cooperative engagement processor	
CERT	گوار
CES → cooperative engagement system	
chaff	خاشه
chaff dispenser	رها ساز خاشه
chain of command	سلسله مراتب فرماندهی

close support

chart location of the battery → battery centre

checkout بازبینی

chemical bomb بمب شیمیایی

chemical mine مین شیمیایی

chief in command intention نیت فرماندهی کل قوا

circular error probability → circular error probable

circular error probable , CEP دایره خطای احتمالی
syn. circular error probability

civil غیرنظامی

civil defense دفاع غیرنظامی

clearance rate نرخ مختومگی

clearing operation عملیات پاک‌سازی

CLIRCM → closed-loop infrared countermeasures

closed-loop infrared countermeasures سامانه پادکنش فروسرخ حلقه‌بسته
abbr. CLIRCM

close support پشتیبانی نزدیک

cluster bomb

cluster bomb	بمب خوشه‌ای
clutter	برفک
coherent directed infrared countermeasures <i>abbr. CDIRCM</i>	پادکنش فروسرخ هدایتی همدوس
collection platform	سکوی جمع‌آوری اطلاعات، سکوی جمع‌آوری
collision-avoidance system	سامانه برخوردگریز، سابگ
combat	رزم
combat air patrol <i>abbr. CAP</i>	گشت هوایی رزمی
combat and operational stress	فشار روانی رزمی - عملیاتی
combatant	رزمنده
combat power	توان رزمی
combat surveillance	مراقبت رزمی
combat surveillance radar	رادار مراقبت رزمی
combined sight	چشمی ترکیبی
command destruct	سامانه انهدام به فرمان، انهدام به فرمان
commander intention	نیت فرماندهی

compressor case

commander's concept → concept of operations

command guidance هدایت به فرمان

command guidance method روش هدایت به فرمان

commando تکاور

command post پاسگاه فرماندهی

common battlespace display → common battlespace picture

common battlespace view → common battlespace picture

common battlespace picture آوردنمای مشترک
syn. common battlespace view,
common battlespace display

common-flow afterburner پس سوز هم جریان

communication countermeasures پادکنش ارتباطی

company گروهان

compartmentation حیطه بندی

compression ratio نسبت فشردگی
syn. compressor pressure ratio

compressor فشرده ساز

compressor case پوسته فشرده ساز

compressor discharge pressure

compressor discharge pressure	فشار تخلیه فشرده‌ساز
compressor inlet pressure	فشار ورودی فشرده‌ساز
compressor inlet temperature	دمای ورودی فشرده‌ساز
compressor pressure ratio → compression ratio	
compressor stage	ردیف فشرده‌ساز
computer emergency response team	گروه واکنش اضطراری رایانه‌ای
computer virus countermeasures <i>abbr.</i> CVCM	پادکنش ویروس رایانه‌ای
concealment	اختفا
concept of operations <i>abbr.</i> CONOPS <i>syn.</i> commander's concept	تدبیر عملیات
conflict	کشمکش
CONOPS → concept of operations	
consolidation psychological activities	فعالیت‌های روانی تحکیمی
consolidation psychological operations	عملیات روانی تحکیمی

counter battery fire

contact mine	مین ضربه‌ای
contagious failure	خرابی سرایتگر
contingency	وضعیت اضطراری
continuous fire	آتش پایدار
controlled mine	مین دورفرمان
controlled war	جنگ مهارشده
conventional weapon	سلاح متعارف
cooperative engagement <i>abbr. CE</i>	درگیری اشتراکی
cooperative engagement processor <i>abbr. CEP</i>	پردازشگر درگیری اشتراکی
cooperative engagement system <i>abbr. CES</i>	سامانه درگیری اشتراکی
coordinated attack → deliberate attack	
corner reflector	بازتابه چندوجهی
corvette	گشت‌ناو
counter battery fire	ضد آتشبار

countermeasures

countermeasures	پادکنش
countermeasures detectability	آشکارکنندگی پادکنش
countermeasures recognition	شناسندگی پادکنش
countermine operation	عملیات مینزدایی
countermobility operations	عملیات ضدتحرک
counterpropaganda operations	عملیات ضدتبلیغ
countersabotage	ضدخرابکاری
countersniper system <i>syn. gunshot detection system , shot spotter , gunshot localization system</i>	شلیک‌یاب
counterstealth	ضدشناساگریزی
cover	پوشش
covert operation	عملیات پنهان
crater	قیف انفجار
crew black out	سیاه‌غش خدمه
crew red out	سرخ‌غش خدمه
crime laboratory	آزمایشگاه تشخیص جرم

cyber weapon

crime prevention	پیشگیری جُرم
critical intelligence	اطلاعات حیاتی
critical item	اقلام حیاتی
current intelligence	اطلاعات جاری
CV → aircraft carrier	
CVCM → computer virus countermeasures	
cyber attack	رایاتک
cyber battlefield	رایارزمگاه
cyber defense	رایاپدافند
cyber espionage	رایاجاسوسی
cyberocracy	رایاسالاری
cyber soldier	رایاسرباز
cyber threat	رایاتهدید
cyber warfare	رایاورد - رایاجنگ
cyber weapon	رایاسلاح

D

damage tolerant	آسیب‌تاب
dan buoy	شناوه نشان‌گذار
darken ship	تاریک‌سازی ناو
dart	آماجہ
de-arming <i>syn. Safing</i>	غیرمسلح کردن، ضامن کردن
debriefing	نشست توضیحی
debriefing agenda	دستور کار نشست توضیحی
debugging	شنودزدایی
decentralized control	فرمان نامتمرکز
deception	فریب
decoy	فریبگر
decoy aircraft	هواپیمای فریبگر
decoy ship	کشتی فریبگر
deeply buried targets	هدف‌های ژرفانهفت
defilade	جان‌پناه

deployment preparation order

defoliating agent	عامل برگ‌ریز
degaussing <i>syn.</i> Demagnetization	مغناطیس‌کاهی
delayed action bomb	بمب تأخیری
delayed action mine	مین تأخیری
delaying operation	عملیات تأخیری
deliberate attack <i>syn.</i> coordinated attack	تک هماهنگ
deliberate targeting	هدف‌گزینی سنجیده
demagnetisation → degaussing	
demonstration	تظاهر به تک
departmental intelligence	اطلاعات سازمانی
deperming	مغناطیس‌کاهی عرضی
deployment	استقرار
deployment diagram	نمودار استقرار
deployment planning	طرح‌ریزی استقرار
deployment preparation order	دستور تهیه استقرار

depth bomb

depth bomb	بمب زیر آبی
destage	ردیف کاهی
destretch	طول کاهی
destroyer	ناوشکن
digital battlefield	رزمگاه رقمی
DIRCM → directional infrared countermeasures	
directed-energy device	دستگاه پرتوی
directed-energy protective measures	اقدامات حفاظت پرتوی
directed-energy warfare	جنگ پرتوی
directed - energy weapon	سلاح پرتوی
directed patrol	گشت هدفمند
directional infrared countermeasures <i>abbr. DIRCM</i>	پادکنش فرورسرخ سمتی
direction finder	جهت یاب
direction finding	جهت یابی
direct support	پشتیبانی مستقیم

dumb ammunition

dirty battlefield	رزمگاه کثیف
dispenser	رها ساز
distributed fire	آتش پخشیده
distribution pipeline	مسیر توزیع
diversionary attack	تک فریبنده
diversionary device	فریب افزار
division^۱	لشکر
division^۲	ناودسته
division axis of advance	محور پیشروی لشکر
dog watch	کوته پاس
doublespeak	دو گانه گویی
drill mine	مین تمرینی
dropmaster	ناظر پرتاب
dual-mode radar	رادار دو وضعیتی
dud	مهمات عمل نکرده
dumb ammunition	مهمات غیر هوشمند

dynamic targeting

dynamic targeting

هدف‌گزینی پویا

E

EA → electronic attack

early warning

پیش‌اخطار

syn. tactical warning

eavesdropper

شنودگر

abbr. Eve

eavesdropping

شنود

ECCM

پادکُشال

ECM → electronic countermeasures

EGCM → endgame countermeasures

ejection

پرانش

ejection system

صندلی‌پران

EKV → exoatmospheric kill vehicle

emission control

electromagnetic bomb	بمب الکترومغناطیسی
electromagnetic hardening	مقاوم سازی الکترومغناطیسی
electronic attack <i>abbr. EA</i>	حمله الکترونیکی
electronic counter-countermeasures	پادکنش شکنی الکترونیکی
electronic countermeasures <i>abbr. ECM</i>	پادکنش الکترونیکی، پادکال
electronic countermeasures techniques	فنون اقدامات ضد الکترونیکی
electronic deception	فریب الکترونیکی
electronic order of battle , EOB	آرایش رزمی الکترونیکی
electronic support measures , ESM	پشتیبانی جنگ الکترونیکی
electronic support measures techniques	فنون پشتیبانی جنگ الکترونیکی
electronic target simulation	شبیه سازی الکترونیکی هدف
electronic warfare , EW	جنگ الکترونیکی ، جنگال
electronic warfare officer	افسر جنگ الکترونیکی
emission control	واپایش تابش

empty battlefield	رزمگاه پوشیده
enabler	توان افزا
endgame countermeasures <i>abbr. EGCM</i>	پادکنش وضعیت نهایی
endurance	تاب آوری
enemy capabilities	توانمندی های دشمن
energetic armour → reactive armour	
engagement	درگیری
engine-out	موتور پُر
entanglement^۱	گیر انداز
entanglement^۲	مانع
escape hatch	دریچه گریز
escape trunk	دهلیز گریز
evasion and escape	گریز و فرار
Eve → eavesdropper	
EW	جنگال
executive officer	فرمانده دوم

fighting ship

exoatmospheric kill vehicle

abbr. EKV

نابودگر برون جو

expendable decoy

فريبگر يك بار مصرف

explosive train

زنجيره انفجار

F

faker

هواگرد بدل

fault containment

عيب مهاری

fault diagnosis

عيب کاوی، تشخيص عيب

fault latency

دوره عيب نهفتگی

fault masking

عيب پوشانی

fault recovery

عيب زدایی

fault repair

رفع عيب

fault tolerance

عيب تابي

FFE → fire for effect

field manual

آيين نامه رزمی

fighting ship → man of war

finger print

finger print	اثر انگشت
fingerprint card	برگ انگشت‌نگاری
fire bomb	بمب آتش‌زا
fire for effect <i>abbr. FFE</i>	آتش مؤثر
firm kill → hard kill	
fitting out	ناوآمایی
fix	نقطه کردن
fixed collection platform	سکوی ثابت جمع‌آوری اطلاعات، سکوی ثابت جمع‌آوری
FL → flashing light	
flagship	ناو سرفرماندهی
flare	منور
flare dispenser	رها ساز منور - منور انداز
flashing	مغناطیس‌کاهی طولی
flashing light <i>abbr. FL</i>	چراغ چشم‌کزن
fleet oilers	سوخت‌رسان ناوگان

friendly fire

flex targeting	هدف‌گزینی منعطف
flotilla	ناوتیپ
force multiplier	نیروافزا
force planning	طرح‌ریزی نیرو
forcible entry	تصرف قهرآمیز، تصرف قدرتمندانه
formation	آرایش
forward-looking infrared , FLIR	فروسرخ جلونگر
foxhole	سنگر حفره‌روباہ
fragmentation warhead	کلاهک ترکش‌زا
free drop	بارریزی آزاد
French tunic	سان‌پوش
frequency agile radar	رادار چابک‌بسامد
frequency agility	چابکی بسامد
frequency deconfliction	تفکیک بسامد
frequency hopping	پرش بسامد
friendly fire	آتش خودی

frigate

frigate

پاس ناو

functional kill → soft kill

funeral march

سوگ آهنگ

G

gaiter

ساق پوش

gangway

پل تردد

gap filler radar

رادار مکمل

garnishing

همرنگ سازی

GBS → Global Broadcast System

GCI → Ground-Controlled Interception

general support

پشتیبانی عمومی

general war

جنگ عمومی

generic weapon

سلاح عام

ghost surveillance

مراقبت نامحسوس

Global Broadcast System

سامانه پخش جهانی

abbr. GBS

gun-target line

global situation awareness	وضعیت آگاهی جهانی
grand strategy	کلان راهبرد
grazing fire	آتش تراش
grey propaganda	تبلیغات خاکستری
ground collection platform	سکوی زمینی جمع آوری اطلاعات، سکوی زمینی جمع آوری
Ground-Controlled Interception <i>abbr. GCI</i>	رهگیری با واپایش زمینی
group	گروه ^۱
GTL → gun - target line	
guarded frequencies	بسامدهای حفاظت شده
guarded frequencies list	فهرست بسامدهای حفاظت شده
guerrilla	چریک
guide	ناو راهنما
gunshot detection system → countersniper system	
gun-target line <i>abbr. GTL</i>	خط قبضه - هدف

H

hand-made bomb → improvised explosive device

handoff → handover

handover

syn. aircraft handover, handoff

واگذاری هواگرد

hangar

آشیانه

hang fire

وقفه در آتش

hardened site

ایستگاه مقاوم

hard kill

syn. firm kill

انهدام سخت

hard-kill electronic countermeasures

پادکنش الکترونیکی انهدام سخت،
پادکال انهدام سخت

hard missile base

پایگاه موشکی مقاوم

HARM → high-speed anti-radiation missile

harness^۱

حمایل

harness^۲

سامانه ارتباط داخلی، ساد

hate crime

جرم نفرت‌محور

horizontal situation display

head-up display <i>abbr.</i> HUD	نمایشگر بالا
heat seeker	جست‌وجوگر حرارتی
heaving line	طناب‌بر
heliborne	بال‌برد
helicopter syn. Chopper	بالگرد
helicopter carrier	ناو بالگردبر
helicopter lane	خط‌سیر بالگرد
helicopter retirement route	مسیر بالگرد
high-payoff targets	هدف پرازش
high power microwave bomb , HPM bomb	بمب ریزموج پرتوان
high-speed anti-radiation missile <i>abbr.</i> HARM	موشک ضدرادار سریع
high velocity drop	بارریزی پرسرعت
hit-to-kill	مهمات اصابتی
home-on-jam	اختلال‌پویی
horizontal situation display	نمایشگر افقی

hovercraft

hovercraft	هوآناو
hovering missile → loitering missile	
howitzer	توپ‌وار
hub and spoke distribution	توزیع شعاعی
HUD → head-up display	
human factor	عامل انسانی
human-in-control	انسان فرمان
hung weapons	سلاح‌های گیر کرده
hybrid threat	تهدید ترکیبی
hydrofoil	آب‌سُر
hydrogen bomb	بمب هیدروژنی
hyperbolic navigation	ناوبری هذلولی
hyperbolic navigation system	سامانه ناوبری هذلولی
hypervelocity missile	موشک پُرسرعت
hyper war	فراجنگ

information destruction

I

ICBM → intercontinental ballistic missile

identification friend or foe

رادار شناخت دوست از دشمن

identity theft

سرقت هویت

IFF

رشداد

imagery intelligence

اطلاعات تصویری

immediate kill

انهدام آنی

improvised explosive device, IED

بمب دست‌ساز

syn. hand-made bomb

inciting agent → agent provocateur

inert mine

مین بی‌اثر

infiltration

نفوذ

information attack

تک اطلاعاتی

information compromise

نشت اطلاعات

information denial

بازداری اطلاعاتی

information destruction

تخریب اطلاعات

information dominance

information dominance	چیرگی اطلاعاتی
information dominance warfare	جنگ چیرگی اطلاعاتی
information sharing	اشتراک اطلاعات، مشارکت اطلاعاتی
information sharing environment	محیط اشتراک اطلاعات محیط مشارکت اطلاعاتی
information sharing strategy	راهبرد اشتراک اطلاعات، راهبرد مشارکت اطلاعاتی
information sharing vision	چشم‌انداز اشتراک اطلاعات، چشم‌انداز مشارکت اطلاعاتی
information superiority	برتری اطلاعاتی
information transport	ترابری اطلاعات
infrared countermeasures <i>abbr. IRCM</i>	پادکنش فروسرخ
infrared seeker	جست‌وجوگر فروسرخ
intelligence agencies → intelligence services	
intelligence annex	پیوست اطلاعاتی

interior guard

intelligence-based warfare	جنگ اطلاعات پایه
intelligence cycle	چرخه اطلاعات
intelligence cycle security	امنیت چرخه اطلاعات
intelligence indicators	نشانه‌های اطلاعاتی
intelligence service → security intelligence ^v	
intelligence services <i>syn.</i> intelligence agencies, secret intelligence agencies	تشکیلات امنیتی
intention	نیت
intercardinal points	جهات فرعی
interceptibility	رهگیری پذیری
interception	رهگیری
interceptor	رهگیر
intercept receiver	گیرنده شنود
intercontinental ballistic missile <i>abbr.</i> ICBM	موشک پرتابشی قاره‌پیما
interdiction	ممانعت
interior guard	پاسدار داخلی

intermediate points جهات میانی

intermediate-range ballistic missile

موشک پرتابشی بینابرد

abbr. IRBM

intermediate-range bomber aircraft

بمبافکن بینابرد

Interpol

پلیس بین الملل

intruder operations

عملیات نفوذ

IRBM → intermediate-rang ballistic missile

IRCM → infrared countermeasures

J

jammer اختلالگر

jamming اختلال

jam resistant اختلال تاب

joint logistics آماد مشترک

joint operations عملیات مشترک

KKV

joint targeting coordination board

هیئت هماهنگی تعیین هدف مشترک

jumpmaster

ناظر پرش

K

kill chain

زنجیره انهدام

kill enhancement device

انهدام افزا

kill probability

احتمال انهدام

kill vehicle

نابودگر

kinetic kill vehicle

abbr. KKV

نابودگر با انرژی جنبشی

kingstone valve

شیرفلکه توازن

kitchen police

ناظر آشپزخانه

KKV → kinetic kill vehicle

landing force

L

landing force <i>abbr. LF</i>	نیروی پیاده‌شونده
landing force supplies	تدارکات نیروی پیاده‌شونده
lanyard	شان‌آویز
laser guided weapon	سلاح هدایت‌لیزری
laser illuminator	تابشگر لیزری
laser marker → laser target designator	
laser range finder	فاصله‌یاب لیزری
laser range finding	فاصله‌یابی لیزری
laser retrofire	پس‌تابش لیزری
laser seeker	جست‌وجوگر لیزری
laser shield	لیزرگیر
laser target designating system	سامانه‌ی نشانه‌گذاری لیزری

limited war

laser target designator

abbr. LTD

syn. laser marker

نشانه‌گذار لیزری

launcher

پرتابگر

launching site

ایستگاه پرتاب

launch pad

سکوی پرتاب

launch time

زمان پرتاب

lead aircraft

هواگرد پیشرو

lethal electronic countermeasures

پادکنش الکترونیکی مخرب، پادکال مخرب

LF → landing force

liaison officer

افسر رابط

life boat

قایق نجات

life buoy

شناور نجات

lifeguard submarine

زیردریایی نجات

life ring

حلقه نجات

light line

خط چراغ جنگی

limited war

جنگ محدود

line of aim

line of aim	خط نشان‌ه‌روی
line of departure	خط عزیمت
line of fall	خط فرود
line of retirement	خط عقب‌روی
live scan	انگشت‌نگاری خودکار
loadmaster	بارناظر
loadmaster duties	وظایف بارناظر
local war	جنگ محلی
lock on	قف‌گذاری
loft bombing <i>syn. toss bombing</i>	بمباران کم‌انی
logistic assessment	ارزیابی آمادی
logistic estimate of the situation	برآورد وضعیت آمادی
logistic implication test	پيامدسنجی آمادی
logistics	آماد
logistic sourcing	منبع‌یابی آمادی

LTD

logistic support	پشتیبانی آمادی
loitering attack missile, LAM	موشک تهاجمی پرسه‌زن
loitering cruise missile	موشک کروز پرسه‌زن
loitering missile <i>syn.</i> hovering missile	موشک پرسه‌زن
loiter time	مدت پرسه‌زنی
long-range bomber aircraft	بمبافکن دوربرد
long range navigation	ناوبری دوربرد
lookthrough	وابینی
loop → loop finger print	
loop finger print <i>syn.</i> Loop	اثر انگشت حلقه‌ای، حلقه‌ای
loophole	روزنه
low velocity drop	بارریزی کم‌سرعت
LTD → laser target designator	

M

MAF → mobility air forces

magnetic mine

مین مغناطیسی

main body

هسته کاروان

main effort

تلاش اصلی

MAMS

سامپن

MANPADS

سایه همراه

man aloft

هشدار دکل

maneuver

رزمایش

maneuverable reentry vehicle

abbr. MaRV

کلاهک بازآی جولان پذیر

manned aircraft

هواگرد باسرنشین

man of war

syn. fighting ship,

armed naval ship, warship

ناو جنگی

man portable air defense system, MANPADS

سامانه پدافند هوایی همراه

midcourse guidance

march	گام آهنگ
marching band	رزم نوازان
marine base	پایگاه تفنگداران دریایی
martial law	حکومت نظامی
MaRV → maneuverable reentry vehicle	
masking	نهان سازی
mast - mounted sensor <i>abbr. MMS</i>	حسگر دکلی
materiel	افزارگان
materiel readiness	افزار آمایی
MCM → mine countermeasures	
meaconing	گمراه ساز ناوبری
meaconing techniques	فنون گمراه سازی ناوبری
medium-range ballistic missile <i>abbr. MRBM</i>	موشک پرتابشی میان بُرد
midcourse guidance	هدایت میانی

military^۱

military^۱	نظامی
military^۲	نیروهای مسلح
military airspace management system	سامانه مدیریت فضای پرواز نظامی
military government^۱	حکومت اشغالگران
military government^۲	حکومت نظامیان
military landing zone	فرودراه نظامی
military occupation	اشغال نظامی
military operation other than war, MOOTW	عملیات نظامی غیرجنگی
military police	دژبان
military posture	وضعیت نظامی
military regime	رژیم نظامی، رژیم نظامیان
military rule	حکمرانی نظامیان
military strategy	راهبرد نظامی
mine	مین

mobile defense

mine countermeasures

abbr. MCM

مین پادکنش

mine layer

syn. mine planter ship

مین گذار

mine planter ship → mine layer

mine sweeper

مین روب

mine sweeping

مین روبی

MIRV → multiple independent reentry vehicle

missile magnet

موشک فریب

missile seeker

جست و جوگر موشک

mission capable

مأموریت پذیر

MKV → multiple kill vehicle

MMS → mast-mounted sensor

mobile collection platform

سکوی متحرک جمع آوری اطلاعات،

سکوی متحرک جمع آوری

mobile defense

پدافند متحرک

mobility

mobility	تحرک
mobility air forces <i>abbr. MAF</i>	نیروی هوایی متحرک
mobility analysis	تجزیه و تحلیل تحرک
mobility corridor	دالان تحرک
mobility echelon	رده تحرک
mobility kill	وامانده سازی
mobility system support resources	منابع پشتیبانی سامانه تحرک
modified aircraft	هواگرد بهینه شده
monostatic radar	رادار تک پایه
moored mine	مین مهار شده
mopping up	پاک سازی
movement control	واپایش جابه جایی
movement control post	پاسگاه واپایش جابه جایی
movement control team	گروه واپایش جابه جایی
movement credit	مجوز جابه جایی

multinational operation commander

movement group	گروه جابه‌جایی
movement order	دستور جابه‌جایی
movement phase	مرحله جابه‌جایی
movement plan	طرح جابه‌جایی
movement report control centre	مرکز واپایی گزارش جابه‌جایی
movement report system	سامانه گزارش جابه‌جایی
movement requirement	نیازمندی‌های جابه‌جایی
movement restriction	محدودیت جابه‌جایی
movement schedule	برنامه جابه‌جایی
movement table	جدول جابه‌جایی
movement tracking system	سامانه پیش‌مسیر
moving target indicator, MTI	تحرک‌نما
MRBM → medium-range ballistic missile	
multimode radar	رادار چندوضعیتی
multinational operation <i>syn.</i> allied countries operation, allied forces operation	عملیات چندملیتی
multinational operation commander	فرمانده عملیات چندملیتی

multinational operation forces

multinational operation forces	نیروهای عملیات چندملیتی
multinational operation theatre	صحنه عملیات چندملیتی
multiple independent reentry vehicle <i>syn. MIRV</i>	کلاهک بازآی مستقل چندگانه
multiple kill capability	توانمندی انهدام چندگانه، تاج
multiple kill vehicle <i>abbr. MKV</i>	نابودگر چندگانه
multistatic radar	رادار چندپایه
mutual support	پشتیبانی متقابل

N

napalm bomb	بمب ناپالم
national strategy	راهبرد ملی
naval base	پایگاه نیروی دریایی
NAVCM → navigation countermeasures	
navigation	ناوبری

number

navigation countermeasures <i>abbr.</i> NAVCM	پادکنش ناوبری
N.B.C weapon	سلاح‌های ش.م.ه
network-centric operations, NCO	عملیات شبکه‌مدار
network-centric warfare, NCW	جنگ شبکه‌مدار
neutron bomb	بمب نوترونی
night watch	گشت شب
no nuclear kill	انهدام غیر هسته‌ای
notice bomb	بمب اعلامیه‌ای
nuclear biological and chemical weapons <i>abbr.</i> N.B.C. weapon	سلاح‌های شیمیایی میکروبی هسته‌ای
nuclear capabilities	توانمندی‌های هسته‌ای
number → sortie	

obscurant

O

obscurant	پنهان ساز
observables	شناسانه
observer-target line	خط دیدبان - هدف
occupied territory	سرزمین اشغالی
OCM → optical countermeasures	
off-board countermeasures	سامانه پادکنش بیرونی
off-the-shelf item	اقلام آماده
on-board countermeasures	سامانه پادکنش درونی
on-call → on-call fire	
on-call fire <i>abbr.</i> on-call	آتش درخواستی
OPDOC → operational documentation	
open-source intelligence	اطلاعات آشکار
operation	عملیات

optical countermeasures

operational architecture	معماری عملیات
operational art	هنر عملیات ، هنر عملیاتی
operational characteristics	ویژگی‌های عملیاتی
operational documentation <i>abbr.</i> OPDOC	مستندسازی عملیات
operational environment	محیط عملیات
operational intelligence	اطلاعات عملیاتی
operational level of war	سطح عملیاتی جنگ
operational readiness <i>abbr.</i> OR	آمادگی عملیاتی
operational readiness evaluation	ارزیابی آمادگی عملیاتی
operational testing	آزمایش عملیاتی
operation plan	طرح عملیاتی
optical counter-countermeasures , optical CCM	پادکنش‌شکنی اُپتیکی
optical countermeasures <i>abbr.</i> OCM	پادکنش اُپتیکی

OR

OR → operational readiness

order of battle رزم‌آرایی

organic weapon سلاح خاص

overcoat گرم‌پوش

overhaul بازآماد

overhaul period دوره بازآماد

syn. time between overhauls,
TBO

overlap هم‌پوشانی، هم‌پوشی

over-the-horizon radar , OTH radar رادار فرافوق

overt operation عملیات آشکار

own capabilities توانمندی‌های خودی

P

para bomb بمب چتردار

paradrop پرتاب با چتر

paramilitary forces نیروهای شبه‌نظامی

peace keeping operations

parapet	خاکریز
passive defense	پدافند غیرعامل
passive defense principles	اصول پدافند غیرعامل
passive electronic countermeasures	پادکنش الکترونیکی غیرعامل ، پادکال غیرعامل
passive electronic warfare	جنگ الکترونیکی غیرعامل
passive homing guidance	هدایت غیرعامل
patrol craft	ناوچه گشتی
pattern bombing	بمباران الگومند
PDA	دستران
peace enforcement	إعمال صلح
peace enforcement forces	نیروهای إعمال صلح
peace keeper	صلح بان
peace keeping	صلح بانی
peace keeping forces	نیروهای صلح بان
peace keeping operations	عملیات صلح بانی

peace operations <i>abbr. PO</i>	عملیات صلح
penetrating missile	موشک رخنه‌گر
penetration aids	رخنه‌ابزار
perimeter defense	پدافند پیرامونی
peripheral war	جنگ حاشیه‌ای
personal digital assistant, PDA	دستگاه رقمی انفرادی
personal locator beacon	نشان فرست همراه
personal protection equipment	تجهیزات حفاظت انفرادی
PGM → precision-guided munitions	
phase line	خط خیز
photoflash bomb	بمب درخشی
photographic intelligence	اطلاعات عکسی
pictorial format avionics → synthetic vision	
pilot black out	سیاه‌غش خلبان
pilot house	اتاق سکان

PPI

pilot red out سرخ‌غش خلبان

pinpoint نقطه دقیق

plan-position indicator نشانگر موقعیت راداری
abbr. PPI

platoon دسته

platoon sergeant گروهان دسته

PO → peace operations

point defense پدافند نقطه‌ای

police use of force شدت عمل پلیس

politico-military gaming بازی‌سازی سیاسی- نظامی

poncho باران‌گیر

position finder موقعیت‌یاب

position finding موقعیت‌یابی

possibilities → capabilities

PPI → plan-position indicator

practice mine

practice mine	مین مشقی
prearranged fire	آتش طرح ریزی شده
precision-guided munitions <i>abbr. PGM</i>	مهمات هدایت دقیق
pre-emptive attack	تک پیش دستانه
pre-emptive infrared countermeasures <i>abbr. pre-emptive IRCM</i>	پادکنش فروسرخ پیش گیرانه
pre-emptive IRCM → pre-emptive infrared countermeasures	
preemptive strike	حمله پیش دستانه
pressure suit → anti - G suit	
preventive war	جنگ پیشگیرانه
primary radar	رادار اصلی
principles of war	اصول جنگ
priority intelligence	اطلاعات اولویت دار
protection	حفاظت
provocateur → agent provocateur	

radar cross section reduction

psychological activities	فعالیت‌های روانی
psychological media	رسانهٔ عملیات روانی
psychological operations	عملیات روانی
psychological situation	وضعیت روانی
psychological theme	درون‌مایهٔ عملیات روانی
psychological warfare	جنگ روانی
pursuit	تعقیب

R

RA → reactive armour

radar رادار
syn. radio detection and ranging

radar absorbent materials, RAM مواد جاذب رادار، جاذب رادار
syn. radar absorbing materials

radar absorbing materials → radar absorbent materials

radar cross section / radar cross-section سطح مقطع راداری

radar cross section reduction, RCS reduction کاهش سطح مقطع راداری

radar display → radarscope

radar echo

پژواک راداری

radar indicator → radarscope

radar netting

شبکه‌بندی راداری

radar order of battle, ROB

آرایش رزمی راداری

radar picket

دیده‌ور راداری

radar scope

صفحه رادار

syn. radar display, radar screen,
radar indicator

radar screen → radarscope

radar warning receiver

گیرنده هشدار راداری

radiated electronic countermeasures

پادکنش الکترونیکی تابشی، پادکال تابشی

radio detection and ranging → radar

radio direction finding

جهت‌یابی رادیویی

radiological defense

پدافند پرتوی

radiological environment

محیط پرتوزده

radiological operation

عملیات پرتوی

red out

range^۱	بُرد
range^۲	بُرد عملیاتی
range^۳	میدان تیر
rang marker → rang ring	
range markers	مسیرنما
range ring <i>syn.</i> range marker	فاصله‌نما
ranging	فاصله‌یابی
rate of fire	نواخت آتش
ration dense	جیره فشرده
RCS	سَمَر
RCS reduction	کاهش سَمَر
reactive armour <i>abbr.</i> RA <i>syn.</i> energetic armour	زره واکنشی
reactive infrared countermeasures	پادکنش فروسرخ واکنشی
red out	سرخ‌غش

reentry vehicle

reentry vehicle <i>abbr. RV</i>	کلاهک بازآ
refueling	سوخت‌گیری مجدد ، سوخت‌گیری
regiment	هنگ
relief in place	تعویض در محل
rescue	نجات
rescue combat air patrol	گشت هوایی رزمی نجات
retirement	عقب‌روی
retrograde movement	حرکت به عقب
rifle trench	سنگر جنگ‌افزار
rope	رسن
ruggedized equipment	ستبرافزار
rules of engagement	مقررات درگیری
run aground	به گیل نشستن
running fix	نقطه انتقالی
running fix method	روش نقطه انتقالی
RV → reentry vehicle	

secret intelligence agencies

RWR

گهر

S

sabotage

خرابکاری

saboteur

خرابکار

safing → de-arming

SBI → space-based interceptor

scatterable mine

مین پخششی

scatter bomb

بمب پاشان

scenario

رزم‌نامه

scramble

تندخیزی

screen

پرده

searching fire

آتش غلتان

sea skimmer → sea-skimming missile

sea-skimming missile

syn. sea skimmer

موشک سطح‌رو

secondary radar

رادار فرعی

secret intelligence agencies → intelligence services

secret service

secret service <i>syn.</i> security service	سازمان امنیت
section	رشد
security intelligence ¹ <i>syn.</i> intelligence ¹	اطلاعات امنیتی
security studies	امنیت پژوهی
self - destroying fuse <i>syn.</i> self - detonating fuse	ماسوره خودانهدامی
self-detonating fuse → self-destroying fuse	
semi-active guidance → semi-active homing guidance	
semi-active homing guidance <i>syn.</i> semi-active guidance	هدایت نیمه‌عامل
sensor fusion	حسگر آمیزی
sensor seeding	حسگر ریزی
shaping	شکل دهی

side-looking airborne radar

shared situation awareness	وضعیت آگاهی مشترک
shelter	پناهگاه
shoot back	شلیک متقابل
shoot-to-kill	مهمات مجاورتی
shore	شمع
shoring	شمع زنی
short-range ballistic missile <i>abbr. SRBM</i>	موشک پرتابشی کوتاه‌برد
shoulder-launched missile	موشک دوش‌پرتاب
shrouding ballistic missile defence countermeasures	پادکنش پوشش پدافند موشک پرتابشی
<i>syn. shrouding BMD countermeasures</i>	
shrouding BMD countermeasures → shrouding ballistic missile defence countermeasures	
sick leave	مرخصی پزشکی
side-looking airborne radar <i>abbr. SLAR</i>	رادار هوا‌برد پهلو‌نگر

site

site	ایستگاه
situation awareness, SA	وضعیت آگاهی
SLAR → side-looking airborne radar	
SLBM → submarine-launched ballistic missile	
sleeper weapon	سلاح خفته
slit trench	سنگر گروهی
soft kill <i>syn.</i> functional kill	انهدام نرم
sonobuoy	شناوۀ صوتی
sortie <i>syn.</i> Number	نوبت پرواز، نوبت
source	منبع
space asset	سرمایه فضایی
space-based interceptor <i>abbr.</i> SBI	رهگیر فضاپایه
space control	فضابانی
space-control operations	عملیات فضابانی

squadron

space defense	پدافند فضایی
space force	نیروی فضایی
space force enhancement	تقویت نیروی فضایی
space parity	برابری فضایی
space power	توان فضایی
space qualified	فضاکارا
space situation awareness	وضعیت آگاهی فضایی
spacetrack	فضاردیاب
special forces	نیروهای ویژه
speed gun	سرعت یاب
spoiling attack	تک ایزابی
spot jammer	اختلالگر نقطه‌ای
spot jamming	اختلال نقطه‌ای
squad	جوخه، گروه ^۲
squadron^۱	گردان هوایی

squadron

squadron ^۲	ناوگروه
SRBM → short-range ballistic missile	
stand-off jammer	اختلالگر دورایست
stand-off jamming	اختلال دورایست
stand-off missile	موشک دورایست
stand-off range	بُرد دورایست
stealth	شناساگریزی
steep turn	تندگردی
steganography	نهان‌نگاری
strategic	راهبردی
strategic advantage	مزیت راهبردی
strategic concentration	تمرکز راهبردی
strategic estimate	برآورد راهبردی
strategic intelligence	اطلاعات راهبردی
strategic level of war	سطح راهبردی جنگ
strategic map	نقشه راهبردی
strategic mission	مأموریت راهبردی

submunition ballistic missile defence countermeasure

strategic mobility	تحرک راهبردی
strategic plan	طرح راهبردی
strategic planning	طرح‌ریزی راهبردی
strategic sealift	دریابری راهبردی
strategic sealift forces	نیروهای دریابری راهبردی
strategic transport aircraft	هوایپمای ترابری راهبردی
strategic vulnerability	آسیب‌پذیری راهبردی
strategic warning	اخطار راهبردی
strategist	راهبرشناس، راهبردار
strategy	راهبرد
submarine	زیردریایی
submarine-launched ballistic missile	موشک پرتابشی زیردریایی
<i>abbr. SLBM</i>	
submunition	مهمات فرعی

submunition ballistic missile defence countermeasure

پادکنش پدافند موشک پرتابشی مهمات
فرعی، پداموپ مهمات فرعی

abbr. submunition BMD
countermeasures

submunition BMD countermeasures

submunition BMD countermeasures

→ submunition ballistic missile defence countermeasure

supplementary facilities	تسهیلات تکمیلی
supplies	تدارکات
supply	تدارک، تأمین
supply point	نقطه تدارک
supply ship	ناو تدارکاتی
support	پشتیبانی
support capabilities	توانمندی‌های پشتیبانی
electronic support measures techniques	فنون پشتیبانی جنگ الکترونیکی
suppressive fire	آتش سرکوب
surgical countermeasures	پادکنش گزینشی
survivability	مانایی
sustainability	پایایی
swarming	هم‌تازی
sweep jammer	اختلال‌گر روبشی

tactical air commander

sweep jamming	اختلال روبرشی
sweep jamming power	توان اختلال روبرشی
synthetic theatre of war	شبیه‌ساز جنگ
synthetic vision <i>syn. pictorial format avionics</i>	دید تصویری
synthetic vision system	سامانه دید تصویری

T

table of allowance	جدول سهمیه
taboo frequencies	بسامدهای ممنوع
TAC	همراه
TACC	ماهره
tachograph	سرعت‌نگار
TACINTEL → tactical intelligence	
tactical	راهکنشی
tactical air commander	فرمانده هوایی راهکنشی

tactical air control centre

tactical air control centre	مرکز واپایش هوایی راهکنشی
tactical air coordinator	هماهنگ‌کننده هوایی راهکنشی
tactical air officer <i>syn. Afloat</i>	افسر هوایی راهکنشی
tactical assembly area	منطقه تجمع راهکنشی
tactical call sign	شناسه راهکنش
tactical combat force <i>abbr. TCF</i>	نیروی رزم راهکنشی
tactical concept	تدبیر راهکنشی
tactical deception group	گروه فریب راهکنشی
tactical intelligence <i>abbr. TACINTEL</i>	اطلاعات راهکنشی
tactical warning → early warning	
tactician	راهکنش‌شناس
tactics	راهکنش
tank	تانک
target	تیرنشان

task group

target acquisition	هدف‌یابی
target acquisition radar	رادار هدف‌یاب
target allocation	تخصیص هدف
target capture	گیراندازی هدف
arget designation	هدف‌گزینی
target discrimination	تفکیک هدف
targeteer	هدف‌گزین
targeting	تعیین هدف
targeting process	فرایند تعیین هدف
target nomination list	فهرست تعیین هدف
target of opportunity	هدف ناگهانی
task element	عنصر رزمی
task fleet	ناوگان رزمی
task force	نیروی رزمی
task group	گروه رزمی

task organization

task organization	سازمان رزمی
task unit	یگان رزمی
TBO → overhaul period	
TCF → tactical combat force	
tear gas	گاز اشک‌آور
technical manual	آیین‌نامه فنی
technocrime	فن‌جرم
terminal guidance	هدایت پایانی
terrain-avoidance system	سامانه عارضه‌گریز، ساعت
terrain-following system	سامانه عارضه‌پای
test stand	پایه آزمایش
theatre of operations	صحنه عملیات
theatre strategic environment	محیط راهبردی صحنه
theatre strategy	راهبرد صحنه
thermal gun	سلاح گرمایی
thermal kill ^۱	انهدام گرمایی

toss bombing

thermal kill ^۲	ناتوان سازی گرمایی
thermobaric bomb	بمب گرمافشاری
thermobaric weapon	سلاح گرمافشاری
threat characterization	شناخت تهدید
threat evaluation	تهدیدسنجی
threat-oriented munitions	مهمات تهدیدنگر
threat warner	هشدارده
threat warning	هشدار
through-wall-radar	رادار دیوارگذر
time between overhauls → overhaul period	
time bomb	بمب ساعتی
time-critical targets → time-sensitive targets	
time-sensitive targets <i>syn.</i> time-critical targets	هدفهای زمان حساس
torpedo	اژدر
torpedo launcher	اژدرافکن
toss bombing → loft bombing	

total asset visibility

total asset visibility, TAV

امکانات‌نمایی

training mine

مین آموزشی

trajectory ballistic missile defence countermeasures

abbr. trajectory BMD
countermeasures

پادکنش مسیر پدافند موشک پرتابشی

trajectory BMD countermeasures

→ trajectory ballistic missile defence countermeasures

trench

سنگر

trench knife

کارد سنگری

troubleshooter

عیب‌یاب

troubleshooting

عیب‌یابی

truce

متارکه جنگ

U

UAV

پهپاد

UGV

زهپاد

unattended aerial vehicle → unmanned aerial vehicle

UW

unconventional warfare

abbr. UW

جنگ نامتعارف

unconventional warfare forces

نیروهای جنگ نامتعارف

unmanned aerial vehicle, UAV

syn. unattended aerial vehicle

پرنده هدایت‌پذیر از دور

unmanned aircraft

هواگرد بی‌سرنشین

unmanned aircraft system

سامانه هواگرد بی‌سرنشین

unmanned ground vehicle, UGV

وسیله زمینی هدایت‌پذیر از دور

unmanned underwater vehicle

شناور هدایت‌پذیر از دور

UUV

شهمپاد

UW → unconventional warfare

vandal

V

vandal	تخریب‌گر
vandalism	تخریب‌گری
vessel	شناور
virtual battlefield <i>syn.</i> virtual battle space	رزمگاه مجازی
virtual battle space → virtual battlefield	
voice stress analysis	تنش‌کاوی صوت

W

war	جنگ
warhead mating	کلاهک‌گذاری
war intention	نیت جنگ
warload	بار رزمی
war march	رزم‌آهنگ
warship → man of war	

winch

watchman style	پاسیاری
weaponearing	سلاح‌گزینی
weapons control	سلاح‌پایی
weapons enablement	مسلح‌سازی
weapons free	آتش‌به‌اختیار!
weapons free zone	منطقهٔ آتش‌به‌اختیار
weapons hold	آتش‌به‌فرمان!
weapons of mass destruction	سلاح‌های کشتار جمعی
weapons tight	آتش‌به‌احتیاط!
weapon (s) system	سامانهٔ سلاح
weight and balance sheet	ترازبرگه
white propaganda	تبلیغات سفید
whorl → whorl finger print	
whorl finger print	اثر انگشت پیچشی، پیچشی
<i>syn.</i> Whorl	
winch	دوار

windlass

windlass

دوآر لنگر

windside → windward

windward

syn. Windside

بادسو

withdrawal

عقب نشینی

withdrawal by air

عقب نشینی هوایی

Z

zone of fire

منطقه آتش

**قانون ممنوعیت به کارگیری
اسامی ، عناوین و اصطلاحات بیگانه**

ماده واحده - به منظور حفظ ، قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و معارف و فرهنگ اسلامی ، دستگاه های قانونگذاری ، اجرایی و قضایی کشور و سازمان ها ، شرکت ها و مؤسسات دولتی و کلیه شرکت هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام است و تمامی شرکت ها ، سازمان ها و نهادهای مذکور در بند (د) تبصره (۲۲) قانون برنامه دوم توسعه موظفند از به کار بردن کلمات و واژه های بیگانه در گزارش ها ، مکاتبات ، سخنرانی ها و مصاحبه های رسمی خودداری کنند و همچنین استفاده از این واژه ها بر روی کلیه تولیدات داخلی اعم از بخش های دولتی و غیردولتی که در داخل کشور عرضه می شود ممنوع است.

تبصره ۱- فرهنگستان زبان و ادب فارسی باید بر اساس اصول و ضوابط مصوب خود برای واژه های مورد نیاز ، با اولویت واژه هایی که کاربرد عمومی دارند ، رأساً یا با همکاری مراکز علمی ، واژه گزینی و یا

واژه‌سازی کند و هر شش ماه یک بار گزارش فعالیت‌های خود را به کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی و حسب مورد، سایر کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

تبصره ۲- واژه‌هایی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی معادل‌یابی را برای آنها ضروری نمی‌داند و نیز کلماتی که هنوز واژه فارسی معادل آنها از سوی فرهنگستان به تصویب نرسیده است، از شمول این قانون مستثنی هستند.

تبصره ۳- فرهنگستان‌های علوم و علوم پزشکی و دستگاه‌های آموزشی و پژوهشی، دانشگاه‌ها و دیگر سازمان‌های علمی و فرهنگی مکلفند در زمینه واژه‌گزینی و واژه‌سازی تخصصی اقدام کنند و واژه‌های پیشنهادی خود را به تصویب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برسانند.

تبصره ۴- در مواردی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی در زمینه واژه‌گزینی و واژه‌سازی تخصصی خواستار همکاری دستگاه‌ها و مراکز علمی، آموزشی، صنعتی و فرهنگی باشد، این دستگاه‌ها و مراکز موظفند با فرهنگستان همکاری کنند.

تبصره ۵- کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و اماکن تولیدی و خدماتی و تجاری موظفند ظرف مدت دو سال از تاریخ ابلاغ این قانون، اسامی تولیدات و ظرف مدت یک سال نام اماکن خود را به نام‌ها و واژه‌های غیربیگانه برگردانند.

تبصره ۶- چاپخانه‌ها، مراکز طبع و نشر، روزنامه‌ها و سایر مطبوعات مکلف به رعایت این قانون هستند و در صورت تخلف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است مطابق تبصره هشتم همین قانون با آنها رفتار کند.

تبصره ۷- صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است از به‌کارگیری واژه‌های نامأنوس بیگانه خودداری کند و ضوابط دستوری زبان فارسی معیار را رعایت نماید. سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و کلیه دستگاه‌های مذکور در ماده واحده موظفند واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را پس از ابلاغ در تمامی موارد به‌کار ببرند.

تبصره ۸ - تولید و توزیع‌کنندگان کالاها و صاحبان مراکز کسب و پیشه در صورت تخلف از این قانون به ترتیب به مجازات‌های زیر محکوم خواهند شد :

الف) اخطار کتبی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ب) تعویض علائم و نشانه‌ها و تغییر اسامی و عناوین پس از اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط وزارت کشور یا دستگاه‌های ذی‌ربط با هزینه متخلف

ج) تعطیل موقت محل کار

د) لغو پروانه کار

تبصره ۹- نیروی انتظامی موظف است از نصب و استفاده از علائم به زبان و خط بیگانه توسط مراکز تولید ، توزیع و صنوف جلوگیری نماید.

تبصره ۱۰- آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت دو ماه پس از تصویب با پیشنهاد کمیسیون فرهنگی دولت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و ده تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ چهاردهم آذر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ بیست و هشتم آذر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و پنج به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

علی اکبر ناطق نوری

اصول و ضوابط واژه‌گزینی
فرهنگستان زبان و ادب فارسی
(همراه با توضیحات)

تعاریف

با توجه به اینکه دربارهٔ برخی اصطلاحاتی که در اصول و ضوابط به کار رفته است ، نظرات متفاوتی وجود دارد ، لازم دیدیم مراد خود را از آنها به وضوح بیان کنیم.

۱. واژه . مراد از واژه اصطلاح است ، یعنی لفظی که دست کم در یکی از رشته‌های علمی محض یا کاربردی دارای تعریف مشخص و دقیق باشد.

توضیح : توجه به این نکته ضروری است که بر اساس این تعریف ، واژه عنصری است که می‌تواند بسیط (بُعد ، بلور ، کانون) ، مشتق (فرشینه ، برگه ، بستار) ، مرکب (بزرگراه ، داده‌نامه ، داربست) ، مشتق - مرکب (پیراتنابه ، بکرزایی ، بی‌هوازی) و گروه نحوی (تجزیهٔ دستگاهی ، فاصلهٔ کانونی ، قرارداد از دور) باشد.

۲. واژه‌گزینی . واژه‌گزینی فرایندی است که در طی آن برای یک مفهوم مشخص علمی (خواه محض و خواه کاربردی) یک لفظ برگزیده یا ساخته می‌شود.

توضیح : ر.ک . شیوه‌های واژه‌گزینی

۳. زبان فارسی . زبان فارسی زبانی است که هم اکنون در کشورهای ایران (به نام فارسی) و تاجیکستان (به نام تاجیکی) تنها زبان رسمی و در افغانستان (به نام دری) یکی از دو زبان رسمی است و در برخی جوامع که در حوزه نفوذ فرهنگی ایران قرار داشته‌اند، بدان می‌نویسند و تکلم می‌کنند. از این زبان از قرن سوم هجری به بعد، متون نوشتاری فراوانی به‌جا مانده است که هم‌اکنون در اختیار ماست

۴. واژه فارسی . واژه فارسی واژه‌ای است که صرف‌نظر از تبار آن، در زبان فارسی موجود است و اعم از واژه‌های فارسی و عربی و نیز واژه‌های اروپایی است که معادل فارسی ندارند.

توضیح : بر اساس این تعریف واژه‌هایی مانند «رابط» و «قاب» و «یون» که از نظر تبار به ترتیب عربی و ترکی و اروپایی هستند، فارسی محسوب می‌شوند

۵. زبان علم . زبان علم گونه‌ای از زبان است که وسیله ارتباط میان اهل علم (اعم از نظری و کاربردی) و بیان مطالب علمی در گفتار و نوشتار است و در عین تعامل با دیگر گونه‌های زبان و بهره‌گیری از واژگان آنها دارای واژگان خاص است.

توضیح : زبان علم درعین حال که برای رفع نیازهای واژگانی خود از منابع و نیز روش‌های همه گونه‌های زبان از ادبی گرفته تا عامیانه بهره می‌گیرد، روش‌های خاص خود را نیز دارد. (ر.ک . منابع واژه‌گزینی و شیوه‌های واژه‌گزینی)

اصول موضوع

- مراد ما از اصول موضوع اصولی است که فرهنگستان ، با توجه به وظایفی که بر عهده آن نهاد شده است ، به آنها پای‌بند است و درستی و نادرستی آنها را در درون فرهنگستان قابل بحث نمی‌داند.
- ۱ . توسعه علمی نیازمند زبان علمی است.
 - ۲ . زبان علم در ایران زبان فارسی است.
 - ۳ . زبان علمی فارسی نیازمند واژه‌گزینی سازمان‌یافته و روشمند است.

توضیح : تجربه معادلیابی برای واژه‌های اروپایی در ایران نشان می‌دهد که واژه‌گزینی سازمان‌یافته که در آغاز ، فرهنگستان اول عهده‌دار آن بود ، از دو جهت زبان فارسی را تقویت کرد. یکی اینکه راه و روش‌های واژه‌سازی فارسی را کشف کرد ؛ دیگر اینکه این روش‌ها را تا حد زیادی رواج داد و اصطلاحات علمی آن زمان را تا حدی استاندارد کرد. از سوی دیگر در دوره‌ای که معادلیابی به صورت سازمان‌یافته صورت نمی‌گرفت ، هرج‌ومرج حیرت‌آوری در این عرصه پدید آمد ، چنانچه برای برخی واژه‌های بیگانه مانند «توپیا» ده‌ها معادل پیشنهاد شد و هیچ‌کدام نیز رواج نیافت. از این رو وجود نهادی که این امر مهم را سازماندهی و هدایت کند ، ضرورت پیدا کرد و فرهنگستان زبان و ادب فارسی تشکیل شد که یکی از وظایف آن واژه‌گزینی سازمان‌یافته و روشمند است.

مبانی

مراد ما از مبانی واژه‌گزینی، اصول زبانی است که باید در فرایند واژه‌گزینی همواره مدنظر باشد. این

اصول به قرار زیر است :

۱- در مورد اشتراک لفظی و معنایی در واژه‌های بیگانه و معادل‌های فارسی آنها از قواعد زیر پیروی می‌کنیم.

الف) هرگاه یک لفظ بیگانه دارای چند مفهوم باشد، برای هر یک از مفاهیم می‌توان یک معادل فارسی اختیار کرد.

مثال : برای لفظ بیگانه deposit در شیمی معادل «رسوب» و در بانکداری معادل «سپرده» انتخاب شده است.

ب) در مقابل یک لفظ بیگانه دارای یک مفهوم مشخص، ارجح است که یک معادل فارسی اختیار شود مگر اینکه در حوزه‌های مختلف معادل‌های متفاوتی در مقابل آن لفظ بیگانه کاملاً تداول یافته باشد.

مثال : در هواشناسی برای واژه observation معادل «دیده‌بانی» تداول یافته است و در علوم پایه معادل «مشاهده».

ج) در صورت وجود چند لفظ بیگانه برای یک مفهوم واحد، در زبان فارسی نیز می‌توان بنا به ضرورت، برای هر یک از الفاظ بیگانه یک معادل اختیار کرد.

مثال : در فیزیک برای اشاره به یک پدیده واحد دو لفظ de brogile wave و matter wave وجود دارد و در زبان فارسی نیز برای اشاره به آن پدیده دو لفظ «موج دوبروی» و «موج ماده» اختیار شده است.

د) استفاده از یک معادل فارسی برای چند واژه بیگانه در حوزه‌های مختلف مجاز است .

مثال : واژه « دسته » در رایانه در مقابل batch به کار رفته است و در موسیقی در مقابل stem .

ه) در مقابل یک لفظ بیگانه در یک حوزه مشخص فقط باید یک معادل فارسی اختیار شود مگر اینکه آن لفظ در همان حوزه دارای چند مفهوم متفاوت باشد.

۲- در واژه‌گزینی واژه اختیار شده را باید بتوان بنا به ضرورت در فرایندهای واژه‌سازی بعدی مانند انواع اشتقاق و ترکیب به کار برد.

توضیح : در واژه‌گزینی در بسیاری موارد نه با یک مفهوم منفرد ، بلکه با مجموعه‌ای از مفاهیم وابسته به هم سروکار داریم. در چنین وضعیتی مطلوب آن است که وابستگی مفاهیم در الفاظ نیز انعکاس یابد. از همین رو ارجح است که واژه اختیار شده چنان باشد که بتوان از آن مشتق گرفت یا آن را در ترکیب با کلمات دیگر به کار برد. برای مثال ، واژه «پایستن» بر «بقا» ارجحیت دارد ، زیرا از آن مشتق‌های متعددی می‌توان گرفت : پایش ، پایسته ، پایستگی ، پایا ، پایایی ، پاینده ، پایدگی ، ...

۳- در ساختن واژه جدید باید قواعد آوایی زبان فارسی رعایت شود ؛ همچنین تلفظی از وام - واژه‌ها حفظ یا اختیار شود که با قواعد واج‌آرایی و ساختار هجایی زبان فارسی مطابقت داشته باشد. افزون‌براین در نگارش و تلفظ عناصر زبانی بیگانه باید همان صورتی را حفظ کرد که هم‌اکنون در میان عموم مردم رواج دارد.

توضیح : هر زبانی قواعد واج‌آرایی و ساختار هجایی خاص خود را دارد ، ازاین‌رو نباید انتظار داشت که وام - واژه‌ها (خواه کلمات عام و خواه اسم‌های خاص) در زبان فارسی به همان صورتی تلفظ شوند که در زبان مبدأ تلفظ می‌شوند.

برای مثال در زبان فارسی هیچ کلمه‌ای با دو صامت آغاز نمی‌شود؛ از این رو واژه standard در فارسی به صورت «استاندارد» تلفظ می‌شود که باید همین تلفظ را پذیرفت و ضبط کرد. مثال دیگر، کلمه «lustre» است که در زبان مبدأ یک هجایی است، اما فارسی زبانان آن را دو هجایی (لوس تِر) تلفظ می‌کنند که باید همین تلفظ را پذیرفت. مثال دیگر، پسوند -ism در واژه‌هایی مانند cubism و socialism است که در زبان فارسی به صورت «-یسم» رواج یافته است، اما در زبان انگلیسی تلفظ دیگری دارد (-izm). تلفظ رایج را نباید به بهانه تفاوت آن با تلفظ انگلیسی تغییر داد.

۴- در املاهای واژه‌ها باید از دستور خط فرهنگستان پیروی شود. در صورت نیاز می‌توان از علائم سجاوندی که هنوز در خط فارسی قبول عام نیافته‌اند نیز استفاده کرد.

مثال: استفاده از تیره کوتاه در واژه‌های مرکبی مانند «یخچال- یخ زن» و مجتمع «مسکونی - تجاری» و «پیاده - سوار»

منابع واژه‌گزینی

منظور ما از منابع واژه‌گزینی مجموعه تکیواژه‌ها و واژه‌ها و لغاتی است که می‌توان در واژه‌گزینی از آنها بهره گرفت. اولویت بهره‌گیری از منابع به همان ترتیبی است که در زیر آورده‌ایم.

۱- زبان فارسی

توضیح: برای واژه‌گزینی می‌توان از همه عناصر زبان فارسی (به معنی وسیع آن که در بند

سه تعاریف آمده است)، از تکیواژه‌های آزاد و وابسته گرفته تا واژه‌ها و لغات بسیط و غیربسیط بهره گرفت.

۲- زبان‌های باستانی میانه ایران

توضیح: این زبان‌ها علی‌رغم این که زبان‌هایی خاموش محسوب می‌شوند، فارسی امروز با آنها خویشاوند نزدیک به‌شمار می‌آید و می‌توان از واژه‌ها و تکواژهای آزاد و وابسته آنها در واژه‌گزینی استفاده کرد.

مثال‌های زیر نمونه‌هایی از این نوع‌اند:

واکه (در مقابله vowel): از ریشه باستانی -vak به معنی «گفتن»

وردش (در مقابل variation): از ریشه -vart به معنی «گردیدن، گشتن، متحول شدن»

ترابری (در مقابل transportation) از ترکیب لفظ اوستایی -tara با بن مضارع فعل «بُردن» و پسوند «-ی»

۳- زبان‌های زنده ایرانی

توضیح: برای غنی‌تر شدن گنجینه واژگانی زبان فارسی، همه زبان‌های زنده ایرانی (مانند کردی، لری، بلوچی) به‌عنوان منبعی برای اخذ لغت پذیرفته شده‌اند. برای مثال، یکی از گروه‌های تخصصی فرهنگستان لغت «زامه» (صورتی از «زاما») را از زبان کردی اخذ کرده و آن را در واژه‌های زیر به‌کار برده است: زامه‌دان، زامه‌ای، زامه‌دانی

۴- واژه‌های اروپایی

توضیح: از این زبان‌ها می‌توان با صلاحدید فرهنگستان فقط تکواژهای آزاد و صورت‌های ترکیبی (combining forms) را وام گرفت.

مثال: یونش، الکترومغناطیس، الکترومنفی

شیوه‌های واژه‌گزینی

۱. برگزینش: انتخاب یک لفظ برای یک مفهوم از میان لغات موجود به شرطی که آن لفظ دارای همان مفهوم باشد.

توضیح: نخستین کاری که واژه‌گزین باید انجام دهد، جستجو برای یافتن یک لفظ مناسب از میان لغات موجود برای مفهوم موردنظر است. بسیاری از معادل‌هایی که در حوزه‌های مختلف علوم در مقابل واژه‌های بیگانه انتخاب شده است و مقبول متخصصان قرار گرفته، نتیجه برگزینش است؛ مانند واژه‌های دهگان، نبض، شبکیه.

۲. نوگزینش: در این روش یک واژه موجود در زبان فارسی با معنایی جدید که با معنای اولیه‌اش بی‌ارتباط نیست، در مقابل واژه بیگانه برگزیده می‌شود.

توضیح: این روش درحقیقت نوعی گسترش معنایی آگاهانه است. در گسترش معنایی، مصادیق یک لفظ افزایش می‌یابد. برای مثال، واژه‌های «یخچال» و «سپر» اکنون علاوه بر معانی قدیم خود معانی جدیدی نیز پذیرفته‌اند و این گسترش، فرایندی خودبه‌خودی بوده است. اما نوگزینش فرایندی آگاهانه است، مانند اختیار کردن واژه «آبن» که در قدیم به معنی «حوض کوچک سفالی که برای شستوی بدن» به کار می‌رفت، در مقابل «جکوزی» یا «دستینه» (به معنای «دستخط») در مقابل handbook یا «تدوین» در مقابل editing (در سینما)

۳. واژه‌سازی: ساختن یک لفظ جدید برای یک مفهوم با استفاده از واژه‌ها و تکواژهای آزاد و

وابسته موجود در منابع به یکی از روش‌های اشتقاق و ترکیب (صرفی و نحوی).

مثال: اشتقاق: «چیدمان» و «رشتار» و «شهاب‌واره»

ترکیب (صرفی): «چرخ بار» و «جعبه فرمان» و «خاک چال»

ترکیب (نحوی): فاصله کانونی، حرکت وضعی، زمان توالی

۴. وام‌گیری: اخذ یک واژه از زبان‌های اروپایی با مفهومی که در زبان مبدأ دارد. از این شیوه

عمدتاً در موارد زیر استفاده می‌شود:

۱. واحدهای اندازه‌گیری و اسامی شیمیایی و نام داروها و مانند آنها

مثال: متر، پاسکال، اکسیژن، آسپیرین

۲. واژه‌هایی که در میان عموم مردم یا در یک حوزه تخصصی متداول باشند و بنا به تشخیص

فرهنگستان وام‌گیری آنها به زبان فارسی و هویت ملی لطمه وارد نکند.

مثال: پست، اتم، ویروس

۵. روش‌های نو: فرایندهای واژه‌سازی که نیازهای جدید، استفاده از آنها را ایجاب می‌کند و

در زبان فارسی کم‌سابقه یا بی‌سابقه است. (بنا به صلاحدید فرهنگستان)

توضیح: از آنجا که زبان فارسی برای بیان مطلب علمی کمتر به کار رفته، طبیعتاً روش‌های

واژه‌گزینی خاص علمی در آن شکل نگرفته است. از این‌رو یکی از وظایف فرهنگستان در مقام

برنامه‌ریز زبان، شناخت و به کار بستن روش‌های نو و کم‌سابقه در واژه‌گزینی است.

مثال :

- ۱- ساختن اسم مصدر و اسم مفعول و صفت فاعلی از اسم‌ها و صفت‌ها با قلمداد کردن آنها به‌عنوان ستاک حال افعال بسیط ، مانند قطبش ، گرمایش ، سرمایش ، بلورش ، بسپارش ، قطبیده ، یونیده
- ۲- ساختن اختصارات به روش‌هایی مانند سرواژه‌سازی (سیبا) و برآمزش (توانیر)
- ۳- ساختن کلمات مرکب بر اساس الگوهای کم‌بسامد مانند : «زمین‌ریخت‌شناسی» و «زیست‌بسپار»
- ۴- استفاده از وندهای بیگانه‌ای که با شمار بسیار زیادی وام- واژه وارد زبان فارسی شده‌اند و فارسی‌زبانان ، هویت مستقل دستوری آنها را درمی‌یابند و به‌کارگیری آنها فرایندهای واژه‌سازی فارسی را تضعیف نمی‌کند.

توضیح : از آنجا که وندها عناصر دستوری هستند ، استفاده از آنها باید با احتیاط و بررسی همه‌جانبه صورت گیرد. به‌نظر می‌رسد پسوند «-یت» عربی در حال حاضر تنها وند بیگانه‌ای است که ویژگی‌های فوق را دارد و می‌توان با تصویب فرهنگستان از آن استفاده کرد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- آریان پور کاشانی، عباس (۱۳۶۳)، فرهنگ کامل انگلیسی-فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- آریان پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۷)، فرهنگ جامع پیشرو آریان پور انگلیسی - فارسی، نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان‌رایانه، تهران.
- امین، غفار. حقیری، مصطفی. محمودی، اسماعیل. حسینی، سعادت. روحی، نبی‌ا... (۱۳۷۸)، فرهنگ لغات و اصطلاحات نظامی، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی و مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروزان، تهران.
- حسینی، حسین. شیخ زاده، محمد حسین. اقدام، مسعود. نیاکان، رضا. رامین، غفار (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات نظامی (هفت زبان)، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
- حق‌شناس، علی محمد. سامعی، حسین. انتخابی، نرگس (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی، فرهنگ معاصر، تهران.
- حییم، سلیمان (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر فارسی - انگلیسی، فرهنگ معاصر، تهران.
- دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح (۱۳۸۸)، واژه‌های مصوب نظامی (دفتر سوم)، انتشارات پرتو واقعه، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- رستمی، محمود (۱۳۷۸)، فرهنگ واژه‌های نظامی، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- صادقی، علی اشرف. زندی مقدم، زهرا (۱۳۸۵)، فرهنگ املائی خط فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)، تهران.
- طیبیان، سید حمید (۱۳۸۴)، فرهنگ فرزانه (فارسی - عربی)، انتشارات فرزانه روز، تهران.
- کشانی، خسرو (۱۳۷۲)، فرهنگ زانسو، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- فاضل و همکاران، سهراب (۱۳۸۵)، ده سال واژه‌گزینی نظامی، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
- فاضل و همکاران، سهراب (۱۳۸۵)، واژه‌های زلال (۱)، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.

- فاضل و همکاران ، سهراب (۱۳۸۷) ، واژه‌های مصوب نظامی - دفتر دوم ، ستاد کل نیروهای مسلح - دفتر واژه‌گزینی نظامی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر اول (۱۳۸۴) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر دوم (۱۳۸۴) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر سوم (۱۳۸۵) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر چهارم (۱۳۸۶) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر پنجم (۱۳۸۷) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر ششم (۱۳۸۸) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر هفتم (۱۳۸۹) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر هشتم (۱۳۹۰) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر نهم (۱۳۹۱) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ، دفتر دهم (۱۳۹۲) ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران .
- گروه واژه‌گزینی نظامی دانشگاه عالی دفاع ملی ، واژه‌گزینی نظامی (۱) ، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی .
- محمدی ، سنجر علی (۱۳۸۱) ، فرهنگ اختصارات نظامی ، نشر میعاد ، تهران .
- مظاهری کله‌رودی ، علی اصغر (۱۳۶۴) ، فرهنگ لغات و اصطلاحات نظامی ، انتشارات امیر کبیر ، تهران .
- مظفری ، غلامرضا (۱۳۷۱) ، فرهنگ واژه‌های نظامی ، ارتش جمهوری اسلامی ایران ، تهران .
- معلم ، مرتضی (۱۳۸۲) ، فرهنگ جدید فارسی - فرانسه ، انتشارات امیرکبیر ، تهران .
- معلوف ، لوئیس (۱۳۸۲) ، فرهنگ عربی المنجد فی اللغه ، مؤسسه انتشارات دارالعلم ، قم .
- معین ، محمد (۱۳۷۵) ، فرهنگ فارسی ، انتشارات امیرکبیر ، تهران .
- جرّ ، خلیل (۱۳۸۴) ، فرهنگ زبان عربی - فارسی لاروس ، ترجمه سید حمید طیبیان ، انتشارات امیرکبیر ، تهران .
- نقیسی ، سعید (۱۳۸۴) ، فرهنگ فرانسه - فارسی ، انتشارات صفی علی شاه ، تهران .
- نوروزی ، محمد تقی ، (۱۳۸۵) فرهنگ دفاعی امنیتی ، انتشارات سنا ، تهران .

منابع انگلیسی

- **Academic Press Dictionary of Science and Technology** ; London , New York : ۱۹۹۱ .
- **American Heritage Dictionary of English Language**; Houghton Mifflin Company, ۱۹۹۶.
- **Department of Defense Handbook Glossary for Training** ; U.S Army , ۲۰۰۱.
- **Dictionary of Military and Associated Terms** ; U.S.A: department of defense , ۲۰۰۵.
- **Glossary of EW** (electronic warfare) ; U.S air force document , ۲۰۰۷.
- Gunston , Bill ; **Jane's Aerospace Dictionary** ; Jane's publishing company , U.K : ۱۹۸۶ .
- J.Bunker , Robert ; **Nonlethal weapons Terms and References** ; ۲۰۰۴.
- **Land Component Handbook** ; British Army , ۲۰۰۱.
- **Longman Advanced American Dictionary** ; Harlow:Longman , ۲۰۰۰
- **Mc GRAW-HILL Concise Encyclopedia of Science & Technology**; New york : Mc GRAW-HILL , ۲۰۰۵ .
- **Merriam- Webster Collegiate Dictionary** ; Springfield , Mass.: Merriam- Webster , ۲۰۰۳
- Neri , Filippo , **Introduction to Electronic Defense System**; ۲۰۰۳.
- Noel , John V , L. Beach , Edward , **Naval Terms Dictionary** ; ۱۹۹۸.

- **Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English** ; Oxford : Oxford University Press , ۲۰۰۳.
- Whitaker , Randall ; **The Convoluted Terminology of Information** ; ۲۰۰۷.

منابع فرانسوی

- **Dictionnaire de la Defences Arme'es** ; ۱۹۹۹.
- **Harrap French Dictionary** ; Chambers Harrap publishers LTD, ۲۰۰۱.
- **LE petit Robert Dictionnaire de la langue francaise** ; Paris : ۲۰۰۱.

